بسم الله الرحمن الرحیم

قفقاز

فصلنامه علمی – تخصصی قفقاز
شماره ۲۹-۳۰ تابستان و پاییز ۱۳۹۷

شاپا:۷۷۳۳-۲۶۴۵
بهاء تک شماره:۷۰۰۰ تومان
صاحب امتیاز : مرکز فرهنگی قفقاز
مدیر مسئول : دکتر سید ناصر اسحاقی
سردبیر : دکتر بهنام صحرانورد
مدیر داخلی : مجید ده فروش
ویراستار : واحد پژوهش مرکز فرهنگی قفقاز
طراحی و صفحه‌آرایی : سمیه صحافی

اعضاء هیئت تحریریه
(به ترتیب حروف الفبا):

دکتر مرتضی ابراهیمی
(استادیارعلوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی)
دکتر سید اسدالله اطهری
(استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان)
دکتر آرمین امینی
(دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی)
دکتر سید مهدی جوادی
(استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل)
دکتر امیدعلی رعنایی
(مدرس دانشگاه)
دکتر آناهیتا سیفی
(استادیار حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر بهنام صحرانورد
(استادیار روابط بین الملل دانشگاه فرهنگیان اردبیل)
دکتر سیدمحمد موسوی
(دانشیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور)

دکتر سید ناصر اسحاقی
(استادیار تاریخ دانشگاه فرهنگیان اردبیل)
دکتر بهرام امیر احمدیان
(استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران)
دکتر ولی جباری
(مدرس دانشگاه)
دکتر صدیقه السادات حسینی
(استادیار روابط بین الملل دانشگاه مفید)
دکتر یوسف زین العابدین عموقین
(دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت)
دکتر حمید صالحی
(دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر محمدرضا کفاش جمشید
(مدرس دانشگاه)

نشانی: اردبیل- میدان شریعتی- انتهای خیابان آیت‌الله خامنه‌ای- پلاک ۴۳
تلفن: ۳۳۲۴۰۹۳۷-۰۴۵ دورنگار: ۳۳۲۴۰۹۳۶-۰۴۵
نشانی پایگاه اینترنتی: www.Qafqaz.ir
پست الکترونیکی: qafqazhagayegi@yahoo.com

فصلنامه قفقاز از تاریخ ۹۳/۳/۲۷ به شماره ثبت ۹۳/۷۱۰۳ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارای پروانه انتشار می باشد.

مطالب مندرج در فصلنامه علمی- تخصصی قفقاز، الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز فرهنگی قفقاز نمی‌باشد.

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۷

روندهای سیاسی– امنیتی در قفقاز جنوبی؛ هماورد طلبی ژئوپلیتیکی بازیگران

رحمت الله فلاح ۹

آینده پژوهی مسائل ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در اوراسیا

دکتر یوسف زین العابدین عموقین ۲۹

ارزیابی کنوانسیون رژیم حقوقی اخیر دریای خزر

حمید خوشایند ۴۵

کریدور حمل و نقل شمال-جنوب

دکتر بهرام امیر احمدیان ۶۷

فرصت های اقتصادی ایران در دوران تحریم های یکجانبه آمریکا؛ مطالعه موردی قفقاز جنوبی

محمد جلالی فرد، سید روح الدین میری ۹۱

رویکرد رفتاری و عملی دولت ترکیه در مواجهه با تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا

محمدرضا فرهادی ۱۱۵

چکیده انگلیسی 5

چکیده آذری 13

کلیه‌ی حقوق برای مرکز فرهنگی قفقاز محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ، آزاد است.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط مقاله

۱-مقاله بایستی، برخوردار از مختصات روش‌شناختی و محتوایی نو و سامان‌یافته و در ارتباط با محورهای پژوهشی فصلنامه (مسائل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، حقوقی و ... منطقه قفقاز) باشد.

۲-مقاله ارسالی تکراری نبوده و در نشریات دیگر چاپ نشده باشد.

۳-پذیرش مقاله به عهده اعضاء کمیته علمی فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی فصلنامه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود. درعین‌حال کمیته علمی فصلنامه در ویرایش مندرجات مقاله مختار است.

۴-متن مقاله باید در محیط نرم‌افزاری Word با فونت نوع میترا، سایز ۱۱ و در ۱۵ تا ۲۰ صفحه تدوین و ارسال گردد.

۵-مقاله ارسالی باید برخوردار از ساختار علمی و با رعایت شرایط ذیل تدوین شود:

- مقاله ارسالی باید دارای عنوان، چکیده، کلید واژگان (سه الی پنج کلیدواژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، فهرست منابع و ماخذ باشد.
- مشخصات نویسنده یا نویسندگان مقاله شامل نام و نام خانوادگی و نیز رتبه علمی دانشگاهی یا حوزه پژوهشی و تلفن تماس و آدرس پست الکترونیکی در چکیده مقاله درج گردد.
- مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا، مختصر و گویای محتوای نوشتار باشد.
- چکیده مقاله باید حداکثر در یک صفحه (حداکثر ۲۰۰ کلمه) شامل بیان مسئله، اهداف، ضرورت و اهمیت موضوع، سؤال اصلی، روش تحقیق و نتایج و یافته‌های تحقیق باشد.
- در مقدمه مقاله موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع موردپژوهش و منظور پژوهشگر از طرح و انتظار آن و چگونگی انجام پژوهش ذکر شود.
- متن مقاله بایستی بیانگر روش و روند کار به شکل توصیفی باشد.
- در پایان مقاله، نتیجه‌گیری باید به‌گونه‌ای منطقی و مفید که حاوی مباحث و نتایج و دستاورد پژوهش همراه با ارائه راهکارها و پیشنهادها باشد، ارائه گردد.

ب) شرایط استناد

۱-تمام منابع مورداستفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفباء با شماره‌گذاری آورده شود.

۲- فصلنامه قفقاز از شیوه استناد «درون‌متنی» پیروی می‌کند، لذا پس از استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از منابع مختلف، نام و نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه مورد استفاده بر اساس نمونه داخل پارانتز آورده می‌شود.

نمونه: (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ۱۸۰)

- درصورتی‌که منبع مورداستفاده بیش از یک جلد باشد شماره جلد نیز در داخل پارانتز و بعد از سال انتشار آورده می‌شود.

  نمونه: (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ج ۲: ۱۸۰)
- در صورت متعدد بودن منابع از یک نویسنده با سال انتشار واحد، با افزودن الف و ب در کنار سال انتشار، منبع مورداستفاده مشخص می‌گردد.

  نمونه: (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: (الف): ۱۸۰)

۳- معانی اصطلاحات و اسم‌های خاص و نیز معادل واژه‌ها به زبان‌اصلی و همچنین توضیح واژه‌ها و اصطلاحات دشوار و بیان مسائل حاشیه‌ای در خصوص موضوع مورد بحث که قابل بیان در متن اصلی مقاله نیستند در پایان مقاله و در بخش، یادداشت‌ها آورده شوند. در این خصوص لازم است اصطلاحات و مطالب با درج اعداد مشخص گردند.

۴- منابع مورد استفاده، در پایان مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده تنظیم و بر اساس الگوی ذیل آورده شوند.

- **کتب:**

نام خانوادگی، نام، (سال انتشار کتاب) عنوان کتاب، نام مترجم، تعداد جلدها(درصورتی‌که کتاب تنها در یک جلد تالیف شده باشد این بخش حذف می شود) شماره چاپ، محل نشر، نام ناشر.

- **مقالات:**

نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار مجله) عنوان مقاله، نام مترجم، نام مجله، شماره مجله، محل نشر، ناشر، صفحات مقاله در مجله.

- **مقالات الکترونیکی:**

نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار در سایت) عنوان مقاله، نام مترجم، نام سایت، آدرس دسترسی به سایت

- **پایان نامه ها و رساله ها:**

نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان، مقطع تحصیلی و رشته، دانشگاه، سال دفاع از پایان نامه

۵-منابع خارجی نیز به شیوه گفته شده در بالا ذکر شوند.

سخن سردبیر

آسیای مرکزی و قفقاز در نقشه سیاسی، امنیتی جهان امروز، به عنوان حلقه اتصال اروپا و آسیا از چنان اهمیتی برخوردار است که بر اساس اعلام موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک لندن و آژانس بین المللی انرژی تا ۳/۵ درصد از ذخایر شناخته شده نفتی و ۵/۵ درصد از ذخایر گازی اثبات شده را در خود جای داده است و تعبیر" خلیج فارس دوم" به این منطقه دور از اغراق به نظر نمی رسد. به تبع آن قفقاز با عدم دسترسی به آب های آزاد بین المللی و نگاه نوین قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای هم چون ایالات متحده، روسیه و چین و اخیرا اتحادیه اروپا و مختصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، چنان در معادلات منطقه ای و جهانی نقش آفرین شده است که چشم پوشی از این منطقه برای هر نظام سیاسی به سادگی مقدور نمی باشد؛ اگرچه مقدورات و محذورات بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای شرایط پیچیده و پرفشاری را در کنشگری بازیگران ایجاد نموده است. از سوی دیگر تنوع نژادی و زبانی این منطقه و سه گروه قومی ساکن در آن مشتمل بر قفقازی ها، هند و اروپایی ها و ترک تبارها بر گستردگی معمای حرکت کشورها افزوده است؛ با این حال تلاش پژوهشگران، سیاست ورزان و سیاست شناسان می تواند در تسهیل تصمیم گیری ها و اعمال تصمیمات بهینه دولتمردان نقش آفرینی شایان توجهی داشته باشد.

در این شماره از فصلنامه قفقاز با نگاهی متاملانه بر فرآیندهای پیچیده مباحث درون ساختاری و برون ساختاری حاکم بر معادلات این منطقه تلاش گردیده است در تصویر سازی مناسب مسائل منطقه گامهای بیشتری برداشته شود.

اولین مقاله فصلنامه با عنوان "روند سیاسی- امنیتی در قفقاز جنوبی، هماورد طلبی ژئوپلیتیکی بازیگران" تلاش دارد با رویکرد توضیحی و تبیینی، برخی از مولفه های روندهای نوین در کشورهای قفقاز جنوبی را تحلیل و وضعیت مورد انتظار از روندهای موجود را ترسیم نماید. یافته های این مقاله حاکی از آن است، جدال ژئوپلیتیک در این منطقه در سطوح مختلف تداوم خواهد یافت و بر این اساس جمهوری اسلامی ایران باید سعی کند الگویی از رفتار استراتژیک را نهادینه نماید تا به شگل گیری هنجارهای امنیتی بومی و منطقه ای منجر شود.

مقاله " فرصت های اقتصادی ایران در حوزه قفقاز جنوبی در دوران تحریم های ظالمانه و یکجانبه ایالات متحده" با کنکاشی عمیق و بر مبنای نظریه عمل گرایی ، این منطقه را بازاری بزرگ برای ایران توصیف می کند که در صورت تدبر ، درایت و اولویت بخشی دولتمردان می تواند جامه عمل به خود بگیرد.

مقاله" ارزیابی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر" با توجه به پیچیدگی مناقشه بر سر تدوین نظام حقوقی حاکم دریای خزر و با نگاهی بر پیشینه نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر درصدد پاسخ به این پرسش بنیادین می باشد که کنوانسیون حقوقی اخیر دریای خزر چگونه قابل ارزیابی است. در این مقاله با روشن شدن این مساله که خزر یک دریاچه ای بیش نیست و طبیعتا رژیم حقوقی خاص خود را باید داشته باشد، از کنوانسیون رژیم حقوقی خزر روز ۱۲ مرداد ۱۳۹۷ به عنوان کنوانسیونی یاد می کند که دارای نقاط قوت و چالش هایی می باشد.

" آینده پژوهی مسائل ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در اوراسیا" عنوان دیگر مقاله این شماره فصلنامه است. آینده پژوهی بر پایه آینده شناسی از اواسط دهه ۱۹۶۰به عنوان یک رشته علمی و دور اندیشی های استراتژیک، تحت عنوان سناریو به عنوان روشی برای آینده پژوهی جای خود را در محافل پژوهشی بازکرد. به این ترتیب روش سناریونویسی یکی از کلیدی ترین روش های آینده پژوهی است و شیوه ای برای بهبود تصمیم گیری در برابر آینده های ممکن و محتمل است و این مقاله آینده های ممکن و متصور روابط ایران و روسیه را مورد بررسی قرار می دهد.

بحران قره باغ به عنوان پایدارترین بحران لاینحل قفقاز، کماکان مطمح نظر نویسندگان و پژوهشگران می باشد و مقاله " چالش های سیاست خارجی ایران در بحران قره باغ" مهم ترین جهت گیری ها و موضع گیری های ایران را در این مناقشه مورد نقد و ارزیابی قرار داده است.

"رویکرد رفتاری و عملی دولت ترکیه در مواجهه با تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا" عنوان واپسین مقاله این فصلنامه است که با باز تعریف تحریم و انواع آن تلاش می کند این نکته را اثبات نماید که دولت ترکیه همواره تلاش می کند در عرصه ژئواکونومی و به ویژه حوزه انرژی، تعاملات بلند مدتی را با ایران برقرار نماید.

روندهای سیاسی– امنیتی در قفقاز جنوبی؛ هماورد طلبی ژئوپلیتیکی بازیگران

رحمت الله فلاح [1]

تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۱۱/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

تحلیل روندهای سیاسی – امنیتی در قفقاز جنوبی از آن روی مهم به نظر می رسد که بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای فعال در این ژئوپلیتیک، شکل واره های امنیتی با ماهیت متعارضانه و متنازعانه را به وجود می آورند که می تواند، تاثیر فوری و بلا واسطه بر منافع امنیتی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بگذارد. با این اوصاف این مقاله با رویکرد توضیحی- تبیینی، روندهای موجود و چشم انداز های متصور و مورد انتظار را در کانون توجه خود قرارداده و به این جمع بندی رسیده است که جدال ژئوپلیتیک در این منطقه در سطوح مختلف تداوم خواهد یافت. در چنین شرایطی، توصیه می گردد که دیپلماسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران تلاش نماید، الگویی از رفتار استراتژیک را در منطقه قفقاز جنوبی نهادینه نماید تا به ایجاد هنجارهای امنیتی بومی و منطقه ای منجر شود.

واژه گان کلیدی: قفقاز جنوبی، ژئوپلیتیک، روندهای سیاسی- امنیتی، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان

[1] - مدیر بخش مطالعات اوراسیای موسسه راهبردی جهان پژوه- آدرس ایمیل: Rfallah90@gmail.com

۱- مقدمه

قفقاز جنوبی به علت دارا بودن کد ژئوپلیتیک مهم، از بدو فروپاشی شوروی در کانون توجه بازیگران منطقه ای و بین المللی قرار گرفته است. این منطقه که شامل سه کشور؛ جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می باشد در درون و بیرون خود با سطحی از منازعات قومی و ارضی درگیر است که بخشی از ظرفیت ژئوپلیتیک و ترتیبات امنیتی منطقه در این راستا شکل گرفته و مدیریت می گردد. منازعه قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان و اشغال ۲۰ درصد از اراضی جمهوری آذربایجان توسط ارامنه، به عنوان مناقشه درون قفقازی و منازعه گرجستان با روسیه به دلیل تصرف دو ناحیه اوستیای جنوبی و آبخازیا توسط روسیه در جنگ ۶ روزه ۲۰۰۸ و در نهایت کشمکش های حاصله بین غرب و روسیه در مورد جهت گیری راهبردی تفلیس به سوی اتحادیه اروپا و سازمان نظامی ناتو، مجموعا این منطقه را به بخشی از جدال ژئوپلیتیک غرب و روسیه تبدیل کرده است. الگوی روسیه در اعمال فشار امنیتی برای کنترل روندها و رویکردهای غرب گرای کشورهای منطقه نیز با وجود ایجاد اختلال در روندها و رویکردها، خیلی هم چشم انداز روشنی را به نمایش نگذاشته است. مثالا در گرجستان هر چند که روندهای پرشتابان غرب گرایی که میکائیل ساکاشویلی نزدیک به یک دهه (تا ۲۰۱۲) دنبال می کرد جای خود را به نیروهای معتدل و میانه رو داد که نیم نگاهی به منطق ژئوپلیتیک روسیه داشته و سعی می کنند به منازعه مستقیم با روسیه وارد نشوند و حتی در مورد نوع و نحوه آزادی اراضی اشغالیشان، گزینه نظامی را از دستور کار خود خارج نمایند، اما این بدان معنا نیست که روندهای غرب گرایی در این کشور کم اهمیت شده است. زیرا ریل گذاری های موجود به سمت غرب گرایی است و این ریل گذاری چنان دقیق و نهادمند پیش می رود که هر کسی در این کشور مدیریت حاکمیت را به دست گیرد لاجرم این مسیر را انتخاب خواهد کرد و خارج شدن از آن مسیر دشوار و هزینه بر خواهد شد. کشور دیگر منطقه نیز که در گیر و دار بازی های ژئوپلیتیک منافع راهبردی خود را با تهدیدات می بیند جمهوری آذربایجان می باشد. این جمهوری در سال های اوایل استقلال، در مسیر رهایی از هژمونی روسیه هزینه های راهبردی را متقبل شده است. بحران قره باغ و اشغال شدن یک پنجم خاک این جمهوری، ارتباط مستقیم به رویکردهای سیاست خارجی دولت باکو داشت. وقتی جریان غرب گرا در اوایل استقلال، تاکید بر خروج نیروهای نظامی روسیه از جمهوری آذربایجان و تعطیلی پایگاه و

مراکز نظامی و مرزبانی روسیه در خاک جمهوری آذربایجان را مطرح نمود و چشم انداز روابط خارجی جمهوری آذربایجان را در همکاری با نیروهای غرب طراحی نمودند. روس ها با اقدام پیشدستانه تمام بازی آنها را به هم زده و این کشور را با مسئله امنیت ملی مواجه کردند. این مساله چنان طراحی شده است که به غیر از روس ها هیچ بازیگری قادر به باز کردن گره آن نیست. به همین جهت دولت آذربایجان در دوره حیدر علی اف و الهام علی اف در رویکردهای سیاست خارجی اش، منافع و حساسیت های ژئوپلیتیکی مسکو را لحاظ نموده و به روس ها اطمینان دادند که منافع راهبردی آنها را لحاظ خواهند کرد. با این حال این کشور در راهبرد توسعه انرژی و ترانزیت آن، همکاری با غرب را پیش برده و در ذیل رویکرد موازنه گرایی در سیاست خارجی سطحی از هارمونی و هماهنگی را در سیاست خارجی خود لحاظ نموده اند.

کشور سومی که در قفقاز رفتارهای امنیتی و سیاسی آن در سال های اخیر مورد توجه تحلیل گران قرار گرفته است، ارمنستان می باشد. این کشور که به عنوان کوچکترین کشور قفقاز جنوبی محسوب می شود از بدو استقلال در چارچوب راهبردهای روسیه در قفقاز جنوبی عمل نموده و منافع برد – برد با روسیه را طراحی کرده است. در این رویکرد ضمن اینکه تضمین منافع امنیتی خود را به روسیه سپرد و پایگاه های نظامی روسیه را در کشور خود حفظ و امنیت مرزهای خود را همواره به روسیه واگذار نموده است. در جنگ با جمهوری آذربایجان نیز حمایت سنگین مسکو را به عنوان مانع راهبردی در مقابل جمهوری آذربایجان قرار داده است. این وضعیت تا سالهای اخیر ادامه داشت، اما غافل از این که، روندهای اجتماعی، سیاسی در ارمنستان همیشه موئد این رویکرد روس گرایی حاکمیت و رویکرد امنیتی آن نبوده و توسعه نیافتگی کشورشان را از این منظر تحلیل می نمایند. در چنین وضعیتی، انقلاب مخملی ارمنستان به رهبری پاشینیان در اوایل سال ۲۰۱۸، پرده ابهام از رویکردهای اجتماعی جامعه ارامنه را به سیاست خارجی دولت شان کنار زد و جمعیت کثیری را روانه خیابان ها نمود تا ضمن اعتراض به فساد اداری و جمود اقتصادی کشورشان، ازرویکردهای غرب گرانه نیز حمایت نمایند. هر چند که هنوز منطق راهبردی دستگاه حاکمه و بخصوص سازمان نظامی – امنیتی کشور روابط با روسیه را «امری راهبردی» قلمداد می کنند، اما نیروهای مقابل این ادراک امنیتی، معتقدند که ارمنستان نباید هزینه رقابت های ژئوپلیتیکی روسیه در قفقاز را متقبل و از مزیت های های ژئوپلیتیک منطقه و همچنین از سرمایه گذاری های غرب بی نسیب شود.

البته این روند آغازین و هنوز نتایج آن نامشخص است، اما تصور و تحلیل غالب بر این مبنا است که روند غرب گرای در ارمنستان به راحتی متوقف نخواهد شد و حداقل در سطح یک جریان گفتمان ساز در عرصه سیاسی ارمنستان خود را حفظ خواهد کرد.

با توصیفات ارائه شده از فضای کلی کشورهای قفقاز جنوبی، پرسش راهبردی این است که روند های سیاسی- امنیتی در قفقاز جنوبی به کدام سمت و سو است و چه مولفه های جدیدی می تواند در چشم انداز روندهای موجود مورد توجه کشورهای منطقه و بازیگران منطقه ای و بین المللی قرار گیرد؟ منازعات و مناقشات موجود چه اشکالی به خود خواهد گرفت؟ رویکرد غرب به منطقه و بحران های آن چه تاثیری بر روندهای سیاسی- امنیتی خواهد داشت؟ اصلا غرب و بخصوص آمریکا که در یک سال اخیر دیپلماسی فعال را در منطقه به نمایش گذاشته تا چه حدی می تواند راهبرد پایدار را در تنظیم روابط کشورهای اجرایی نماید؟ پاسخ به این سوال ها منوط به گذر زمان است و اتفاقات چند سال آینده می تواند پاسخ بخشی از سوالات مذکور را بدهد، اما مقاله پیش رو در صدد است، برخی از مولفه های روندهای نوین را به تحلیل بگذارد و وضعیت مورد انتظار از روندهای موجود را نیز ترسیم نماید. اما با توجه به اینکه در بن مایه تحولات امنیتی- سیاسی قفقاز، رقابت و حتی جدال ژئوپلیتیک چند لایه و پیچیده می باشد، به همین جهت قبل از پرداختن به تحولات کشورهای این منطقه، به تبیین «رقابت ژئوپلیتیک» به عنوان چارچوب نظری و مفهومی پرداخته می شود.

۲- چارچوب نظری، هماورد طلبی ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک و شاخصه های تبینی آن امروزه به یکی از کانونی ترین مفاهیم در بررسی تحولات راهبردی جهان تبدیل شده است. بخصوص در تحلیل منازعات و مناقشات جهانی، جایگاه مولفه ژئوپلیتیکی نقش اساسی و محوری داشته و بسیاری از مولفه های دخیل نیز به نوعی مرتبط با آن می باشد. علاوه بر آن استمرار و یا عدم استمرار یک پدیده امنیتی بستگی وسیع به وزن ژئوپلیتیکی آن مساله و یا پدیده دارد. به همین جهت نمی توان این مولفه را در روندهای امنیتی – سیاسی هیچ منطقه و کشوری، بخصوص در مورد تحولات گذشته و پیش روی قفقاز جنوبی به عنوان یک ژئوپلیتیک مهم و دارای کد راهبردی نادیده گرفت (فلاح،۱۳۹۱ :۴۰). از آغاز پیدایش ژئوپلیتیک، قدرت و رقابت جهت تسلط بر سرزمین و

داشته‌های آن مبنای اصلی این دانش قرار گرفته است و پویایی و تحرک ژئوپلیتیک با توجه به این مفهوم خواست های متفاوت و متعارضی را نمایش می دهد. به نظر می رسد خواسته ها و نیازهای انسان سیری ناپذیر است؛ بنابراین، برای تامین قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی به اقدامات رقابتی دست می زند؛ همچنان که فلسفه قانون رقابت، استیلا، برتری و دست یابی به فرصت هاست. رقابت که مقیاس های متفاوتی از محلی، ملی، منطقه ای و جهانی به خود می گیرد، سبب دسترسی حکومت ها و گروه ها به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) می شود. از سوی دیگر، منافع مشترک مادی و معنوی در رقابت ژئوپلیتیک جای خود را به منافع تقابلی می دهد. همانطور که از منافع مشترک، همکاری، پیمان و ژئوپلیتیک صلح حاصل می شود، اما از منافع تقابلی، رقابت، منازعه و جنگ شکل می گیرد (احمدی، حافظ نیا، ۱۳۹۶ :۱۹۹). بر این اساس، ژئوپلیتیک استعماری نیز که دوره نخست تاریخ ژئوپلیتیک با آن آغاز شده است، با اندیشه استعمارگری جهت تصاحب و تسلط بر مناطق جغرافیایی همراه شده است. رقابت جهت دست‌یابی به مناطق و داشته‌های آن تحت تأثیر دو نوع رویکرد قرار گرفته است. بن‌مایه رویکرد نخست بر حقایق جغرافیای طبیعی استوار است و رویکرد دوم مبتنی بر ایدئولوژی‌های برتری‌خواهانه است. همچنان که در دوره جنگ سرد نیز رقابت قدرت‌ها جهت سلطه بر مناطق ماهیت ایدئولوژیک پیدا می‌کند. قدرت‌های رقیب در قالب استراتژی‌هایی همچون سد نفوذ، دومینو، ضد دومینو و غیره، خود را آشکار می‌ساختند؛ سیاست‌هایی که زمینه کمتری از حقایق جغرافیایی در آن نمایان بود. بعد از فروپاشی شوروی عصر جدیدی آغاز شد، در این عصر قدرت‌های منطقه‌ای نیز صاحب موقعیت جدیدی شدند و مناطق و حقایق جغرافیایی اهمیت دو باره‌ای یافت.

پس از پایان جنگ سرد، دیدگاه های مختلف و متفاوتی درباره ماهیت و چگونگی ادامه رقابت در روابط بین الملل مطرح گردید. پاره ای از اندیشه ورزان این حوزه بر این اعتقاد بودند که با پایان گرفتن رقابت های ایدئولوژیک در سطح کلان و سیطره غیرقابل هماورد لیبرالیسم، دیگر مبنایی برای ادامه رقابت مابین کشورها و بلوک های قدرت وجود ندارد و جهان از این زمان به بعد دست کم در سطح کلان، دوره ای از صلح لیبرالی را تجربه خواهد کرد. در نقطه مقابل، گروهی دیگر از متفکران بر این اعتقاد بودند که سرشت ذاتی انسان و فضای جغرافیایی، به عنوان مکان و محل زیست انسان، به گونه ای است که به صورت مبنایی عامل رقابت را میان

گروه های متشکل انسانی و حکومت ها بازتولید خواهد نمود و در فرایندهای تاریخی تنها ممکن است، که شکل واره های رقابت در زمانهای مختلف دچار تغییر گردد (احمدی پور، لشگری،۱۳۹۳). یافته های پژوهش بیانگر آن است، که به طور کلی کالبد جغرافیای سیاسی منطقه قفقاز حایز شرایطی است که به عنوان یک عامل زیرساختی، عامل رقابت را در زمان های مختلف ما بین کشورها و بلوکهای قدرت بازتولید خواهد نمود؛ بر این مبنا در این مقاله کوشش شده است با رویکردی توصیفی- تحلیلی، روندهای امنیتی— سیاسی در منطقه قفقاز جنوبی در ارتباط با رقابت های ژئوپلیتیک بین بازیگران مختلف بررسی شود.

۳- داده های تحقیق

در بررسی روندهای سیاسی و امنیتی قفقاز جنوبی، ابتدا تحولات داخلی و سیاست خارجی هر سه کشور را به صورت جداگانه بررسی و در نهایت روابط عینی و ذهنی این روندها در سپهر کلی سیاست و امنیت قفقاز مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۳-۱- ارمنستان؛ روندهای سیاسی و امنیتی

صحنه سیاست و امنیت ارمنستان در سال های اخیر با دگردیسی های معنا داری مواجه بوده است که قابلیت تبدیل به دگرگونی و تغییر در ماهیت رویکردهای سیاسی و امنیتی این کشور را دارد. در عرصه داخلی ارمنستان، بروز انقلاب رنگی و تغییر حاکمیت روس گرا و همچنین نمایش اراده سیاسی اکثریت مردم ارمنی برای رهایی از الیگارشی ناکارآمد، صفحه نوینی از سیاست و سیاست ورزی را در ارمنستان می تواند خلق نماید. در این بین دولت برآمده از تحولات اخیر سیاسی به رهبری نیکول پاشینیان با بهره مندی از پتانسیل مردمی و بسیج اجتماعی حاضر در کف خیابان ها، سطحی از اراده خود را در محدود سازی الیگارشی و حاکمان قبلی به نمایش گذاشته است. دستگیری و محاکمه کوچاریان[۱] و تعدادی از مقامات و حتی نظامیان که از پشتیبانی مستقیم روسیه برخوردار بودند ناشی از اثرات و خروجی تحولات سیاسی این کشور محسوب می شد. هر چند که دولت پاشینیان با وجود پیروزی در صحنه

[۱] - رئیس جمهور سابق

مبارزاتی، در هدایت جنبش در کف خیابان ها و سپس در انتقال قدرت از طریق قانونی و انتخاباتی موفقیت های مهمی را کسب نمود، اما نیم نگاهی به حساسیت های روسیه داشته و در هر فرصتی تلاش می نمود که این تضمین را به مقامات روسیه بدهد که از خط قرمز آنها عبور نخواهد کرد. با این حال رهیافت سیاسی و راهبردی خود را در پیوستن و یا همسویی با محور غرب ترسیم کرده است (https://axar.az). رفتارهای غرب نسبت به حاکمیت پاشینیان و تحلیل شکلی و ماهوی دولت وی نشانگر این است که روندهای سیاسی در ارمنستان متمایل به غرب بوده، اما در حوزه امنیتی به دلیل ماهیت بحران قره باغ، همسویی با مسکو را تحمیل می نماید و مسیر غیر از روسیه را، پرخطر و چالش ساز می داند. هر چند که آمریکایی ها از کانال های مختلف تامین تسلیحات ارمنستان و حتی کمک به حل مناقشه قره باغ را به دولت ایروان وعده می دهند و حتی در اواخر سال ۲۰۱۸ از طریق بلغارستان نزدیک به ۲۰ مورد ترابری هوایی تسلیحات به ارمنی ها ارسال کردند (www.dosye.orge).

با این حال ارمنی ها در حوزه نظامی– امنیتی تغییر مسیر به طرف غرب را خطای راهبردی قلمداد می کنند. اما در حوزه سیاسی، فضای متفاوت حاکم می باشد که در ادامه ضمن بیان چندین اقدام اساسی آمریکا در ارمنستان، به ترکیب نیروهای غرب گرا در روندهای سیاسی ایروان اشاره خواهد شد.

فضای ارمنستان با وجود پیچیدگی فراوان، در حوزه کارشناسی کشورمان کالبد شکافی علمی و تحلیلی قرار نگرفته و تصور کلی بر این است که این کشور یکی از متحدان و یا شرکای راهبردی روسیه می باشد و غرب چندان در آن حضور ندارد. حال آن که، اگر روسیه در حوزه نظامی- امنیتی و نهایت حاکمیتی ارمنستان نفوذ و حضور دارد، آمریکا و اروپا در لایه های اجتماعی– فکری و اندیشه ای این کشور سرمایه گذاری نموده اند[1]. برای نمونه به دو اقدام آمریکا در بستر سازی فکری و کادر سازی جامعه ارمنستان اشاره می گردد؛ یکی از این موارد مهم فعالیت یک دانشگاه آمریکایی در ارمنستان از سال های استقلال این کشور می باشد.این دانشگاه با نام « دانشگاه آمریکایی- ارمنی ایروان[2]» وابسته به دانشگاه کالیفرنیای آمریکا است که سیستم آموزشی گسترده ای در جمهوری ارمنستان ارائه می نماید. دانشگاه آمریکایی-

[1] - البته بحث مربوط به لابی های ارمنی در آمریکا و فرانسه بحث دیگری است.

[2] - American-Armenian University of Yerevan

ارمنی ایروان بطور رسمی در ۲۱ [۱] سپتامبر ۱۹۹۱ فعالیت خود را با ۱۰۱دانشجو آغاز نموده است[۲]۱۰۱. در سال ۱۹۹۳، اولین فارغ التحصیلان این دانشگاه که ۳۸ نفر بودند در رشته مدیریت و تجارت، مهندسی صنعتی و مهندسی زلزله شناسی فارغ التحصیل شدند. تا سال ۲۰۱۵، این دانشگاه اولین موسسه آمریکایی در کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق بود که تحصیلات در مقطع کارشناسی و ارشد ارائه می نمود. این دانشگاه تا کنون صدها فارغ التحصیل داشته و در جامعه علمی ارمنستان فازغ التحصیلان آن موقعیت مناسبی دارد. البته طبق بسیاری از تحلیل های فنی، این دانشگاه تحت هدایت سازمان اطلاعاتی آمریکا [سیا] ایجاد شده و مسلما اهداف اطلاعاتی و کادر سازی برای جریان های غرب گرا از اهداف مهم آن می باشد.

موضوع دیگری که در روابط آمریکا با ارمنستان قابل توجه می باشد سفارت آمریکا در ارمنستان می باشد که یکی از بزرگترین سفارت های آمریکا در جهان محسوب می شود. در این سفارت خانه حدود ۲۰۰۰نفر مشغول به کار می باشد که هیچ تناسبی با جایگاه جمعیتی و جغرافیایی ارمنستان ندارد[۳]. بنا به برخی منابع رسانه ای در بین این نیروها تعداد قابل توجهی از پرسنل ها از تفنگداران دریایی با رسته اطلاعات حضور دارند (www.moderator.az). البته در برخی گزارش ها نیز آمریکایی های فعال در ارمنستان را حدود ۳ هزار نفر اعلام می کنند که بیشتر در قالب سازمان های غیر دولتی فعالند و در ظاهر ارتباط سازمانی با سفارت ندارند، مجموعه اینها و موارد دیگر نشان گر این است که واشنگتن برای نهادینه سازی نفوذ خود در این کشور برنامه های دقیقی داشته و دارد و مسلما تحولات سیاسی اخیر بی ارتباط با کانون های فکری، مالی و اطلاعاتی غرب و بخصوص آمریکا نیست. اقدام دیپلماتیک که دولت آمریکا در انتخابات ارمنستان داشته و در سطح رئیس جمهوری به پاشینیان تبریک گفته، موید توجه واشنگتن به این روندها می باشد. در این میان توجه به دو اقدام صورت گرفته در فضای فعلی ارمنستان در ارتباط با تقویت جریان غربگرا لازم به نظر می رسد:

[۱] - روزی که ارمنستان همه پرسی استقلال را برگزار نمود.

[۲] - دو موسسه بطور قابل توجهی در روند تاسیس دانشگاه آمریکایی ارمنی نقش داشتند: اتحادیه خیریه عمومی ارمنستان(AGBU) و دانشگاه کالیفرنیا(CU). علاوه بر این ها، دولت ارمنستان و خصوصا وزارت علوم و آموزش ارمنستان حمایت های مالی و لجستیکی از تاسیس این دانشگاه داشتند.

[۳] - با ۳ میلیون نفر جمعیت و ۲۹ هزار کیلو متر مربع وسعت.

• بعد از تحولات سیاسی اخیر در ارمنستان، پست های مهمی به غرب گراهـا محـول شـده است. از جمله؛ معاون نخست وزیـر، وزرای خارجـه، دفـاع، دادگسـتری، فرهنـگ، کشـاورزی و توسعه اقتصادی از نیروهای غربگرا به شمار می آیند. همچنین نیکول پاشـینیان، «دارون عجـم اوغلو»، کارشناس اقتصادی مشهور آمریکایی را برای ساماندهی اقتصاد به ارمنستان دعوت کرده بود. آرارات میرزویان، معاون نخست وزیر ارمنستان ارتباط نزدیکی با سازمان غیردولتی «بنیـاد حمایت از دموکراسی» آمریکا دارد. داوید تونویان، وزیر دفاع ارمنستان به مدت طـولانی ریـیس نمایندگی ارمنستان در مقر ناتو بوده است. زوگراب مناساکیان، وزیر خارجه ارمنسـتان، ریـیس پیشین نمایندگی ارمنستان در سازمان ملل بوده و فارغ التحصـیل دانشـکده سیاسـی دانشـگاه منچستر آمریکاست. آرتاک زینالیان، وزیر دادگستری ارمنسـتان نیـز بـه دعـوت وزارت خارجـه آمریکا برای نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به این کشور سـفر کـرده اسـت. آرتـور خاچاتریان، وزیر کشاورزی ارمنستان، فارغ التحصیل موسسه آموزشی آمریکا در ارمنستان است. لیلیت ماکونتس، وزیر فرهنگ ارمنستان نیز در آمریکا تحصیل کرده است. آرتسویک میناسیان، وزیر توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری نیز استاد اقتصاد موسسه فناوری ماساچوست است.

• توجه رسانه ای و دیپلماتیک آمریکا به قفقاز جنوبی با محوریت تحـولات ارمنسـتان مـی باشد، مقامات و هیئت‌های مختلف آمریکایی در سال ۲۰۱۸ سفرهای متعددی به قفقاز جنـوبی داشته اند و ملاقاتهای مقامات دو طرف رو به افزایش بوده است. شایان ذکر است که طی ۶ ماه دوم سال۲۰۱۸، بیش از ۱۰هیئت آمریکایی با مقامات کشورهای قفقاز جنوبی از جمله ارمنی ها مذاکره داشته‌اند. مذاکرات اکثرا پیرامون مسائل خطوط انرژی و حل و فصل مناقشه قره‌باغ بوده است و پروژه «کریدور جنوبی گاز» به وضوح در تمرکز توجهـات واشـنگتن قـرار گرفتـه اسـت. علاوه بر سفرها و ملاقات‌های مختلفی که مقامات آمریکایی در منطقه داشته‌اند؛ سلسله مقالات و اظهاراتی که از سوی کارشناسان آمریکایی ارائه می‌شود بر ضرورت حل و فصل مناقشه قره‌باغ و شرکت دادن ارمنستان در خطوط انتقال انرژی برای کاهش نفوذ روسیه تاکیـد دارد (مقـدمی آلکامی،۱۳۹۷).

استراتفور اندیشکده مطالعاتی آمریکا که اکثر کارشناسان آن از سـازمان جاسوسـی آمریکـا (CIS) هستند؛ معتقد است که یکی از اهداف کلیدی آمریکا در سال ۲۰۱۹ باید محدود کردن روسیه در فضای ژئوپلیتیکی در زمینه‌های نظامی، سیاسی، اقتصـادی و انـرژی باشـد و آمریکـا

بایستی ضمن استفاده از قلمرو جمهوری های شوروی سابق موسوم بـه خـارج نزدیـک روسـیه، گزینه های فروش اسلحه و مانور نظامی را در نظر بگیرد. این امـر فشـار بـر روسـیه را در قفقـاز جنوبی افزایش می دهد. در عین حال، واشنگتن قصد دارد همکاری با کشورهای قفقاز جنـوبی را در حوزه‌های امنیتی و نظامی تقویت کند و مشوق‌های اقتصـادی را نیـز بـرای ایـن کشـورها فراهم آورد. تحلیلگران استراتفور بـر ایـن باورنـد کـه آمریکـا تصـمیم دارد تـاثیر بیشـتری بـر ارمنستان داشته باشد. واشنگتن بر تقویت روابط با دولت ارمنستان تمرکز خواهـد کـرد. بـدین منظور، آمریکا تاکتیکهای ضربه زدن به روابط سرد ارمنستان و روسـیه را ادامـه خواهـد داد. در اواسط ماه نوامبر، پیش بینی استراتفور برای سال ۲۰۱۹ منتشر شد کـه بـر اسـاس آن، آمریکـا امیدوار به تنش بین رهبری روسیه و مقامات جدید ارمنستان در ارتبـاط بـا فراخوانـدن یـوری خاچاتوروف از پست دبیر کلی سازمان پیمان امنیت جمعی برای ایجاد شکاف بین ارمنستان ــ روسیه است (مقدمی آلکامی،۱۳۹۷). استفان بلانک کارشناس ارشد شـورای سیاسـت خـارجی آمریکا نیز در مقاله ای با عنوان «نگاه بزرگ به انرژی خزر»، امضاء کنوانسیون وضـعیت حقـوقی دریای خزر در اوت ۲۰۱۸ را فرصتی جدید برای خروج نفت و گاز آسـیای میانـه بـه بازارهـای اروپایی و جهانی دانسته است. نامبرده بر این باور است که وابسـتگی ارمنسـتان بـه روسـیه در تامین انرژی، مهم ترین عامل نفوذ روسیه در اقتصاد و سیاست ارمنسـتان اسـت و بـا توجـه بـه تحریم اعمال شده از سوی ترکیه علیه ارمنستان و قرار داشتن جمهـوری آذربایجـان در موضـع جنگی در برابر ارمنستان، ارمنستان هیچ گزینه ای جز اتکاء به روسیه ندارد. غرب بایـد از نفـوذ برتر اقتصادی و دیپلماتیک خود برای پیشبرد ساخت «کریدور گـاز جنـوبی» از دریـای خـزر از طریق جمهوری آذربایجان استفاده کند و از آن به عنوان اهرمی در حل و فصل مناقشه قره بـاغ استفاده کند. ساخت خط لوله از طریق ارمنستان نه تنها به صلح منطقـه و توسـعه اقتصـادی و سیاسی ارمنستان کمک می کند؛ بلکه توانایی های روسیه را محدود مـی کنـد. ایـروان از بخـش انرژی و از درآمدهای حاصله از چنین خط لوله ای، به سوی جمهـوری آذربایجـان و ترکیـه و از طریق آن به مصرف کنندگان اروپایی سوق داده خواهد شد. بایـد از ایـن فرصـت بـرای نزدیـک شدن به ایجاد بازارهای باز و تعاملات اقتصادی و سیاسی شفاف در منطقه استفاده کرد. آمریکـا و اتحادیه اروپا بایستی با همکاری مشترک، تضمین هایی برای ساخت «کریدور گـاز جنـوبی» و

خط لوله از طریق ارمنستان و همچنین زیرساخت‌های مرتبط با آن را ارائه دهند. چنین سیاستی ضربه مستقیمی به درآمدهای انرژی مسکو وارد می‌کند (مقدمی آلکامی،۱۳۹۷).

در کنار تحلیل کارشناسان در خصوص توجه ویژه آمریکا در چند ماه اخیر شاهد مواضع مقامات آمریکایی در تایید این تحلیل ها هستیم. برای نمونه میچل دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور اروپا و اوراسیا در نشست سالانه شورای وزرای امور خارجه سازمان امنیت و همکاری اروپا اعلام نمود: ادامه کار حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات قره‌باغ ضروری است. همچنین جان جفرن سفیر آمریکا در ارمنستان در سال ۲۰۱۲ در مصاحبه با روزنامه ترکیه ای «زمان» در اظهاراتی عنوان کرده بود که آمریکا روابط اقتصادی ارمنستان و ترکیه را تحرک خواهد بخشید. اگر راه‌آهن «قارص (ترکیه)ــ گیومری (ارمنستان)» مجددا راه‌اندازی شود؛ جهش بزرگی در تجارت و گردشگری به وجود خواهد آمد.

به هر حال می توان گفت آمریکا برای نفوذ در روندهای سیاسی – امنیتی ارمنستان، برنامه های جدی و قابل تحقق دارد (https:// 525.az). و تلاش می کند ضمن اهداء بسته های اقتصادی و حتی امکانات تسلیحاتی، نفوذ روسیه را به حداقل برساند و ارمنستان را مجبور نماید تا پایگاه نظامی روسیه را در این کشور تعطیل نماید (https://virtualaz.org). با این حال منطق راهبردی ارمنستان و معماری امنیتی روس ها چنان سدی در برابر غرب گراها بوجود می آورد که به راحتی نمی توان پیش بینی کرد که ارمنستان مسیر غرب را به قصد رهایی از هژمونی مسکو انتخاب کند بلکه تلاش خواهد کرد که موازنه ایی ین روسیه با غرب ایجاد نماید.

۳-۲- جمهوری آذربایجان ؛ روندهای سیاسی و امنیتی

روندهای سیاسی و امنیتی جمهوری آذربایجان در روابط خارجی تقریبا متفاوت از ارمنستان پیش می رود. جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۴ یعنی بعد از روی کار آمدن حیدر علی اف با رویکرد موازنه سازی در سیاست خارجی، سعی کرد روابط خود را با روسیه، غرب، ترکیه و ایران تنظیم نماید. هر چند جایگاه ترکیه تا حدودی متفاوت بوده و به عنوان شریک راهبردی جمهوری آذربایجان تعریف شده است، اما این کشور در مورد روسیه ملاحظات امنیتی داشته و حساسیت های امنیتی این کشور در قفقاز را لحاظ می نماید. در حوزه اقتصادی نیز

ادغام با غرب و به خصوص با جلب و جذب سرمایه های اروپایی با نقش آفرینی شرکت بریتیش پترولیوم انگلیس، اقدامات راهبردی در کشف و ترانزیت نفت حوزه خزر به بازارهای جهانی نموده است. شرکت مذکور همراه با شرکای خود بیش از ۷۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری در آذربایجان داشته و در کنار چند ده میلیارد دلار سرمایه گذاری سایر شرکت های بین المللی رویکرد اقتصادی دولت باکو شکل گرفته است (http://www.irna.ir). با این حال پرسش راهبردی جمهوری آذربایجان آزادی۲۰درصد از اراضی خود از اشغال کشور ارمنستان می باشد منازعه ای که با رویکردها و راهبردهای قفقازی روسیه پیوند پیچیده ای خورده و مسکو تلاش می نماید تا کسب حداکثری منافع پیرامون بحران قره باغ، بر انجماد این منازعه و مناقشه ادامه دهد (http://strateq.az). حتی در طرح های مربوط به صلح قره باغ بر خلاف آمریکا روسیه در مرحله نخست از ۵ استان صحبت می کند و تداوم سطحی از این مناقشه را بر حل آن ترجیح می دهد (https://axar.az). البته این به آن معنا نیست که آمریکا از آذربایجان جانبداری می کند چون واشنگتن هنوز ماده۹۰۷علیه فروش تسلیحات بر آذربایجان را حفظ کرده و مقامات جمهوری خود خوانده قره باغ را به واشنگتن دعوت می نماید و به مانند روسیه و فرانسه هیچ موقع کشور ارمنستان را به عنوان یک کشور اشغالگر نمی شناسد و در فضای کلی سیاست بین المللی توجه به ارمنستان را به عنوان یک کشور مسیحی و نماینده مسیحیان در شرق قلمداد می کند. حتی شبکه تلویزیونی جمهوری خود خوانده قره باغ از یک ماهواره آمریکایی برنامه های خود را پخش می‌کند (https://virtualaz.org). به عبارتی جمهوری آذربایجان هیچ چشم اندازی ایجابی را از گروه مینسک که شامل سه کشور؛ آمریکا، فرانسه و روسیه می باشد در حل مسله قره باغ نمی بینند. چون هر سه کشور مذکور ضمن اینکه دارای قوی‌ترین لابی ارامنه در ساختار سیاسی‌شان هستند در نگاه به جایگاه ارامنه نیز کاملا ملاحظات دینی را دارند. با این حال جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند، ضمن بهره‌مندی از سیاست متوازن بین بازیگران، در فضای امنیتی رویکرد نزدیکی به روسیه را تقویت نماید. اهداف دولت باکو از این سیاست این است که فقط روسیه قادر است که گشایشی در آزاد سازی بخشی از اراضی اشغالیش به وجود آورد و یا در صورت آغاز درگیری جدی بین جمهوری آذربایجان با ارمنستان، اعلام مواضع بی طرفی مسکو می تواند برای آذری‌ها فرصت محسوب شود. چون موانع نظامی جدی برای آذری ها نه دولت ارمنستان، بلکه ترس از واکنش روسیه می باشد. البته باکو به

تناسب دوری ارمنستان از روسیه، سیاست نزدیکی با روسیه را در پیش گرفته است. تا کنون شواهد نشان می دهدکه مسکو نیزتلاش می کند این روندهمگرایی جمهوری آذربایجان بامسکو متوقف نشود. چون آذربایجان می تواند ظرفیت های مهم را برای بازیگران قفقاز جنوبی ایجاد کند.

به نظر می رسد طرح موضوع عضویت مجدد جمهوری آذربایجان در سازمان پیمان امنیت دسته جمعی بیش از آن که در عمل جنبه واقعیت داشته باشد، بخشی از کوشش فراگیر این کشور در تغییر موازنه استراتژیک در منطقه قفقاز جنوبی و حاوی پیام هایی به روسیه، ناتو و ارمنستان است. در این راستا، خروج از وضعیت تنهایی یا تنگنای استراتژیکی جمهوری آذربایجان (عدم عضویت در ساختارهای منطقه ای غربی و روسی)، تاثیر دوگانه امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر بر محیط امنیتی جمهوری آذربایجان (ممنوعیت حضور نیروهای فرامنطقه ای در ترتیبات امنیتی خزر و فراهم شدن زمینه اجرای طرح ترانس خزر)، تسریع روند حل وفصل مناقشه قره باغ در چارچوب یک مکانیسم روسی[1] و اعمال فشار بر گروه مینسک و نیز اهرم فشار مشترک جمهوری آذربایجان و روسیه علیه ارمنستان[2] (با توجه به رویکردهای نیکول پاشینیان در نزدیکی به غرب و بازداشت خاچاطوروف، دبیر کل فعلی سازمان پیمان امنیت جمعی) از جمله دلایل و انگیزه هایی است که طرفین برای همگرایی انتخاب کرده اند (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۷).

البته این به معنی رویگردانی جمهوری آذربایجان از غرب نخواهد بود. آذری ها تلاش می کنند روس ها را قانع کنند که هیچ موقع به مانند گرجستان و یا اوکراین رویکردی ضد روسی را اتخاذ نخواهند کرد و ملاحظات امنیتی و نفوذ ژئوپلیتیکی روسیه را رعایت خواهد نمود. این رویکرد هر چند که روسیه را تا حدودی قانع می نماید، اما هنوز راضی نمی کند؛ زیرا مسکو نمی تواند شاهد مدل موازنه در سیاست خارجی کشورهای قفقاز باشد، همچنان که در مدل ترتیبات امنیتی خود برای قفقاز جنوبی مدل ۳+۱ را مد نظر قرار داده است[3].

---

[1] - تحرکات نظامی اخیر جمهوری آذربایجان در نخجوان و برگزاری کنفرانسی با عنوان محور ژئوپولیتیک باکو – مسکو: آذربایجان تنها متحد روسیه در قفقاز جنوبی در منطقه "له له تپه" در روستای "جوجوق مرجانلی" شهر جبرائیل با حضور نخبگان و چهره های سیاسی روسی، در این راستا ارزیابی می شود.

[2] - با توجه به رویکردهای نیکول پاشینیان در نزدیکی به غرب و بازداشت خاچاطوروف، دبیر کل فعلی سازمان پیمان امنیت جمعی.

[3] - یعنی روسیه و سه کشور قفقاز.

۳-۳- گرجستان در گیرو دار نبرد ژئوپلیتیکی غرب و روسیه

کشور گرجستان با مساحت ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع و با جمعیت ۳۷۱۴۰۰۰ از آن روی در کانون توجه بازیگران بین المللی از جمله غرب و روسیه قرار گرفته است که ژئوپلتیک آن به عنوان گلوگاه ورود به قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی محسوب می شود. به همین جهت روسیه از بدو استقلال تلاش نمود، روندهای غرب گرایی در این کشور را با چالش های جدی و راهبردی مواجهه نماید. در این راستا حمایت روسیه از روندهای تجزیه طلبی در دو منطقه مهم گرجستان؛ یعنی آبخازیا و اوستیای جنوبی و در نهایت جنگ ۶ روزه روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ برای الحاق ارضی دو منطقه مذکور صورت گرفت. مسکو ضمن اینکه رسما دو استان گرجستان را از کنترل حاکمیتی تفلیس خارج نمود بلکه با شناسایی استقلال آنها، رسما بن بست جدی در رویکردهای امنیتی گرجستان ایجاد کرد که دیگر حاکمان گرجستان، جرائت حمله به این مناطق را نداشته باشد. البته غرب در بحبوحه جنگ ۲۰۰۸ تلاش هایی را برای متوقف نمودن حملات روسیه انجام داد. اما بر خلاف انتظارات گرجی ها، حمایت های لازم برای آزاد سازی اراضی اشغالی گرجستان صورت نگرفت. با این اوصاف روندهای موجود در عرصه سیاسی – امنیتی گرجستان در سال های اخیر را می توان در چند گزاره بیان نمود:

۳-۳-۱- کنترل روندهای تنشی با مسکو و ایجاد بسترهای همکاری

در عرصه سیاست خارجی، حزب رویای گرجی به موازات توسعه مناسبات گرجستان با پیمان ناتو و اتحادیه اروپا در زمینه روابط با فدراسیون روسیه تعدیل هایی را به عمل آورد تا از شدت تقابل دوران ساکاشویلی کم کند. در این راستا، در حوزه مذاکرات سیاسی، مکانیسمی تحت عنوان مکانیسم مشورتی کاراسین- آپاشیدزده در دوره نخست وزیری بیدزینا ایوانیشویلی شکل گرفته که در چهارچوب آن دو کشور مذاکرات منظم و دوره ای را در پراگ جمهوری چک برگزار می کنند و به همین دلیل این مکانیسم به مذاکرات پراگ نیز مشهور شده است. به جز دو موضوع آبخازیا و اوستیای جنوبی، موارد دیگر مانند همکاری های اقتصادی و بازرگانی، صادرات و واردات، همکاری های مرزی و حضور دانشجویان گرجی در روسیه و غیره، در

مکانیسم مشورتی کاراسین- آپاشیدزده[1] مورد بحث قرار می گیرد و با وجود قطع مناسبات سیاسی گرجستان و روسیه، این مکانیسم تا به امروز ادامه داشته و تنها کانال مهم ارتباطی دو کشور به شمار می رود. رهبران گرجستان به خوبی آگاهند که وقوع هرگونه جنگ و درگیری با روسیه در مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی به اقتصاد در حال رشد و توسعه این کشور، حضور سرمایه گذاران خارجی و بخش خدمات و گردشگری لطمه جدی وارد خواهد ساخت و دورنمای عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و پیمان ناتو را بیش از پیش سخت تر خواهد ساخت (کوزه گر، کالجی،۱۳۹۷).

۳-۳-۲- عضویت در ناتو

عضویت در ناتو یکی از محوری ترین اهداف راهبردی گرجستان در روابط با غرب بوده است. این کشور سال هاست تلاش می کند میزبان رزمایش های ناتو باشد. در سال ۲۰۱۸، تمرینات نظامی چند ملیتی ناتو تحت عنوان «مشارکت ارزشمند- ۲۰۱۸» برای مدت ۱۵روز در این کشور با بیش از سه هزار نیروی نظامی از ۱۳ کشور از جمله گرجستان، آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، لیتوانی، لهستان، نروژ، ترکیه، اوکراین، جمهوری آذربایجان و ارمنستان برگزار گردید. بر اساس گزارش وزارت دفاع گرجستان، هدف از این مانورها بهبود مهارت‌های مقاومتی، دفاعی و تهاجمی، افزایش آمادگی و سازگاری نیروهای نظامی گرجستان با شرکای خارجی می باشد. علاوه بر آن، این تمرینات در جهت افزایش تامین امنیت و ثبات در منطقه دریای سیاه اعلام گردید. این چهارمین بار است که مانورهای «مشارکت ارزشمند» در خاک گرجستان انجام می شود. این روند هر چند به زودی منجر به عضویت گرجستان در ناتو نخواهد شد اما زمینه عضویت در میان مدت را فراهم می نماید (www.tasnimnews.com).

۳-۳-۳- پیوستن به اتحادیه اروپا

در سال ۲۰۲۰ رای گیری درباره پیوستن گرجستان به اتحادیه اروپا برگزار خواهد شد و در صورتی که شورای اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا به پیوستن گرجستان به اتحادیه اروپا رای مثبت

[1] - کاراسین، معاون وزیر خارجه روسیه و آپاشیدزه، نماینده ویژه نخست وزیر گرجستان در امور روسیه.

بدهند، گرجستان به عنوان عضو جدید اتحادیه اروپا شناخته خواهد شد. در حال حاضر اتحادیه اروپا در تلاش است تا با استفاده از مواردی مانند رونق صنعت توریسم گرجستان و افزایش درآمدهای صادراتی این کشور، وضعیت اقتصادی گرجستان را بهبود ببخشد و سپس اقدام به عضویت گیری گرجستان به اتحادیه اروپا بکند. مهم‌ترین دلیل در تاخیر زمان پیوستن گرجستان به اتحادیه اروپا را مخالفت روسیه با این اتفاق می‌توان قلمداد کرد و اتحادیه اروپا ملاحظه روسیه را می‌کند و به احتمال زیاد گرجستان در صف عضویت اروپا، آخرین کشور غرب بالکان خواهد بود.

۳-۳-۴- تبدیل شدن به شریک راهبردی آمریکا در قفقاز جنوبی

روندهای راهبردی در گرجستان بر مبنای تعمیق روابط با آمریکا و ارتقای آن به شراکت راهبردی می باشد. در این رویکرد بسترهای مهم توسط طرفین ایجاد شده است و طبق گزارشات میدانی، نفوذ آمریکا بر حوزه های نظامی- امنیتی و حتی سیاسی گرجستان به طور چشم گیر گسترش یافته است.

۳-۳-۵- تثبیت جایگاه خود ژئوپلیتیک انرژی اوراسیا و جغرافیایی ترانزیتی منطقه

از منازعه جمهوری آذربایجان و ارمنستان فرصت راهبردی برای تفلیس بوجود آمد تا این کشور بتواند در ترانزیت انرژی و کالا تبدیل به کشور مهم و تعیین کننده در اوراسیای مرکزی شود. امروزه خط لوله نفت؛ باکو، تفلیس و جیحان، خط لوله گاز باکو، تفلیس و قارص، خط آهن تفلیس- ارزروم با چشم انداز اتصال لندن به پکن، و همچنین پروژه های انرژی تاپ و تاناپ، ترانزیت دریای خزر- دریای سیاه، محور جدید همگرایی عشق آباد و بخارست، و راه ترانزیتی «لاجورد[1]» فضای ژئوپلیتیکی راهبردی برای گرجستان ایجاد کرده است و می تواند بخشی از حساسیت های امنیتی این کشور را در پیوست منافع بازیگران غربی و شرقی قرار دهد. تثبیت این جایگاه برای گرجستان امری راهبردی است که دولت تفلیس برای این امر تلاش های زیادی را انجام می دهند.

[1] - راه لاجورد از افغانستان آغاز می‌شود، به بندر ترکمن باشی در کشور ترکمنستان می‌رسد و سپس از مسیر شهر باکو در آذربایجان به منطقه تفلیس گرجستان وصل می‌شود و از تفلیس به طرف قارص درترکیه می‌رود. از آنجا تا اروپا ادامه دارد.

۳-۳-۶- تبدیل به الگوی سیاسی منطقه از منظر شفافیت سازی و دموکراسی

روندهای سیاسی حاکم بر گرجستان نشانگر ماهیت و مبانی رفتاری گرجستان در قالب های هم پذیری و مشارکت مسالمت آمیز می باشد. وقوع تحولات سیاسی در این کشور و سپس ایجاد مکانیزم های حاکمیتی قوی برای مبارزه با ناکارآمدی سیستمی و مبارزه با فساد اداری امروزه از این کشور به عنوان الگویی برای کشورهای مشترک المنافع مطرح نموده است. این در حالی است که کمتر از ۱۵ سال پیش، این کشور به واسطه فساد گسترده سیستماتیک، لقب فاسدترین کشور اوراسیا را یدک می‌کشید (georgiatoday.ge).

۴- نتیجه گیری

در ماهیت شناسی روندهای سیاسی- امنیتی قفقاز جنوبی از منظر سازه های درون منطقه ای و بیرون منطقه ای چند گزاره را به عنوان محور دگردیسی و دگرگونی می توانیم نام ببریم که در ذیل به آنها اشاره می گردد:

۱- افزایش تمایلات آمریکا برای محدود نمودن روسیه در قفقاز؛ در یک سال اخیر به خصوص بعد از تحولات سیاسی در ارمنستان، تمایل آمریکا برای نقش آفرینی در ترتیبات امنیتی قفقاز با رویکرد به حاشیه راندن روسیه افزایش یافته است. این در حالی بود که آمریکا قبلا چندان رغبتی برای ورود به حل مناقشه قره باغ از خود نشان نمی داد و آن را به روسیه واگذار کرده بود، اما اکنون تحرکات آن قابل توجه می باشد. آمریکا درصدد است با حل این بحران، ارمنستان را از سیطره روسیه رها سازد و با عادی سازی روابط ترکیه با ارمنستان، ایروان را از بلوکه شدن رها و مسیر غربگرایی در آن کشور را هموار سازد.

۲- گسترش توجه بازیگران اروپایی به قفقاز؛ در سال های اخیر توجه کشورهایی از جمله آلمان، ایتالیا، فرانسه، بریتانیا به ترتیبات امنیتی و روندهای سیاسی کشورهای قفقاز جنوبی افزایش یافته است. با توجه به اینکه توسعه نفوذ این بازیگران در قفقاز جنوبی حساسیت شدید روسیه را بر نمی انگیزاند به همین دلیل، آنها به آرامی بستر روندهای غربگرایی را توسعه خواهند داد.

۳- تمایل مسکو به مدیریت روندهای منازعه قره باغ؛ هنوز در ادراک راهبردی روسیه، وضعیت حفظ وضع موجود (نه جنگ و نه صلح) در مناقشه قره باغ، منافع راهبردی مسکو در قفقاز جنوبی را تامین می نماید. اما با توجه به فعل انفعالات جدی پیرامون این بحران توسط جمهوری آذربایجان و برخی کشورهای اروپایی و آمریکا، مسکو را بر آن داشته که شرایط لازم را برای برگرداندن چند استان اشغال شده جمهوری آذربایجان را فراهم سازد و در عوض، بستر لازم برای حضور نظامی خود در نواحی مرزی قره باغ و همچنین تحمیل عضویت پیمان امنیت دسته جمعی و همچنین اتحادیه گمرکی اوراسیا به جمهوری آذرایجان را فراهم نماید.

۴- مدیریت دو گانه ارمنستان در رویکرد سیاسی– امنیتی؛ دولت غرب گرای پاشینیان در ارمنستان با درک جایگاه روسیه در مساله امنیتی کشورش، تلاش خواهد کرد همواره حمایت مسکو را از راهبردهای امنیتی – نظامی ایروان حفظ نماید و همواره به عنوان گارانترموقعیت نظامی ارامنه در برابر آذری ها باشد، اما در حوزه سیاسی و اقتصادی تلاش خواهد کرد روابط با غرب را با اختیارات بیشتر پی بگیرد. فعلا روسیه انعطافی به این رویکرد ارمنستان نداشته است، اما با توجه به پایگاه اجتماعی دولت پاشینیان، اقدامی جدی برای متوقف نمودن روندهای سیاسی ارمنستان نیز به اجرا نخواهد گذاشت. با این حال دولت ارمنستان همواره تلاش می کند این دوگانه سیاسی- امنیت را در فضای راهبردی و سیاست خارجی ایروان نهادینه سازد.

۵- خروج گرجستان از مدار ژئوپلیتیکی «خارج نزدیک» روسیه؛ هر چند دولت تفلیس با درک جایگاه روسیه در ژئوپلیتیک قدرت اوراسیا و به خصوص در جغرافیای کشورهای جدا شده از شوروی، انعطاف رفتاری خود را افزایش داده است و تلاش می نماید از تعارض های عینی و فوری بپرهیزد، اما مسیر خود را به سوی غرب ریل گذاری راهبردی نموده و بعد از یک دهه، دیگر برای روسیه سخت خواهد بود که این کشور را در مدار ژئوپلیتیکی «خارج نزدیک» خود تعریف و تحلیل نماید.

۶- جمهوری آذربایجان تمرکز بر موازنه گرای متمایل به قدرت های همسایه؛ روندهای فعلی در فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی جمهوری آذربایجان مبین این واقعیت است که این کشور هنوز در تنازع ژئوپلیتیکی خود، نتوانسته بین واقعیت ها و آرمان های خود

پیوند برقرار نماید. آرمان های راهبردی این کشور در فضای همگرایی با غرب شکل گرفته است و در این رویکرد ترکیه را به عنوان متحد راهبردی خود ترسیم می نماید، اما واقعیت های ژئوپلیتیکی مبین این است که روسیه به راحتی اجازه نخواهد داد این کشور از مدار امنیتی خودش خارج شود. کدهای ژئوپلیتیکی و استراتژیکی جمهوری آذربایجان برای روسیه قابل گذشت نیست. با این اوصاف تفکر راهبردی حاکم در جمهوری آذربایجان، افق های جدیدی را ترسیم می نماید که در آن؛ همزیستی مسالمت آمیز با روسیه با رعایت خطوط قرمز این کشور و همچنین توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران با پیوسته سازی منافع ملی دو کشور را دنبال می کند تا بتواند چند جانبه گرایی را نه از منظر فضای کلی روابط بین الملل بلکه در چارچوب های ژئوپلیتیک منطقه ای و حاکمیتی ایجاد نماید. لازم به ذکر است که جمهوری آذربایجان در سیاست روابط بین المللی خود به بازیگران مختلف فرامنطقه ای از جمله پاکستان، رژیم صهیونیستی، عربستان، اروپا، آمریکا، بلاروس، قزاقستان جایگاه و وزنی تعریف نموده است اما این کشورها به عنوان عوامل موثر و پایدار نمی توانند در روندهای امنیتی منطقه ای درون قفقازی برای جمهوری آذربایجان متضمن امنیت باشند.

۷- منطق راهبردی ایجاب می کند دیپلماسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران تلاش نماید تا الگویی از رفتار استراتژیک را در سیاست منطقه ای قفقاز جنوبی نهادینه نماید تا به ایجاد هنجارهای امنیتی بومی و منطقه ای منجر شود. این رویکرد را می توان گامی در جهت ایجاد مشروعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی دانست. اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند برای حل منازعات قفقاز جنوبی (از جمله در بحران قره باغ کوهستانی) قاعده سازی نماید، در آن شرایط به بسترهای لازم برای مقابله با بازیگران ناسازگار دست خواهد یافت.

منابع و مآخذ:

الف) کتاب

۱-احمدی، سید عباس، حافظ نیا، محمد رضا و دیگران، (۱۳۹۶) «**تبیین نظری بسترهای شکل گیری رقابت های ژئوپلیتیکی**»، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، سال پنجاهم، بهار، شماره۱، صفحات ۲۱۶-۱۹۹.

۲-احمدی پور، زهرا، لشگری، احسان (۱۳۹۳)، **فلسفه جغرافیایی تداوم رقابت در روابط بین الملل پس از جنگ سرد**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۳، صفحات ۴۰-۲۹ .

۳-فلاح، رحمت الله، (۱۳۹۱) «**ژئوپلیتیکی شدن منازعات تا منازعات ژئوپلیتیکی**»، فصلنامه راهبردی جهان پژوه، پیش شماره اول، انتشارات موسسه مطالعات راهبردی جهان پژوه.

۴-مقدمی آلکامی مرتضی (۲ دی ۱۳۹۷) «**افزایش تکاپوهای آمریکا در قفقاز جنوبی»؛ طراحی‌ها و هدف‌گذاری‌ها**، سایت مطالعات قفقاز، قابل دسترس در: http://www.ccsi.ir/vdceeeʌw.jh87ni9bbj.html

۵-کوزه گر کالجی، ولی (شهریور ۱۳۹۷)«**تلاش های جدید جمهوری آذربایجان برای تغییر موازنه استراتژیک در قفقاز جنوبی**». سایت ایراس، قابل دسترس در: http://www.iras.ir/fa/doc/article/372

۶-کوزه گر کالجی، ولی (آذر ۱۳۹۷) «**تاملی بر فرآیند و نتایج هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گرجستان**»، سایت ایراس، قابل دسترس در: www.iras.ir/fa/doc/article/ 3773

ب) منابع لاتین

1-https://virtualaz.org/aktual/130722 « **Tramp Qafqazda hücuma keçəcək, əsas diqqət Ermənistana yönəlib** ».

2-https://virtualaz.org/aktual/132739 «**Qarabağ separatçılarının telekanalı Amerika peykində**».

3-http://www.moderator.az/news/252042.html « **ABŞ Ermənistanda bir orduluq diplomat saxlayır** ».

4-https://www.dosye.org/rtl-de « **"Əgər ABŞ Ermənistana silah göndərirsə..." .....** ».

5-https://axar.az/news/gundem/337003.html « **Nikolu 6 dəfə Rusiyaya getməyə nə vadar etdi?** »

6-http://strateq.az/manshet/287146/« **BAKI İLƏ İRƏVAN ARASINDA TARAZLIQ PUTİNƏ NİYƏ LAZIMDIR?** ».

7-https://axar.az/news/siyaset/326316.html « **ABŞ 7, Rusiya isə 5 rayondan danışırsa** ».

8-https://525.az/site/?name=xeber&news_id=113187 « **nubi Qafqaz və Mərkəzi Asiya: "Stratfor"un risklərlə dolu proqnozları** ».

9-http://www.irna.ir/fa/News/83136313

10-https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/05/10/1791167

11-http://georgiatoday.ge/news/14310/Georgia-Leads-Eastern-Europe-%26-Central-Asia-in-Fighting-Corruption

آینده پژوهی مسائل ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در اوراسیا

یوسف زین العابدین عموقین[1]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

چکیده

روسیه و ایران دو کشور تاثیرگذار اصلی در ژئوپلیتیک منطقه و به خصوص اوراسیا می باشند. روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و ایران به عنوان یک قدرت بی بدیل در منطقه به حساب می آیند. به نظر می رسد مسائلی چون موقعیت جغرافیایی، انرژی، تروریسم، حضور قدرت های فرامنطقه ای در منطقه و غیره، زمینه های آینده پژوهی مسائل ژئوپلیتیک ایران و روسیه می باشد. در این میان اشتراک و تضاد مناقع دو کشور در مسائل ژئوپلتیکی اوراسیا از اهمیت خاصی برخوردار است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به آینده پژوهی مسائل ژئوپلیتیکی مشترک دو کشور مزبور در زمینه های مختلف می پردازد، با طرح این سوال که براساس آینده پژوهی، زمینه های مسائل ژئوپلیتیکی ایران و روسیه در اوراسیا کدامند؟ یافته های این تحقیق حاکی از آن است به دلایل مختلف ژئوپلیتیکی مناسبات ایران و روسیه در آینده بیش از پیش عمیق تر و گسترده تر خواهد شد. چرا که منافع مشترک ایران و روسیه ایجاب می کند این دو کشور، برای بهرمندی از توانمندی ها و امکانات یکدیگر در جهت تحقق استراتژی جهانی و منطقه ای خود، روابط و مناسبات ژئوپلیتیکی داشته باشند.

واژه گان کلیدی: ایران، روسیه، آینده پژوهی، نو اوراسیاگرایی، جنوب غرب آسیا.

[1] - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت-آدرس ایمیل: y.zeinolabedin@gmail.com

۱- مقدمه

ما در جهانی زندگی می کنیم که نیاکان ما حتی رویای آن را نمی توانستند تصور کنند و هر روز بیشتر از قبل عبارت دنیای کوچک را ما در مکالمات خود می شنویم. بخش عظیم این شرایط فرجام انقلاب قرن بیستمی در عرصه فن آوری های حمل ونقل و ارتباطات است که توانسته است رویاهای ما را محقق سازد (مواردی،۱۷:۱۳۸۸). اگر پیشامدی ما را ناگهان سی سال به عقب بازگرداند. نمی توانیم حوادث مربوط به سال ۱۹۹۰ و بعد از آن تا به امروز را پیش بینی کنیم. مثلا قادر به پیش بینی فروپاشی شوروی (سابق) و متعاقب آن فروپاشی یوگسلاوی و همچنین حادثه ۱۱سپتامبر، تحقق انقلاب اطلاعاتی و رشد اقتصادی پایدار دهه نود یا مجموعه درگیری های ویژه ای که اخیرا سیاست بین المللی را به لرزه در آورده اند، نخواهیم بود. بنابراین اکنون قادر به پیش بینی حوادث ژئوپلیتیک ۲۰۲۵ و۲۰۳۰ نیستیم چراکه این تحولات نه یک معما که معمایی دوگانه است. در یک سو فعالیت پیوسته طبیعت و انسان جریان دارد که بنظر نمی رسد از اهمیت چندانی برخوردار باشد. اما از سوی دیگر ناگهان متوجه دگرگونی کلان در حوزه های می شویم که پیش از این، هیچ گونه فعالیتی را در آنها احساس نکرده بودیم. درست همان گونه که گردش زمین به دور محور خود را احساس نمی کنیم، معمولا تحولات ژئوپلیتیکی را نیز به چشم نمی بینیم، بنابراین بدون تردید، آینده در مفهوم عام تداوم جهان در ابعاد مختلف آن است. با این وجود، ایران و روسیه به عنوان دو کشور تاثیر گذار بر ژئوپلیتیک منطقه اوراسیا همواره باهم در زمینه های مختلف دارای منافع مشترک و متضاد بوده و در آینده نیز این روند ادامه خواهد داشت. بنابراین مقاله حاضر، این مناسبات را در سه حالت ادامه روند فعلی، حالت مساعد و حالت نامساعد با توجه به مسائل ژئوپلیتیکی مشترک دو کشور مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

۲- مبانی نظری و پیشینه، رابطه مسائل ژئوپلتیکی و آینده پژوهی

بشر از دوران باستان همواره به دنبال کشف آینده بوده است. شاید به این دلیل که داشتن دانایی در باره آینده به تصمیم گیری در حال، کمک می کرده است. اما آن چه که مطالعات آینده پژوهی را جدی تر می کند کاربرد آن در بخش هایی مانند توسعه اقتصادی است. در این

راه برنامه ریزی راهبردی و ابزارهایی مانند سناریو نویسی مورد استفاده قرار می گیرد (ملکی،۱۳۹۲: ۸).

برتراندراسل، اندیشمند بزرگ انگلیسی در سال ۱۹۲۴ مقاله ای با عنوان "ایکاروس" یا آینده دانش نوشت. او در مقاله اش پیش بینی کرده بود که تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی در نظام های سیاسی افزایش خواهد یافت و این امر از طریق گسترش ارتباطات و راه های دسترسی به مناطق مختلف کشور میسر خواهد شد. دوراندیشی نخستین اصطلاحی بود که برای آینده نگری علمی در دوران جدید به کار گرفته شد. در سال۱۹۳۲ اچ.جی.ولز نویسنده و پژوهشگر برنامه های بی بی سی پیشنهاد کرد که دانشکده استادان رشته دوراندیشی در مراکز علمی و دانشگاهی تاسیس شود و پژوهشگران به مطالعه آینده های پیش رو، دست کم برای ۴۰ سال آینده بپردازند (Wells, 1987 : 89-91).

پس از آن استاد آلمانی به نام اوسیپ.ک. فلشتهایم از اواسط دهه ۱۹۴۰ اصطلاح آینده شناسی را که به معنای مطالعه آینده و در نظر گرفتن احتمالات پیش رو بود، مرسوم کرد. با گسترش مطالعات آینده شناسی و تلاش برای مطالعه همه جانبه ابعاد مختلف آینده های پیش رو این دست از پیش بینی ها "دور اندیشی های استراتژیک" نامیده شدند. مهم ترین تفاوت میان دوراندیشی استراتژیک و آینده شناسی در این نکته نهفته بود که حالت نخست آینده قطعی می بایست در نظر گرفته شود (تیشه یار،۱۳۹۱: ۴۱).

به این ترتیب آینده پژوهی برپایه آینده شناسی از اواسط دهه۱۹۶۰ به عنوان یک رشته علمی و دوراندیشی های استراتژیک تحت عنوان سناریو به عنوان روشی برای آینده پژوهی جای خود را در محافل پژوهشی باز کرد. گرچه مفهوم سناریو تاریخچه ای قدیمی دارد و استفاده از سناریو در بخشی از ضمیر ناخودآگاه انسان ریشه دارد به طوری که افلاطون در کتاب جمهوری خود از چیزی شبیه سناریو برای توصیف آینده استفاده کرده است.همچنین کلاوزویتس، متفکر نظامی پروس، سناریو را در قالب انعکاس تحولات راهبردها بیان کرده است. بالاخره واژه سناریو را نویسنده ای بنام لئو راستن برای این رویداد براساس واژگان هالیوود ارایه داد. اما اکثر مورخان هرمان کان را اولین کسی می دانند که در مورد سناریو به صورت تخصصی اندیشیده است. او در موسسه "رند" در دهه۱۹۵۰میلادی در این زمینه کار می کرد.

شرکت نفتی شل نیز از اولین شرکت هایی بود کـه در زمینـه نوشـتن سـناریو و اجـرای آن در محیط های تجاری پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته است (سنگه،۱۳۸۳).

به این ترتیب روش سناریونویسی یکی از کلیدی تـرین روش هـای آینـده پژوهـی اسـت و شیوه ای برای بهبود تصمیم گیری در برابر آینده های ممکن است. کوتاه ترین تعریف سناریو را "وندل بل" بیان کرده است که سناریو را محصول روش های آینده پژوهی می داند وی بر ایـن باور است که تمامی روش های آینده پژوهی مقدمه سناریو نویسی هستند (Bell,2003 : 317).

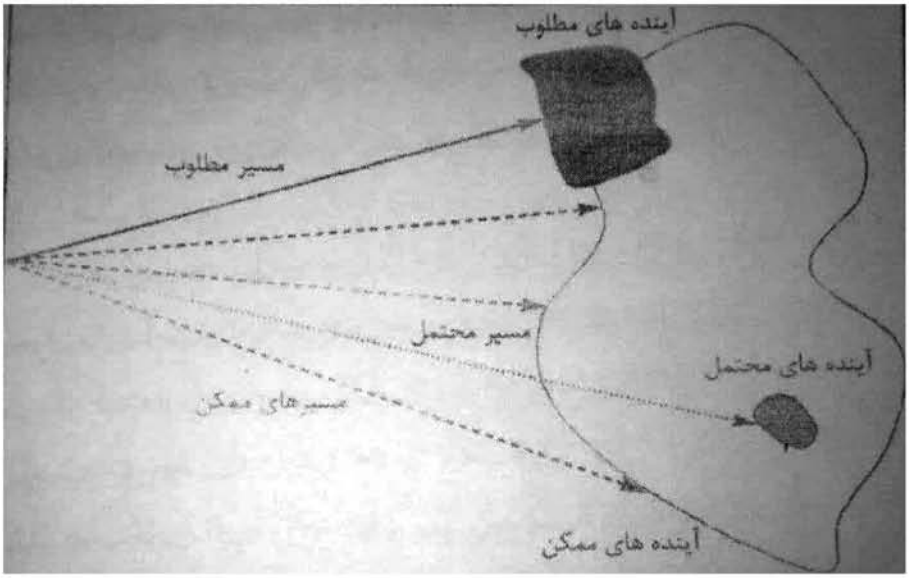

شکل ۱- اشکال آینده بر اساس یک سناریو

از آنجا که کلمه ژئو برشالوده محیط جغرافیایی سیاره زمـین اسـتوار اسـت، امـروزه کـاربرد زیادی در مباحث نظری جغرافیایی برای بیان گرایشات مختلف سیاسـی، فرهنگـی و اقتصـادی مردم در سطوح محلی، ملی و در عرصه منطقه ای و جهانی دارد تا بـر اسـاس آن دوام و بقـای ملت ها و دولت ها پایدار و تداوم یابد. با اینکه فرهنگ به خصیصه های جمعی و غیرمادی بشـر مانند زبان، سنت ها، ارزش‌ها، اندیشه ها، هنر، دین و غیره اشاره دارد و تمدن هم با ویژگی‌های

مـادی فرهنگی یعنـی شیوه معمـاری، نظام سیاسـی، نظام اداری و الگوهای رفتار مدنی انسان ها سر و کار دارد، این تمدن است که در تاریخ و طی دوره های زمانی طولانی تقریبا ثابت مانده و به گفته "آرنولد توین بی" با وجود فرهنگ های بی شمار فقط می توان به وجود بیست و یک تمدن بزرگ در طول تاریخ بشر اذعان کرد. از این رو هم فرهنگ و هم تمدن دارای بار ارزشی، هنجاری و نیز سیاسی اند که حرکت ایجاد می کنند و تحول می آفرینـند؛ بـا ایـن تفـاوت کـه نقش آفرینی فرهنگ ها به واسطه پویایی شان به مراتب بیشتر از تمدن هاست. بنابراین هـر دو موضوع از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در علـم ژئوپلیتیـک و ژئوکـالچر بـه آن هـا توجـه بیشتری می شود.

از این رو توجه به آینده تمدن ها و تحولات آن ها می تواند یک موضوع ژئـوپلیتیکی تلقـی گردد. از طرف دیگر هم در تحلیل مباحث تمدن ها و فرهنگ و هم در مباحـث آینـده پژوهـی هدف کسب قدرت و حفظ آن در زمان های مختلف می باشـد. پـس مـی تـوان گفـت مسـائل ژئوپلیتیکی و آینده پژوهی یک رابطه اساسی باهم دارند.

۳- داده های تحقیق

۳-۱- زمینه های همکاری و اشتراک آینده پژوهی ایران و روسیه

فدراسیون روسیه پس از فروپاشـی اتحـاد شـوروی در سـال ۱۹۹۱ مـیلادی، در امتـداد سیاست خارجی خود، توسعه روابط با کشورهای جهـان را در چـارچوب ملاحظـات اقتصـادی و سیاسی جدید مورد توجه قرار داد. برای فدراسیون روسـیه درچـارچوب نگـاه غـرب گرایانـه در سیاست خارجی آن، جمهوری اسلامی ایران یک تهدید برآورد شده بود، اما بزودی روشن شـد که فدراسیون روسیه با جمهوری اسلامی ایران دارای منافع همسـاز متعـددی اسـت (کـولایی، ۱۳۷۶، ۶۹-۵۸).

وقوع تحولات پی در پی در قفقاز و آسیای مرکزی و در درون مرزهای فدراسیون روسـیه از جمله بحران چچن، ضرورت دگرگونی در روابط با ایران را آشکار ساخته بود. سازگاری منـافع دو کشور در سطوح منطقه ای و بین المللی برای روسـیه غیرقابـل چشـم پوشـی مـی نمـود. همکاری دو کشور درجریان جنگ داخلی تاجیکستان و بازگشت صلح و ثبات به این کشور برای

روسیه حائز اهمیت بود. دو کشور در منطقه دریای خزر نیز در برابر توسعه نفوذ بیگانگان علایق مشترکی را ملاحظه کرده اند.

بر این اساس، سیاست خارجی روسیه نمایانگر استفاده از ابزار گوناگون برای دستیابی به اهداف مسکو بوده است. در واقع سیاست این کشور بر اساس عملگرایی، کارآمدی اقتصادی و اولویت اهداف ملی پایه گذاری شده است. بر این اساس نو اوراسیاگرایی دارای ویژگی های مشخصی در سیاست خارجی روسیه است که از آن جمله می توان به ملی گرایی، واقع گرایی و ژئوپلیتیک گرایی اشاره کرد (بهمن،۱۳۹۵: ۷۵).

از این رو، سیاست خارجی روسیه بر اساس اوراسیاگرایی مبتنی است بر:

- مقابله با جریان یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا و گسترش تفکر چندجانبه گرایی در عرصه بین الملل.
- توجه به توسعه اقتصادی و بهره گیری از توان اوراسیایی در این زمینه.
- تقویت همکاری های امنیتی برای رفع نگرانی های امنیتی روسیه از جمله تروریسم و اسلام گرایی افراطی به عنوان مهم ترین رویکردهای سیاست خارجی فدراسیون روسیه.

رویکردهای فوق نشانگر اشتراکات موجود بین روسیه و ایران در عرصه های منطقه ای، بین المللی و جهانی است. چراکه ایران هم در این زمینه ها دغدغه دارد و به دنبال عملی کردن آن هاست. در اینجا به آینده پژوهشی دو کشور در حوزه های مختلف پرداخته می شود:

۳-۱-۱- در حوزه چند قطبی شدن جهان

ایران و روسیه، عمدتا در برابر نظم نوین جهانی آمریکا دیدگاه های مشترکی دارند و در حال حاضر به جهان چند قطبی می اندیشند و گاهی اوقات حتی برخی کارشناسان مطالبی در خصوص مصلحت برقراری شراکت راهبردی بین دو کشور مطرح می‌کنند.

در حال حاضر روسیه در نظام بین الملل بنا را بر چندجانبه گرایی قرار داده است. با توجه به نقش ایالات متحده آمریکا در روابط بین الملل، سیاست خارجی روسیه در نظام جهانی بر چندجانبه گرایی متمرکز می شود تا جایگاهی را برای خود در معادلات امنیتی تعریف کند.

بنابراین روس ها بتدریج به صورت نامحسوس و محسوس با اعتماد به نفس حاصل از دست آوردها و موفقیت های خود در حوزه های مختلف ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، سیاست

"مقاومت مستقیم" را در برابر یک جانبه گرایی و توسعه طلبی های آمریکا در پیش گرفته انـد. پیگیری سیاست تهاجمی در حوزه انرژی و تاکید بر تثبیت موقعیت خـود بـه عنـوان ابرقـدرت انرژی، پیگیری برنامه گسترده نوسازی نظامی، برنامه فروش گسـترده تسـلیحات نظـامی، عـدم پذیرش استقرار طرح سپر موشکی آمریکا در اروپای شرقی و در پی آن تعلیق پیمان سلاح های متعارف، استقرار سیستم جدیـد دفـاع ضدموشـکی در سـنت پترزبـورگ، حمایـت از ایـران در موضوع پرونده هسته ای، درگیری در تحولات سوریه و حمایت از دولت سوریه و مهم تر از همه پیگیری قطعی قضیه الحاق شبـه جزیره کریمه به روسیه، از جمله چشم اندازهای شـاخص و نشانه هایی از تلاش روسیه برای ارتقای جایگاه خود در ترتیبات نظام بین الملل است که تـنش هایی را در روابط این کشور با آمریکا به همراه دارد (نوری، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

در این میان ایران هم از منادیان چندجانبه گرایی در جهان و نفی سلطه و سیاست یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکاست. تحولات ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ نشان مـی دهـد، این کشور با ارایه اندیشه و تفکری جدید در نظام بین الملل که بـا لیبـرال دموکراسـی غربـی و آمریکایی تضاد فکری و عملیاتی جدی دارد و تلاش برای گسترش این تفکر در منطقه و جهان، به ویژه در جهان اسلام، به مهم ترین نیروی چالشگر در برابر ایالات متحده آمریکـا بـدل شـده است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

۳-۱-۲- در حوزه ژئواکونومیکی

ایران و روسیه اشتراکات و اهداف مشابهی در زمینه های اقتصـادی دارنـد. ایـن اشـتراکات نیازهای متقابلی را ایجاد کرده است که دو کشور برای رفع آن هـا راه کارهـای مشـترک اتخـاذ کرده اند. در اینجا به مهمترین این راه کارها پرداخته می شود:

- راه گذر بین المللی شمال- جنوب (نوستراک): ایران، روسیه و هند سه کشور موسس این راه گذر محسوب می شوند. راه گذر شمال- جنوب، نواحی شرق آسیا و هند را از طریـق ایـران به روسیه و سپس از طریق این کشور به اروپا متصل می کند و در مسیر برگشت نیـز از مراکـز مهم اقتصادی در حوزه بالتیک، مدیترانه و کشورهای عربی می گذرد. روسیه بـه راه گـذر بـین المللی شمال، جنوب به عنوان شاه راهی برای خروج از بن بست تاریخی اش به سمت جنـوب و رسیدن به آب های گرم اقیانوس هند می نگرد و ایران هم به کریدور شمال- جنوب بـه عنـوان

فرصتی تاریخی و بزرگ بـرای احیـای اقتصـادیش و نشـان دادن محوریـت ژئـوپلیتیکی اش در اوراسیا نگاه می کند.

• سازمان همکاری شانگهای: اگرچه این سازمان در ابتدا با اهدافی غیـر اقتصـادی تشـکیل شده است اما هم اکنون اهداف اقتصادی مهمی را بین اعضا دنبـال مـی کنـد و روسـیه نیـز از عضویت دائم ایران در شانگهای حمایت می کند. چرا که ایران می تواند بـه عنـوان یـک کشـور تاثیرگذار اقتصادی در سازمان شانگهای عامل موثری باشـد. از طـرف دیگـر همراهـی ایـران در شانگهای می تواند روسیه را در تبدیل این مجموعه به یک منطقـه گرایـی بـزرگ بخصـوص در مقابل غرب قدرتمند سازد.

• همکاری ها در زمینه نفت و گاز: ایران و روسیه دو غول انرژی اوراسیا محسوب می شوند. در شرایطی که اقتصاد جهانی شاهد رشد چشمگیر تقاضای جهانی برای مصـرف انـرژی اسـت، حوزه جغرافیایی اوراسیا با برخورداری از ۳۸ درصد ذخایر گـاز و ۶ درصـد نفـت پـس از خلـیج فارس دومین کانون مهم بین المللی انرژی را تشکیل می دهد (امیـر احمـدیان، ۱۳۸۶: ۲۸). از لحاظ جایگاه منابع طبیعی و نفت، روسیه دارای مقام هشتم در ذخایر نفت است. اما بزرگتـرین صادرکننده نفت پس از عربستان سعودی به شمار می آید. همچنین روسـیه بزرگتـرین ذخیـره گاز جهـان را دارد و بزرگترین صـادرکننده گاز طبیعـی (Cooper . 2009 : 19-18) بـر اسـاس آمار رسمی منتشر شده، مجموع ذخایر استحصال شدنی نفت خام و میعانات گازی ایران بـیش از ۱۵۴،۸ میلیارد بشکه برآورد می‌شود، که این میزان معادل ۱۰٪ درصد از مجموع کل ذخـایر نفت خام موجود در جهان محسوب می شود (مصلح و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰). ایـن توانمنـدی هـا می تواند زمینه ساز همکاری های جدی در زمینه انرژی میان دو کشور باشد.

۳-۱-۳- در حوزه امنیتی

موضوع مبارزه با تروریسم در دهه های اخیر برای فدراسـیون روسـیه دارای حساسـیت زیادی بوده اسـت. امپراطوری روسیه همواره در قبـال شـورش هـای داخلـی و جنـبش هـای جدایی طلب، اقدام به واکنش های تند و خشـن کرده و برخی این نظر را دارند که سیاسـت فعلی فدراسـیون روسـیه در قبال پدیده تروریسم مشابه همـان سیاسـت سـنتی امپراطـوری گذشته است. از منظر دولت روسیه، تروریسم با بافت اسـلام افراطی که ریشه در گروه القاعـده

دارد. امروزه کانون اصلی فعالیت تروریستی در روسیه است. کانون محوری این فعالیت ها دو منطقه داغستان و چچن است و هفده گروه در این مناطق شناسایی شده اند (بزرگمهری و آزادی،۱۳۹۱: ۴۳).

ایران هم اسلام گرایی افراطی را محکوم می کند و آن را زاییده جریان وهابیت عربستان و سیاست های پنهانی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تخریب چهره اسلام و مقابله با انقلاب اسلامی می داند. این تفکر مشترک در زمینه اسلام گرایی افراطی و لزوم مقابله با آن، نو اوراسیاگرایان روسی را شیفته ایران کرده است.

۳-۱-۴- آینده پژوهی موقعیت ژئوپلیتیک ایران در نو اوراسیا گرایی روسیه

اوراسیاگرایی جدید، منطقی تعاملی است که به دنبال اعتلای روسیه از طریق هم افزایی با همسایگان اوراسیایی یا کشور های همجوار روسیه است. از سوی دیگر اوراسیاگرایی مروج تفکر چندجانبه گرایی در جهان و مقابله با یکجانبه گرایی امریکاست. تمایل فزاینده روسیه به بازتوزیع قدرت که بر مخالفت صریح با یک جانبه گرایی آمریکا و تقویت و تثبیت این فرض که مدیریت امور جهانی بدون همراهی روسیه به سختی امکانپذیر می باشد، متمرکز شده است. روسیه تلاش می کند تا از طریق ائتلاف با قدرت هایی مانند چین و ایران، یکجانبه گرایی آمریکا را در نظام بین الملل متوقف کند (عمادی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

نواوراسیاگرایی همچنین با هرگونه افراطی گری از جمله افراطی گری اسلامی و جدایی طلبی مخالف است. این بنیان های اعتقادی اوراسیاگرایی شباهت های فراوانی با دیدگاه های ایران دارد و بی شک در تحقق اهداف ژئوپولیتیکی ایران و ترسیم چشم انداز ژئوپلیتیکی این کشور به ویژه در زمینه تبدیل شدن به قدرت منطقه ای و مقابله با دگراندیشی های اسلامی که از سوی رقبای منطقه ای از جمله عربستان و ترکیه تبلیغ می شود، تاثیرگذار است. ایران جایگاه ویژه ای برای روسیه دارد. از این رو نواوراسیاگرایان روسیه به اهمیت راهبردی ایران در ژئوپولیتیک اوراسیا تاکید می کند. بر این اساس ایران به عنوان یکی از معدود نیروهای واقعی مخالف جهانی شدن آمریکا تلقی می شود بطوری که ایران می تواند جهان عرب و نیز پاکستان و افغانستان را متحد خود کند. این دیدگاه نواوراسیاگرایی نسبت به ایران می تواند آینده پژوهی مسائل ژئوپولیتیکی ایران و روسیه را تحت تاثیر قرار دهد (لاروئل، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

واقعیت این است که ایران در استراتژی نواوراسیاگرایی روسیه کشوری قدرتمند و قابل ارتقاء به قدرتی در کنار روسیه و دیگر قدرت ها از جمله چین و هند است و توانایی رهبری کشورهای خاورمیانه را دارد. این امر چشم انداز روشنی را برای ژئوپلیتیک ایران ترسیم می کند و ظرفیت چانه زنی ایران در معادلات بین‌المللی را افزایش می دهد.

منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن منابع انرژی و موقعیت ژئوپلتیکی، حوزه منفعتی غیر قابل اغماض برای بازیگری چون روسیه محسوب می شود. حضور روسیه در این منطقه مربوط به دوران اتحاد جماهیر شوروی و روسیه کنونی نیست، بلکه به دوره تزارها باز می گردد، یعنی زمانی که مهمترین مسئله شرق در نزد روس ها دسترسی به تنگه های دریای سیاه و انضمام قسطنطنیه بود (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). آرزوی روس ها برای رسیدن به خلیج فارس و از آن طریق به اقیانوس هند هم آرزویی است که همه با وصیت نامه پترکبیر از آن باخبر شده اند.

براساس اوراسیاگری نو، روسیه در چارچوب سیاستی گسترده و برای خارج شدن از پوسته دوران جنگ سرد، قصد نزدیکی به خاورمیانه را داشته و به فکر تغییر جهت سیاست های خود و اتخاذ رویکردهای جدید است و یکی از این رویکردها، اتخاذ شیوه های نرم در قبال منطقه خاورمیانه است (مسعودی، ۱۳۹۱).

در اوراسیاگرایی نو مهم ترین اهداف استراتژی خاورمیانه ای روسیه عبارت است از:

- ایفای نقش همانند یک قدرت بزرگ و موازنه بخش در مقابل آمریکا.
- فروش تسلیحات.
- تجارت با خاورمیانه و شمال آفریقا.
- کنترل تروریسم در منطقه و لزوم مقابله با آن (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۴: ۴۳).

از طرف دیگر ایران هم، همانند روسیه، مخالف حضور ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه بوده و معتقد به لزوم مقابله با سیاست یکجانبه گرایی این کشور در جهان است. ایران از تمایل روسیه به فروش سلاح به خاورمیانه برای تامین نیازمندی های تسلیحاتی اش بهره های فراوانی خواهد برد و در مقابله با تروریسم نیز در حوزه نفوذ خود از توانمندی های روسیه استفاده خواهد کرد . این نزدیکی ها و همانندی ها، چشم انداز روشنی را برای مسائل ژئوپلیتیکی ایران در غرب آسیا ترسیم می کند و می تواند ایران را به یکی از شرکای مهم روسیه در اجرای استراتژی خاورمیانه ای اش در اوراسیا تبدیل کند.

فروپاشی و تجزیه اتحاد شوروی پس از سال ۱۹۹۱میلادی به معنای از دست رفتن تقریبا یک چهارم از قلمروهای ملی و قطع ارتباط مستقیم این کشور با خاورمیانه بود (رابینشتین،۲۰۰۴: ۸۹). در حالی که ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی منطقه خاورمیانه را به عنوان نماینده خود در جنگ سرد در نظر گرفته بودند، پایان این جنگ به معنای عقب نشینی روسیه از درگیری مستقیم در امور خاورمیانه بود. بعد از سال ۱۹۹۳ بود که جنوب و غرب آسیا برای روسیه اهمیت پیدا کرد و آن زمانی بود که تجارت روسیه در بخش نفت عراق و فروش اسلحه به ایران، عراق و روسیه شروع به کار کرد. ایران، افغانستان، ترکیه، کشور های عربی و رژیم صهیونیستی نیز به نقاط مورد توجه روسیه تبدیل شدند. در این میان نگرانی روسیه در مورد جمهوری های شوروی سابق در آسیای مرکزی و قفقاز این کشور را به خاورمیانه، ایران و ترکیه نزدیک تر کرد (لگوولد،۲۰۰۱).

در این میان به خصوص ایران می تواند قدرت منطقه ای و ابر قدرتی روسیه را در سازمان بریک تسهیل کند. روسیه از طریق ایران می تواند بین هندو چین که دو کشور غنی هم هستند به عنوان قدرت میانجی نقش آفرینی کند.

علاوه بر این رابطه روسیه و ایران می تواند قدرت روسیه را در بهره برداری از منابع انرژی گاز در سطح منطقه و جهان افزایش دهد. بی تردید بودن ایران در کنار روسیه، نفوذ آن کشور را در حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا فراهم کرده و حوزه نفوذ و قدرت مانور روسیه را در سطح جهان افزایش خواهد داد.

۳-۲- آینده پژوهی تضاد ژئوپلیتیکی ایران و روسیه

علی رغم اشتراکات ژئوپلیتیکی منافع ایران و روسیه در سطح ملی، منطقه ای و جهانی این دو کشور در مسائل ذیل دارای تضاد ژئوپلیتیکی نیز می باشند:

- رژیم صهیونیستی و اختلاف دیدگاه و عملکرد ایران و روسیه

در مواردی مشاهده می شود روسیه به دلیل اینکه جمعیت قابل توجه رژیم اشغالگر قدس روسی تبار هستند، همکاری هایی با این کشور در سطح منطقه برقرار می کند. این رابطه ژئوپلیتیکی روسیه و رژیم صهیونیستی برخلاف دیدگاه ایران می باشد. از این رو در مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و روسیه تاثیر منفی خواهد داشت.

• رقابت روسیه با ایران در آسیای مرکزی و قفقاز

کشور های آسیای مرکزی و قفقاز به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به روسیه و ایران وابسته هستند. لذا در مواردی به خصوص در مسائل اقتصادی هریک از دو کشور ایران و روسیه می خواهند از موقعیت خود بیشترین بهره برداری را داشته باشند. بنابراین تشدید این رقابت بر مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و روسیه تاثیر منفی خواهد داشت.

• تضاد منافع ایران و روسیه در تعریف رژیم حقوقی دریای خزر

گرچه دریای خزر همواره بین دو کشور ایران و روسیه مشترک بوده اما پس از فروپاشی شوروی سابق و پیدایش کشورهای دیگر در سواحل این دریا، روسیه بدلیل برخورداری از تکنولوژی و قدرت بالای دریایی در تعیین رژیم حقوقی جدید می خواهد بیشترین بهره برداری را از این دریا داشته باشد. لذا در مواردی این موضع گیری روسیه، برخلاف موضع گیری ایران درباره تعیین رژیم حقوقی دریا خزر می باشد.

۴- نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد روسیه به عنوان قدرت نامزد جهانی و تاثیرگذار اصلی در منطقه اورآسیا همواره جهت نیل به استراتژی منطقه ای و جهانی خود به همکاری و مشارکت کامل یا ضمنی، همسایه جنوبی یعنی ایران نیازمند می باشد. بدون شک می توان گفت ایران و روسیه در آینده بیش از پیش مناسبات عمیقی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح منطقه ای و بین المللی باهم خواهند داشت، به خصوص این که جایگاه ایران در نواورآسیاگرایی روسیه بی بدیل به نظر می رسد. ایران نیز در تداوم استراتژی منطقه ای خود در حوزه های ژئوپلیتیکی غرب آسیا، آسیای مرکزی، قفقاز، حوزه های خلیج فارس و خزر به همکاری و حمایت های روسیه نیاز دارد. از این رو بر اساس تحلیل آینده پژوهی می توان گفت؛ مسائل زمینه های ژئوپلیتیکی روسیه و ایران ناگسستنی است و این مناسبات دوجانبه برای هر دو کشور الزامی و ضروری است. به خصوص این که هم روسیه و هم ایران با تحقق یکجانبه گرایی و هژمونی ایالات متحده آمریکا در جهان مخالف بوده و این مناسبات باتوجه به توسعه روزافزون مسائل ژئواکونومیکی به خصوص در مسائل ژئوپلیتیک انرژی و انتقال آن به اروپا، جنوب شرق آسیا و دیگر مناطق جهان بیشتر نمود پیدا خواهد کرد.

از طرف دیگر منافع روسیه با منافع ایران در مبارزه و کنترل تروریسم جهانی که منطقه اورآسیا و جنوب غرب آسیا را مورد تهدید قرار داده باهم گره خورده است. چرا که جنوب غرب آسیا به عنوان حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران و اورآسیا به عنوان حوزه نفوذ روسیه با توسعه تروریسم زمینه را برای نقش آفرینی قدرت های فرامنطقه ای به خصوص ایالات متحده آمریکا فراهم می کند. از این رو، روسیه و ایران باید با همکاری و مشارکت یکدیگر زمینه های این تهدید را از بین برده و از این طریق از نفوذ و حضور قدرت های فرامنطقه ای در حوزه نفوذ خود جلوگیری کنند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب

۱-اسمیت، لارنس (۱۳۹۲) **"جهان در ۲۰۵۰"**، مترجمان: منصور امیدی، ناصر زرین پنجه، انتشارات مهرویستا.

۲-ای.لیک، دیوید، پاتریک ام.مورگان (۱۳۹۵) **" نظم های منطقه ای : امنیت سازی در جهانی نوین"**، مترجم: سید جلال دهقانی فیروز آبادی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳-تیشه یار، ماندانا (۱۳۹۱)،**"آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک"**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۴-سنگه، پیتر (۱۳۸۳)، **"رقص تغییر"**، ترجمه: حسین اکبری و مسعود سلطانی، تهران: آریانا.

۵-سوری، مسعود (۱۳۹۱)، **"ژئوپلیتیک نفت و خطوط لوله در اوراسیا"**، انتشارات آتی نگر.

۶-کولایی، الهه (۱۳۷۶)، **"سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه"**، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۷-لاروئل، مارلن (۱۳۸۸)، **"اوراسیاگرایی روسی،ایدئولوژی امپراتوری"**، ترجمه سید جعفر سید زاده و محمد حسین دهقانیان، انتشارات ابرار معاصر.

۸-لیندگرن، ماتس و هانس باندهولد (۱۳۹۰)،**"طراحی سناریو پیوند بین آینده و راهبرد"**، مترجم: عبدالعزیز تاتار، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

۹-مواردی، وارویک ای (۱۳۸۸)، **"جغرافیا های جهانی شدن"**، ترجمه جوان و عبدالله عبداللهی، نشر چاپار.

۱۰-مصلح، کامران و دیگران (۱۳۸۷)، **"ذخایر نفتی جهان در استفاده بهینه از منابع گازی در ایران"**، موسسه مدیریت انرژی افق، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۱-ملکی، عباس (۱۳۹۲) ، **"آینده پژوهی و نفت"**، تهران: موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو .

۱۲-نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، **" سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین: اصول و روندها"**، ناشر دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم(ص) – مرکزمطالعات راهبرد بین الملل.

ب) مقالات

۱- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵)، **"نفت و امنیت در قفقاز"**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، شماره، ۵۶.

۲- بزرگمهری، مجید و غلامرضا آزادی (۱۳۹۱)، **"مبارزه با تروریسم در فدراسیون روسیه"**، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۰.

۳- بهمن، شعیب (۱۳۹۵)، **" نواوراسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه"**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۵.

۴- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲)، **"قدرت هوشمند و براندازی جمهوری اسلامی ایران، خیز تدریجی آمریکا برای مقابله سیستمی با ایران"**، فصلنامه سیاست خارجی، دوره دوم، شماره ۳.

۵- سهرابی، محمد (۱۳۹۳)، **"سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه"**، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره۷، شماره ۲۵.

۶- عمادی ، سید رضی(۱۳۸۸)، **"احیای قدرت نظامی روسیه : مقابله با یک جانبه گرایی آمریکا"**، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره۶۷.

۷- کوشکی، محمد صادق و ابراهیم طاهری بزی (۱۳۹۴)، **"حضور روسیه در خاورمیانه در دوره ی پوتین، (احیای نفـوذ روسیه درکشورهای زیر نفوذ اتحاد شوروی)"**، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱۶.

ج) منابع اینترنتی

۱- مسعودی، جواد (۱۳۹۱)، **"نگاهی به سیاست راهبردی روسیه در خاورمیانه"**، قابل دسترس در: http://jmp.vcp.ir

د) منابع لاتین

1-Cooper, William.H (2009), "**Russia,s Economic Performance and Policies and Their Implications For The Unated States**", from:
http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL34512.pdf.

2-Bell , W .(2003) , **Foundation of Futures Studies** : History , Purposes and knowledge , Transaction Publishers
3-Wells , H. G. (1987), **Leadership Secrets of Attil the Hun , HS** : Business Plus .

ارزیابی کنوانسیون رژیم حقوقی اخیر دریای خزر

حمید خوش آیند[1]

تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۰۸/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱۱/۲۸

چکیده

دریای خزر بزرگ ترین دریاچه جهان است که در متون تاریخی و در ادبیات معمول به علت عدم دسترسی به آب های آزاد به آن «دریا» اطلاق می شود. یکی از مهم ترین مسائل دریای خزر که پس از فروپاشی شوروی ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد، ضرورت تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر بود که پنج کشور ساحلی این دریا بیش از دو دهه مشغول مذاکره بر سر آن بودند. به طوری که پس از ۲۱ سال مذاکرات پیگیر و در جریان پنجمین نشست سران پنج کشور ساحلی دریای خزر یعنی روسیه، ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در بندر آکتائوی قزاقستان در ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ میلادی (۲۰ مرداد ۱۳۹۷)، سرانجام کنوانسیون رژیم حقوقی خزر مورد توافق پنج کشور ساحلی قرار گرفته و به امضا رسید. کنوانسیونی که برخی معتقدند به طرح تقسیم دریای خزر انجامیده و به سال ها مناقشه بر سر تقسیم دریای خزر میان کشورهای ساحلی پایان داده است. مقاله حاضر با نگاهی به پیشینه نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر در صدد پاسخ به این سؤال است که کنوانسیون حقوقی اخیر دریای خزر چگونه قابل ارزیابی است؟ در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و جمعآوری اطلاعات از طریق منابع اسنادی، کتابخانه ای و منابع اینترنتی استفاده شده است.

واژه گان کلیدی: دریای خزر، کشورهای ساحلی، رژیم حقوقی، کنوانسیون ۲۰۱۸.

[1] - پژوهشگر ارشد روابط بین الملل و مطالعات قفقاز

۱- مقدمه

مناقشه بر سر تدوین نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر همواره به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسائل مربوط به جغرافیای سیاسی در میان کشورهای حاشیه این دریا مطرح بوده است. ایران از دوران قاجار و در جنگ با روسیه تزاری درگیر مسئله تعیین یک نظام حقوقی کارآمد برای دریای بوده است. بعد از تغییر حکومت های قاجار و پهلوی در ایران و فروپاشی روسیه تزاری و حکومت شوروی نیز همچنان مناقشه نظام حقوقی دریای خزر میان ایران، روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته از شوروی سابق پابرجا بوده است، تا اینکه سران کشورهای ساحلی دریای خزر روز یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ در شهر بندری آکتائو قزاقستان به همراه وزیران امور خارجه این کشورها، کنوانسیون خزر را امضاء کردند. این معاهده مهم سرانجام بعد از ۲۱ سال مذاکرات در سطح معاونین وزرای امور خارجه و نمایندگان ویژه کشورها در امور خزر به راهکارهای اصولی دست یافت که از یک سال و نیم پیش وارد مرحله تازه ای شده بود.

کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر مثل قانون اساسی کشورها می باشد؛ سندی جامع و چارچوبی است که بر اساس آن حقوق و تعهدات کشورهای ساحلی مشخص می گردد. متعاقباً بر پایه این اصول کلی، کشورهای ساحلی خزر با امضای موافقتنامه های تخصصی به جزئیات خواهند پرداخت. امضای کنوانسیون رژیم حقوقی گام بسیار مهم و حائز اهمیتی است که برداشته می شود و به مذاکرات ۲۱ ساله در این خصوص خاتمه می بخشد. البته باید اذعان کرد که امضای این کنوانسیون، پایان همه مذاکرات و اقدامات در خزر نیست و در واقع نقطه عطف و آغازین برای اجرای تفاهمات، نظارت بر اجرا و همچنین شروع مذاکرات برای امضای موافقتنامه های جدید و ضروری به شمار می رود. در این مقاله نگارنده با یک نگاه حقوقی و تبیین ابعاد تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی دریای خزر و همچنین بررسی معاهدات تاریخی پیرامون آن، در صدد ارزیابی کنوانسیون حقوقی اخیر دریای خزر است که سرانجام پس از ۲۱ سال مذاکراه و گفتگو در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ امضا شد.

۲- مبانی نظری

اولین چیزی که در تحلیل وضعیت دریاچه خزر نقش دارد، فهمیدن این مطلب است که آیا «خزر» دریای بسته یا نیمه بسته به حساب می آید یا اینکه دریاچه است. نتیجه بحث آن است

که اگر «خزر» دریای بسته یـا نیمـه بسـته محسـوب شـود، در تحدیـد حـدود، تـابع مقـررات کنوانسیون حقوق دریاها خواهد بود و اگر دریاچه باشد، کنوانسیون حقوق دریاهـا در مـورد آن جاری نیست و روش دیگری برای تعیین رژیم حقوقی آن باید اتخاذ شود.

در همین راستا یکی از مشکلات عمده در تعیین رژیم حقوقی خـزر، نبـود قـوانین حقـوقی بین المللی در مورد تحدید دریاهای بسته ای نظیر آن است. مواد مندرج در کنوانسیون حقـوق دریاها (۱۹۸۲) نه تنها در مورد چگونگی تعیین رژیم حقوقی دریای خـزر کـافی نیسـت، بلکـه ابهاماتی دارد که موجب سردرگمی و تفسیر به رأی هر یک از کشورهای ساحلی آن مـی شـود. کنوانسیون های عمده حقوق دریاهـا (۱۹۵۸ و ۱۹۸۲) کـه معتبرتـرین اسـناد در بـاره حقـوق دریاها را مطرح کرده اند، در زمینه دریای خزر مطالب زیادی ندارند. در فصل ۹ و در ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از دریای بسته و نیمه بسته ارائه شده اسـت (احمـدی، ۱۳۷۵: ۴۴). طبق ماده ۱۲۲ کنوانسیون دریاها، اگر دریایی میان چند کشور محاط باشد، در صورتی مشمول ضوابط کنوانسیون حقوق دریاها می شود که یک آبراه طبیعی – حتی یک رودخانه – به دریای آزاد یا اقیانوس داشته باشد. یکی از موارد اختلاف در مورد دریاچه خزر همین آبـراه اسـت. هـر چند چنین آبراهی وجود دارد، گروهی معتقدند اتصال دریاچه خزر از طریق کانال های رودخانه ولگا به آبراه های آزاد مجرایی طبیعی به شـمار نمـی رود، بلکـه سـاخته دسـت روس هاسـت. بنابراین، خزر به عنوان یک دریای بسته در نظر گرفته می شود و مشـمول کنوانسـیون حقـوق دریاها نمی شود و باید با اجماع کشورهای اطراف، رژیم حقوقی آن تعیـین شـود (حـافظ نیـا و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰).

از یک سو، کشورهای ساحلی برای رسیدن به اجماع به منظور تعیین رژیم حقوقی چاره ای جز مراجعه به برخی مواد کنوانسیون ها ندارند. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین الملل دریاهـا، در واقع فرموله کردن قواعد حقوقی عوارض جغرافیایی در محیط های دریایی است. از سوی دیگر، در بین عوامل جغرافیایی، مولفه ژئومورفولوژیکی بیشترین کاربرد را در تدوین مواد مقولـه نامـه مذکور داشته است. البته عوامل ژئومورفولوژیکی بیشتر به شکل ساختاری در کنوانسیون عمـل می کنند. به علاوه، در دریای خزر در صورت اعمال کنوانسیون یـا هرگونـه تـوافقی نقـش ایـن عوامل بسیار زیاد است، زیرا کشورهای ساحلی دریای خزر از نظر دسترسی بـه ایـن پدیـده هـا بسیار متفاوت اند. عوامل ژئومورفولوژیکی مانند شکل ساحل، طـول سـاحل، شـکل خلـیج هـا،

جزایر، برآمدگی های جزری، دهانه رودها و لنگرگاه های طبیعی در تعیین خط مبدأ مستقیم و گسترش مناطق دریایی کشورهای ساحلی تدثیر بسزایی دارد. همچنین شکل بستر، شیب بستر و نوع رسوبات در توزیع و پراکندگی منابع دریایی و بهره برداری از آن ها مؤثر است و موجب افزایش قدرت چانه زنی کشورها و عدم توافقات اولیه بین آن ها در تعیین رژیم حقوقی می شود. همچنین دریای خزر به دلیل داشتن منابع زیاد فسیلی و غیرفسیلی به ویژه در فلات قاره مورد توجه کشورهای ساحلی بوده است و این امر تاکنون موجب سهم خواهی بیشتر کشورهای ساحلی و اختلافات و مناقشات بین آن ها برای تعیین مرزهای دریایی می شود. این موضوع رژیم استقرار حقوقی را در ۲۰ سال گذشته دچار چالش کرده بود (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹).

پس از سال ها و با توجه به اینکه کشورهای ساحلی هر یک بر اساس شناخت نسبتاً دقیقی که از عوامل ژئومورفولوژیکی و متعاقب آن ضعف ها و قوت هایشان پیدا کرده بودند لذا راهبرد مناسبی را برای تسریع در روند استقرار رژیم حقوقی دریای خزر به کار بستند که این راهبرد نهایتاً در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ پنج کشور ساحلی دریای خزر را به یک نقطه مطلوب در مقایسه با گذشته در زمینه تعیین رژیم حقوقی رساند.

۳- داده های تحقیق

۳ -۱- خزر از دریچه تاریخ، جغرافیا و اقتصاد

خزر بزرگ ترین دریاچه دنیاست؛ آبراه طبیعی به دریاهای آزاد و یا اقیانوس ها ندارد و فقط از طریق کانال های ایجاد شده بر رودخانه ولگا، به دریای سیاه متصل می شود (آقایی، ۱۳۷۴: ۵۶). دریاچه خزر به لحاظ موقعیت جغرافیایی و رویدادهای تاریخی، اسامی مختلفی داشته است. قدیمی ترین نام آن، «هیرکانا» بوده که بعداً به اسامی دیگری چون «آبسکون»، «دریای طبرستان»، «دریای قزوین»، «دریای دیلم»، «دریای گرگان»، «دریای ساری» و «دریای مازندران» تغییر نام داده است. اروپاییان به دلیل همجواری قوم «کاسپی» با این دریاچه، آن را «دریای کاسپین»نامیده اند. اکنون رایج ترین نام این دریاچه، «دریای خزر» است که به علت سکونت قوم «خزر» در کنار آن، بدین نام خوانده می شود (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

دریاچه خزر ابعادی به طول ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ کیلومتر و عرض ۲۰۲ تـا ۵۵۴ کیلـومتر دارد. وسعت آن نیز از ۳۷۱۰۰۰ تا ۴۶۳۲۴۴ کیلومتر مربع متغیر بوده اسـت. مجمـوع سـواحل خـزر حدود ۶۳۷۹ کیلومتر است که ۶۴۰ کیلومتر آن، بـه ایـران تعلـق دارد کـه در بـین کشـورهای ساحلی دریای خزر کم ترین نوار ساحلی است. عمق این دریاچـه بـه طـور متوسـط ۱۸۰ متـر است، ولی در عمیق ترین نقاط به ۹۸۰ متر نیز می رسد. سطح آب دریای خزر، ۲۸ متر پـایین تر از سطح آب های آزاد است. همچنین به دلایلی چون تبخیر زیاد، یک جریـان چرخشـی بـر خلاف جهت عقربه های ساعت در این دریاچه وجـود دارد. ایـن دریاچـه دارای جزایـر بسـیاری است که همه به صورت فلات شنی بوده و محل مناسبی برای زندگی مرغان دریـایی محسـوب می شوند. شبه جزیره میانکاله در نزدیکی بندر تـرکمن و جزیـره غازیـان در بنـدر انزلـی از آن جمله اند. در شرق خزر خلیجی به نام خلیج قره بغاز قرار دارد که هیچ رودی به آن نمی ریزد و به همین دلیل میزان تبخیر آن بسیار بالا بوده تا حدی کـه سـطح آن حـدود ۴ متـر از سـطح دریاچه خزر پایین تر است؛ لذا همیشه آب به سوی آن جریان دارد. در سال ۱۳۸۶ روس ها بـه بهانه تنظیم سطح آب دریای خزر، دهانه این خلیج را مسدودکردند که باعـث پیشـروی آب بـه اراضی کشورهای ساحلی تا حدود ۳۲۰۰۰ کیلومتر مربع و بالا آمدن آب دریاچه به اندازه ۲ متر شد. همچنین این امر باعث ویران شدن بنادر، تأسیسات صنعتی، اراضی کشاورزی و زمین های ساحلی در اطراف دریای خزر شده بود. در سواحل ایران نیز پیشروی آب حدود ۲۰ متر گزارش شد (یاکوشیک و فرزین نیا، ۱۳۷۷: ۲۱).

در مورد میزان منابع هیدرو کربنی دریای خزر گمانـه هـای متفـاوتی مطـرح شـده اسـت. براساس اعلام منابع اروپایی و آمریکایی و سازمان انرژی جهانی در مجموع ذخـایر تأییـد شـده این دریا شامل حدود ۵۰ میلیارد بشکه نفت و حدود ۲۶۰تریلیـون فـوت مکعـب گـاز طبیعـی است. قزاقستان با بیشترین ساحل در دریای خزر (حدود ۱۶۰۰کیلومتر) بیشترین ذخایر نفتی را در مقایسه با ترکمنستان و آذربایجـان در اختیـار دارد و گفتـه مـی شـود مهـم تـرین کشـور تولیدکننده نفت در منطقه خزر در سال های آتی خواهـد بـود (دنیـای اقتصـاد، ۱ دی ۱۳۹۵). ذخایر نفتی دریای خزر ممکن است از نظر کمی قابل مقایسه با ذخایر نفتی خلیج فارس نباشد ولی از نظر کیفی شایان توجه است و می تواند برای منابع انرژی در قرن ۲۱ جایگزینی مناسب

باشد و همین مسئله سبب تنوع ژئوپلیتیک عرضهٔ نفت می شود (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۹۵).

دریای خزر با رودهایی که به آن وارد می شود و با حدود ۴۰ گونه ماهی با اهمیت اقتصادی زیاد یک منبع مهم آبی برای کشورهای ساحلی و سکونت گاه حدود ۹۰ درصد ماهیان خاویاری است. حدود ۱۰۰ گونه ماهی و یک گونه پستاندار دریایی (فوک) و ۷۸۲ گونه و زیرگونه گیاه دریایی در خزر شناسایی شده است. این دریا در عرصه موجودات زنده آبی در بین دریاهای جهان تنوع جانوری زیادی دارد. منطقه خزر از نظر بین المللی به دلیل شیلاتش مشهور است (دانشیار، ۱۳۹۱: ۱۶). شایان ذکر است دریای خزر بزرگ ترین جمعیت ماهی های استروژن را که تخم شان در قالب خاویار مصرف می شود، در خود جای داده است. گرانترین خاویار دریای خزر از تخم های نوعی استروژن کمیاب بی رنگ است که زیستگاهش جنوب دریای خزر است. هم اکنون ۹۰ درصد خاویار جهان از این دریا صید می‌شود (خبرگزاری صداو سیما، ۲۱ مرداد ۱۳۹۷).

۳-۲- پیشینه حقوقی رژیم حاکم بر دریای خزر

نخستین قراردادها و عهدنامه های مربوط به دریای خزر به اوایل قرن هجدهم میلادی باز می گردد. در آن زمان امپراطوری روسیه با سوءاستفاده از ضعف حکومت مرکزی ایران و به بهانه سرکوب شورشیان در صدد بود تا تمامی خطوط ساحلی دریای خزر را در قلمرو حاکمیت خویش قرار دهد که این امر منجر به امضای قراردادی میان شاه طهماسب دوم و پتر کبیر در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳ در سن پترزبورگ شد. با بازگشت دوباره اقتدار به حکومت مرکزی ایران در عهد نادرشاه و با رو به ضعف نهادن قدرت امپراطوری روسیه اوضاع به نفع ایران شد و دو فقره قرارداد، یکی در رشت به سال ۱۷۳۲ و دیگر در گنجه در سال ۱۷۳۵ امضا شد و بدین ترتیب لشگریان روسیه مناطق تحت تصرف خود در سواحل جنوبی دریای خزر را تخلیه کردند.

در مورد دریای خزر و شرایط استفاده کشورهای همجوار از آن رژیم های شش گانه ای قابل شناسایی است:

۳-۲-۱- معاهده گلستان

تا قبل از امضای عهدنامه گلستان، طرفین هیچ سند حقوقی دیگری که حاوی نکاتی در مورد نحوه استفاده از دریا باشد، امضا نکرده بودند؛ لذا عهدنامه گلستان را می توان آغاز تاریخچه حقوقی دریای خزر دانست. دولت ایران که در زمان قاجاریان و عهد فتحعلی شاه به سبب تعرض دولت امپراطوری تزار روس مجبور به واگذاری بخش هایی از سرزمین خود از ناحیه شمال غربی متمرکز در ناحیه قفقاز جنوبی شامل جمهوری آذربایجان کنونی و گرجستان شد، در قالب عهدنامه ای به نام گلستان شرایط فیمابین دولتین روس و پادشاهی مطلقه قاجار را پذیرفت. در عهدنامه گلستان که پس از شکست ایران از روس در ۲۵ اکتبر سال ۱۸۱۳ میلادی برابر با ۳ آبان ۱۱۹۳ شمسی منعقد شد، ایران پهنه‌ای وسیع از خاک خود را که وسعتی از آن به دریای خزر کران مند می‌شد را از دست داد که با قوانین امروزی می‌توانست سهم بیشتری را برای ایران تضمین کند. بر اساس فصل ۵ عهدنامه گلستان که دریای خزر تا جزیزه آشوراده مازندران به دولت تزار واگذار شد، کشتی‌های تجاری ایران با شروطی آزادی رفت و آمد دارند ولی ایران از داشتن هرگونه کشتی جنگی در دریای خزر منع شد و این حق فقط در انحصار دولت روسیه قرار گرفت (میر گلوی بیات، ۲۷ مرداد ۱۳۹۷).

۳-۲-۲- معاهده ترکمنچای

با فاصله اندکی از عهدنامه گلستان، عهدنامه ترکمنچای در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ برابر با اول اسفند ۱۲۰۶ شمسی بین ایران و روسیه منعقد می شود که علاوه بر واگذاری قسمت های بیشتری از خاک دولت ایران از همان ناحیه شمالی به روس های تزاری در مناطق ارمنستان و نخجوان سرحدات رود ارس منطقه مرزی بین دو دولت تعیین شد. در فصل هشتم عهدنامه ترکمنچای که به تبع آن بخش‌هایی از خاک ایران در مجاورت دریای خزر از آن جدا شد چنین می خوانیم: «سفاین (کشتی ها) تجارتی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر به طول سواحل آن سیر کرده به کناره های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتی‌های تجارتی ایران را استحقاق خواهد بود که به قرار سابق در بحر خزر سیر کرده، به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتی به همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین

حربیه (کشتی های نظامی) که علم های عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفراد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند، لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق امروز به اطمینان به ایشان وارد می شود، به نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمی تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد» (میر گلوی بیات، ۲۷ مرداد ۱۳۹۷).

در این عهدنامه نیز همانند عهدنامه گلستان ایران از حق تردد کشتی‌های جنگی در دریای خزر محروم ماند. در متن عهدنامه ترکمنچای نیز ارفاقی بر حق ماهیگیری در خطوط ساحلی خود به دولت ایران داده شد که این تنها امتیاز از دریای خزر تا فروپاشی دولت پادشاهی تزاری رومانف ها به دولت ایران بود. اما نکته حائز اهمیت در این دو معاهده عدم تعیین مرزهای آبی بین ایران و روسیه بود و آنچه که مشخص است دست بالای روسیه در هر دو معاهده می باشد.

۳-۲-۳- عهدنامه مودت ۱۹۲۱

در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱میلادی برابر با ۸ اسفند ۱۲۹۹، دولت جدید انقلابی در روسیه که خود را به نام جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه می‌خواند با انعقاد عهدنامه‌ای کلیه محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در عهدنامه ترکمانچای را ملغی نموده و دو طرف توافق نمودند که ایران و روسیه در امر کشتیرانی در لوای پرچم‌های خود از حقوق برابر بهره‌مند خواهند شد. در فصل یازدهم این معاهده آمده است: «نظر به این که مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه، عهدنامه منعقده ما بین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است، لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتی رانی آزاد در زیر بیرق های خود در بحر خزر را داشته باشند». به موجب فصل ۱۱ قرارداد ۱۹۲۱میلادی طرفین حق دارند در کلیه نقاط دریای مازندران بالسویه به کشتیرانی آزاد بپردازد و هیچ‌گونه محدودیتی برای حرکت کشتی‌های طرفین در دریای مازندران وجود ندارد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

۳-۲-۴- عهدنامه ۱ اکتبر ۱۹۲۷

موافقت نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخ اول اکتبر ۱۹۲۷میلادی برابر با ۸ مهر ۱۳۰۶ در خصوص صید ماهی در ساحل جنوبی دریای خزر به اضافه پروتکل‌ها و یادداشت‌های مبادله‌شده نیز از جمله اسناد مبادله‌شده ما بین دو کشور است (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

۳-۲-۵- عهدنامه ۲۵ مارس ۱۹۴۰

یکی از مهمترین قراردادهای مربوط به این بحث، قرارداد بازرگانی ایران و شوروی در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میلادی برابر با ۵ فروردین ۱۳۱۹ است که بر برابری حاکمیت دو کشور تأکید دارد. این قرارداد بعد از قرارداد ۱۹۲۱ مجدداً برابری در آزادی کشتیرانی دو کشور را مورد تأکید قرار می‌دهد. این اصل، هیچ‌گاه بعد از ۱۹۹۱ میلادی مورد تردید واقع نشده است. معاهده با برابری رفتار نسبت به پرچم های دو کشور، اعمال حاکمیت مشترک را مورد تأیید قرار می دهد؛ زیرا پرچم هر کشوری نماد حق حاکمیت آن دولت است و پذیرش اعمال و رفتار یکسان در قبال پرچم های هر دو کشور در دریای خزر، بیانگر این واقعیت است که دو کشور در پهنه آب‌های خزر دارای حق حاکمیت برابر هستند. در همین معاهده، مجوزهای دریانوردی صادره توسط هر یک از دو دولت ساحلی پذیرفته است. با توجه به مقررات معاهده ۱۹۴۰میلادی، فعالیت شرکت مختلط ایران و روسیه که در ۱۹۲۷میلادی تأسیس شده بود، به آب‌های ماورای منطقه انحصاری ماهیگیری محدود شد. دولت ایران پس از انقضای مدت قرارداد در سال ۱۹۵۳میلادی از تمدید آن خودداری کرد. نظام حقوقی ماهیگیری به صورتی که در طول تاریخ مناسبات دو کشور ساحلی شکل گرفته و تا به امروز هم ادامه دارد، یک نظام مخصوصی است که مبنای قراردادی دارد و با آنچه دریاهای بسته و نیمه بسته محل می شود، متفاوت است. در قرارداد ۱۹۴۰ صرفنظر از یک نوار ده مایلی ساحلی که به طور انحصاری به کشور ساحلی تعلق دارد، صید ماهی در بقیه دریا برای هر دو کشور آزاد است. در قرارداد ۱۹۴۰ هم اصل تساوی حقوق دو کشور، اساس قرارداد است(قبادزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

۳-۲-۶- رژیم کاندومینیوم یا حاکمیت مشاع

سرانجام، نظام حقوقی دریای خزر بر مبنای معاهدات فوق الذکر، حاکمیت مشاع بود، به این معنا که به جز منطقه انحصاری مشخص شده برای هر یک از طرفین، در سایر مناطق حق بهره‌برداری از تمام دریا برای طرفین محفوظ است. این رژیم در ساختار حقوق بین‌الملل چندان متداول نیست ولی از دید حقوق بین‌الملل، نظام حاکمیت و بهره‌برداری مشترک میان چند کشور از سوی دیوان بین المللی دادگستری به رسمیت شناخته شده است. کاندومینیوم در مفهوم گسترده‌اش، گونه‌ای اشتراک و هم‌پیمانی میان کشورها در رابطه با یک پهنه سرزمینی است که می تواند برآیند دگرگونی‌ها و شرایط تاریخی میان دو یا چند کشور در گذشته یا متوجه آینده رژیم حقوقی آن پهنه سرزمینی باشد. گاهی نیز از رژیم کاندومینیوم با عنوان رژیم حقوقی «مالکیت مشترک» که در حقوق داخلی عنوان «مالکیت مشاع» دارد، یاد می‌شود (یزدانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

پیشنهاد برقراری رژیم کاندومینیوم برای دریای مازندران بیشتر از سوی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان دنبال شده است. دولت روسیه تا ۱۹۹۸ میلادی در مواضع رسمی خود بر رژیمی مبنی بر بهره‌برداری مشترک از دریای مازندران تأکید می کرد. بر پایه رژیم مشاعی، هر پنج کشور در ذخایر فلات قاره دریای مازندران سهیم هستند و به گونه معمول بخشی از فلات قاره نزدیک سواحل هر یک از کشورها بخش اختصاصی آن ها بوده و منابع آن تنها از آن کشور مربوط خواهد بود و آنچه می‌ماند، به هر پنج کشور تعلق خواهد داشت، اندازه بخش اختصاصی می‌تواند بر پایه تعاریف بین‌المللی یا روشی ویژه که مورد توافق پنج کشور باشد، تعیین شود. نکته مهم در این روش، چگونگی تقسیم منابع در بخش مشاع و نیز اندازه بخش اختصاصی است (احمدی پور، ۱۳۷۶: ۴۰).

۳-۲-۷- پس از فروپاشی شوروی

در دهه ۱۹۸۰ آثار فروپاشی شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱ این کشور رسما منحل و به چند کشور تجزیه شد. کشورهای تشکیل دهنده شوروی پیشین با حفظ استقلال خود در جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع عضو شدند. تا قبل از فروپاشی، شوروی یک دولت واحد بود که شریک ایران محسوب می شد و مسأله تقسیم حاکمیت دریای خزر، بین

جمهوری های ساحلی آن تا حد زیادی نادیده گرفته شده بود. هر چند که به طور رسمی، جمهوری‌هایی که اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می‌دادند از منابع و ذخایر خزر بر طبق اصل تقسیم از وسط بهره‌برداری می‌کردند و این عمل نیز از دهه هفتاد انجام می‌گرفت، اما مرز آبی دقیقی بین آن ها تعیین نشده بود. فروپاشی شوروی این مسأله حل نشده را به موضوعی قابل بحث تبدیل کرد. جمهوری ها بلافاصله پس از استقلال، شروع به تقسیم دوفاکتو دریا نمودند(تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

سؤال اصلی این است که آیا چهار دولت جدیدی که در سواحل خزر پدیدار شدند، جانشین دولت شوروی محسوب می شدند یا نه. قاعده کلی این است که وقتی دولت جدیدی در عرصه بین‌المللی ظهور می‌کند، بر اساس اصل «جانشینی دولت‌ها» متعهد به مفاد معاهداتی که دولت سلف خود منعقد کرده نمی‌باشد، زیرا دولت جدید طرف معامله نبوده و دلیلی هم بر الزام او بر این کار وجود ندارد. این اصل را «اصل عدم انتقال» یا «دکترین لوح پاک» می نامند که هم در مورد دولت‌های تازه استقلال‌یافته و هم در مورد دولت‌هایی که در اثر تجزیه یا ترکیب پدید می‌آیند صادق است(شریفیان، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۳-۳- کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر

آخرین رژیم حقوقی در خصوص دریای خزر، کنوانسیونی است که اخیراً مورد توافق پنج کشور ساحلی قرار گرفت. پس از ۲۱ سال گفتگو و هزاران ساعت بحث و بررسی و مذاکره کشورهای حاشیه دریای خزر، سرانجام بعداز ظهر یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر» به همراه شش سند همکاری دیگر شامل موافقتنامه های حمل و نقل و ترانزیت، تجاری و اقتصادی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با جرایم سازمان یافته، تعامل و همکاری های مرزبانی و پیشگیری از درگیری های نظامی در بندر آکتائو قزاقستان به امضای سران کشورهای روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان رسید.

در سند مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر خط مبدأ و تحدید حدود، مشخص نشده بلکه همانند قانون اساسی صرفاً یک کلیاتی در آن مشخص شده است. چرا که تحدید حدود دریای خزر از جمله مسائل پیچیده ای است که به زودی و در کوتاه مدت نمی توان انتظار حل و فصل آن را داشت. کما اینکه در حال حاضر از نهادهای مختلف پنج کشور حاشیه دریای خزر، تیم

های کارشناسی در حال مذاکره بر روی تحدید حدود بستر و زیر بستر و همچنین تعیین خطوط مبدا و شیوه های آن هستند. در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر دو نکته مهم به چشم می خورد: نخست اینکه هیچ کشوری غیر از ۵ کشور حاشیه دریای خزر حق حضور در دریای خزر را نداشته و نخواهند داشت و حتی اگر بخواهند کشتیرانی کنند باید کشتیرانی آن ها با پرچم یکی از ۵ کشور ساحلی باشد. مهم تر اینکه ۵ کشور توافق کردند که از قلمروشان برای حمله به دیگر کشورها استفاده نشود. در این توافق از لفظ تریتوری[1] استفاده شده است که همه ابعاد آب و خاک را شامل می شود. لذا توافق بر انحصار حضور و دریانوردی هرگونه شناور صرفاً با پرچم یکی از کشورهای ساحلی و همچنین ممنوعیت حضور و عبور نیروهای نظامی بیگانه و غیر ساحلی، از نقاط مثبت کنوانسیون اخیر بوده است.

۳-۳-۱- فرصت ها و چالش های کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر

اولین نکته در ارزیابی کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر این است که باید توجه داشت، خزر یک دریاچه است که طبیعتاً رژیم حقوقی آن خاص و ویژه خودش می باشد و با رژیم حقوقی دریاهای آزاد مندرج در کنوانسیون سال ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز متفاوت است. آنچه که تحت عنوان کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر روز ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ به امضای پنج کشور ساحلی رسید، با الگو برداری از رژیم حقوقی سایر دریاچه ها و استفاده از مفاد کنوانسیون حقوقی دریاها و تطابق آن ها با وضعیت دریای خزر است که موجب تنظیم یک رژیم حقوقی خاص و منحصر به فرد برای خزر شده است.

در همین حال اولین پرسشی که درباره این کنوانسیون اخیر به ذهن می رسد، در خصوص اعتبار قراردادهای پیشین در مورد دریای خزر میان ایران و شوروی سابق است، از طرفی این معاهدات به طور رسمی ملغی یا منسوخ نشده و از طرف دیگر، بسیاری از مقررات آن قابلیت اجرایی خود را از دست داده است. به نظر می رسد، معاهدات قبلی به میزانی دارای اعتبار است که با کنوانسیون و موافقت‌نامه‌های دیگر میان طرف‌ها، اعم از دوجانبه یا چندجانبه مغایر نباشد و مفاد این معاهدات می‌تواند در تفسیر کنوانسیون در موارد ذی‌ربط مورد استفاده قرار گیرد. البته این معاهدات کمکی به تبیین وضعیت حقوقی دریای خزر و یا تحدید حدود بستر و زیر بستر نمی‌کند.

[1]- به معنی قلمرو و سرزمین

نقاط مهم قوت و ضعف کنوانسیون مذکور را به شرح ذیل می توان مورد شناسایی قرار داد:

۳-۳-۱-۱- نقاط قوت

• رسیدن مذاکرات پس از ۲۱ سال به یک نقطه مطلوب

کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر از آن جهت که سرانجام بعد از دو دهه مذاکرات بین کارشناسان، نمایندگان کشورها در امور خزر و اجلاس های متعدد در سطح معاونین و ورزای امور خارجه و حداقل پنج نشست رسمی در سطح سران به متنی رسیده است که زمینه ساز رفع اختلاف های موجود و فراهم کننده بسترهای مناسب برای همکاری در زمینه های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و زیست محیطی و علمی شده است گامی اساسی و رو به جلو برای هر پنج کشور محسوب می شود. این مسأله بویژه از آن جهت اهمیت دارد که جنبه های مثبت دو قرار داد مهم و پایه رژیم حقوقی دریای خزرکه در سال های ۱۹۲۱ میلادی (۱۲۹۹ شمسی) و ۱۹۴۰ میلادی (۱۳۱۹ شمسی)، بین ایران و شوروی سابق امضاء شده بود از جمله مشاء بودن سطح دریای خزر برای کشتیرانی هر پنج کشور در این کنوانسیون وارد شده و موارد منفی آن دو قرارداد بویژه فصل ششم و هفتم قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (۸ اسفند ۱۲۹۹) بین ایران و روسیه که ناقض حاکمیت ملی ایران بود، کنار گذاشته شده است.

• ارتقاء امنیت ملی کشورهای ساحلی

یکی از نقاط قوت و از فرصت های بزرگ این کنوانسیون، در نظر گرفتن مقررات ویژه برای کشورهای دارای سواحل خاص است که برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. در ماده یک که ۱۵ مفهوم کلیدی کنوانسیون را تعریف کرده درباره تعریف دریای خزر آمده است: «دریای خزر توده آبی محصور شده به وسیله قلمرو خشکی طرف‌ها و ترسیم شده بر روی نقشه‌های ناوبری دریایی منتشره توسط اداره کل ناوبری و اقیانوس‌شناسی وزارت دفاع فدراسیون روسیه، سن پترزبورگ، با مقیاس ۱.۷۵۰۰۰۰به شماره ۳۱۰۰۳، نشر آرشیوی مورخ ۱۹۹۷.۴.۱۷، منتشر شده درسال ۱۹۹۸، شماره ۳۱۰۰۴، نشر آرشیوی مورخ ۱۹۹۸.۷.۴، منتشر شده در سال ۱۹۹۹؛ شماره ۳۱۰۰۵، نشر آرشیوی مورخ ۱۹۹۶.۱۱.۱۶، منتشر شده در سال ۱۹۹۸ که رونوشت مصدق آن ها پیوست این کنوانسیون و جزء لاینفک آن می‌باشد». از

آنجا که خزر براساس این تعریف یک توده آبی محصور در خشکی ذکـر شـده مشـمول حقـوق دریاها نمی شود و از جهت آنکه در عمل دریای خزر در چارچوب حقوق دریاچـه هـا قـرار مـی گیرد امری مثبت است. زیرا مانع از آمد و شد کشتی های سایر کشورها بدون هماهنگی با پنج کشور ساحلی می شود و بر اساس ماده سوم بند یازدهم منحصر به کشـتی هـایی اسـت کـه از پرچم یکی از کشورهای ساحلی استفاده کنند(بهشتی پور، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷).

به عنوان مثال هیچ کشوری غیر از ۵ کشور دریای خزر حق حضور در دریای خزر را ندارد و حتی اگر می خواهند کشتیرانی کنند باید کشتیرانی آن ها با پرچم یکی از ۵ کشور باشد. ضمن اینکه ۵ کشور توافق کرده اند که از قلمروشان برای حمله به دیگر کشـورها اسـتفاده نشـود. در این توافق از لفظ «تریتوری» استفاده شده است که به معنای قلمرو بوده و همه ابعاد آب خـاک و هوا را دربر می‌گیرد.

به بیان ساده تر ممنوعیت رفت و آمد کشتی ها و نیروهای نظـامی خـارجی در ایـن دریـا و اینکه دریانوردی در خزر تنها زیر پرچم پنج کشور ساحلی امکان پذیر اسـت و همچنـین ملـزم بودن کشورها به اینکه قلمرو خود را برای عبـور و یـا تجـاوز بـه سـایر کشـور در اختیـار سـایر کشورهای بیگانه قرار ندهند، مزیت مهمی است که امنیت ملی کشورهای حاشیه دریای خزر را ارتقاء خواهد بخشید. این بخش از کنوانسیون به ویژه دولت الهـام علـی‌اف را خطـاب قـرار داده است که در سال‌های اخیر به بهانه اثبات حق حاکمیت باکو بر میـدان نفتـی «آلـو» در جنـوب خزر، ناوهای آمریکایی را به بنادر جمهوری آذربایجان دعـوت و چهـره منطقـه را نظـامی کـرد. همچنین این موضوع یعنی عدم احداث پایگاه نظامی بیگانگان در کشورهای ساحلی، به‌خصوص با توجه به نگرانی شدید روسیه و تا حدودی ایران از احتمال واگـذاری بنـادر کوریـک و آکتـائو توسط دولت قزاقستان (متحد نزدیک مسکو) به آمریکا به بهانه انتقال تدارکات ازطریق ایـن دو بندر ساحل خزر برای نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان که دولت پوتین آن اقـدام دولـت نورسلطان نظربایف را معادل احداث پایگاه نظامی آمریکا در خزر تلقی کرده اسـت، بـه تصـویب رسید (حجت زاده، ۸ شهریور ۱۳۹۷).

• فرصت سازی برای تبدیل خزر به دریای صلح و دوستی

در ماده یازدهم کنوانسیون رژیم حقوقی خزر که تفصیلی ترین ماده این کنوانسیون محسوب می شود چهل موضوع مهم در۱۶ بند که بعضی از بندها خود شامل چند موضوع می شود به موارد مهمی در باره کشتیرانی و حق انحصاری استفاده از پرچم کشورهای ساحلی کشورها در خزر به تفصیل پرداخته است. همچنین درباره موضوع برگزاری رزمایش و استفاده از تجهیزات نظامی در خزر به موارد مهمی اشاره دارد. این ماده و بندهای مربوط به آن از جهت آن که به نوعی حضور نیروی نظامی بیگانه در خزر را منع می‌کند، نقطه قوت بسیار مهمی برای این کنوانسیون محسوب می شود که می تواند به تبدیل شدن خزر به دریای صلح و دوستی کمک کند.

• اجازه عبور لوله های نفت و گاز از بستر خزر

اجازه عبور لوله های نفت و گاز از بستر خزر که در ماده ۱۴ به رسمیت شناخته شده است می تواند یک فرصت باشد. به این خاطر که به ترکمنستان اجازه می دهد بتواند از خزر برای صادرات گاز استفاده کند. این موضوع اگرچه ممکن است برای ایران مطلوب نباشد، زیرا ایران ترجیح می دهد گاز ترکمنستان ازایران به ترکیه و اروپا منتقل شود، اما در واقع می تواند فرصتی برای همکاری سه جانبه بین ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان هم باشد، زیرا برای تداوم همکاری های منطقه ای گره زدن منافع اقتصادی به یکدیگر می تواند پایداری همکاری ها را در سایر زمینه ها تضمین کند. در همین حال این موضوع یک نوع تهدید هم برای آلودگی محیط زیست خزر محسوب می شود. به ویژه که ممکن است با زمین لرزه های احتمالی به فاجعه زیست محیطی تبدیل شود. با این حال در ماده ۱۴ بند دوم کنوانسیون تأکیده شده «مشروط بر آن که پروژه‌های آن ها با استانداردهای زیست‌محیطی و الزامات مندرج در موافقتنامه‌های بین‌المللی که طرف‌ها عضو آن هستند از جمله کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر و پروتکل های مربوطه آن مطابقت داشته باشد». این خود تا حدودی می تواند نگرانی های موجود را در صورتی که ملاحظات زیست محیطی از سوی طرفهای مجری پروژه ها و بهره برداران و کشورهای ذی نفع بطور کامل در نظر گرفته شد، کاهش دهد (بهشتی پور، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷).

• تعیین تکلیف نحوه بهره برداری منابع نفتی و گازی

موضوع مثبت دیگر که در این کنوانسیون تکلیف آن مشخص شده، بهره برداری از منابع نفتی است که اگر مورد منازعه نباشد، توسط خود کشورها مورد بهره برداری قرار می گیرند و در خصوص منابع مشترک یا مورد اختلاف هم اساس بر توافق کشورها در بهره برداری از آن است و اگر توافق حاصل نشود، کشورها حق بهره برداری از آن منابع را نخواهند داشت. لذا کنوانسیون خزر از جهت اینکه منابع نفت و گاز را به عنوان مهم ترین موضوع در حدود سرزمینی تعیین تکلیف کرده است راه را برای همکاری های آینده باز کرد. به ویژه که کلیه طرف ها پذیرفته اند در مناطق مورد اختلاف دست به اکتشاف یا بهره برداری در زمینه نفت و گاز نزنند تا آنکه بعداً یا محدوده های مورد اختلاف تعیین تکلیف شوند و یا بر سر بهره برداری مشترک به توافق برسند.

۳-۳-۱-۲- نقاط ضعف و چالش ها

• تعیین نشدن خط مبدأ و حدود بستر و زیر بستر

مهمترین نقطه ضعف در خصوص این کنوانسیون مسئله خط مبدأ و تعیین حدود بستر و زیربستر است. تعیین خط مبدأ یعنی نقطه‌ای که مناطق دریایی آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، منطقه انحصاری ماهیگیری و پهنه مشترک از آن اندازه‌گیری می‌شود. خط مبدأ عادی چندان دشوار نیست و پایین ترین سطح جزر آب ملاک است. اما خط مبدأ مستقیم بیشترین میزان از آب های داخلی را برای کشور ساحلی به همراه دارد. خط مبدأ مستقیم دورترین نقاط تورفتگی خشکی در دریا را به هم متصل می‌کند. این خط باید به گونه‌ای ترسیم شود که با مسیر کلی ساحل سازگار باشد. از همین رو، مطابق کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، توافق درباره شیوه تعیین خطوط مبدأ مستقیم به موافقت‌نامه جداگانه میان همه طرف‌ها موکول شده است. شاید این مسئله مهم‌ترین چالش در مذاکرات آتی باشد. در حقیقت عدم تحدید حدود دریای خزر مهم ترین چالش کنوانسیون است که به این زودی ها نیز حل نمی‌شود.

بنابراین کنوانسیون خزر با آنکه درباره بیش از نود درصد موضوع های مهم تعیین تکلیف کرده اما ده درصد باقی مانده بسیار مهم و تاثیرگذار است. از جمله تعیین خطوط مرزی آبی

بین ایران و جمهوری آذربایجان و ایران وترکمنستان و تعیین مبدا سرزمینی برای این سه کشور در خزر تاثیر تعیین کننده برای هر سه کشور در آینده دارد. به نظر می رسد مذاکرات سختی در این زمینه در پیش باشد (بهشتی پور، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷).

• عدم ورود به جزئیات در کنوانسیون

یکی از نقاط ضعف کنوانسیون خزر این است که به خاطر به نتیجه رسیدن مذاکرات، طرف های مذاکره کننده تلاش کردند در موارد حساس که احتمال بروز اختلاف وجود داشت، از وارد شدن به جزئیات خودداری کنند. در نتیجه در موارد مهمی که باید برای جلوگیری ازسوءتفاهم آینده و تفسیرهای گوناگون وارد جزئیات می شدند، به بیان کلیات اکتفاء کردند. به عنوان نمونه در ماده دوم بند ۲ می خوانیم: «این کنوانسیون حقوق و تعهدات طرف ها در مورد استفاده از دریای خزر شامل آب‌ها، بستر، زیربستر، منابع طبیعی آن و فضای هوایی بر فراز دریا را تعیین و تنظیم می کند». اما در متن هیچ اشاره به این موضوع نمی شود که حقوق و تعهدات طرف ها در بستر و زیر بستر چگونه تعیین می شود و اگر مذاکرات به نتیجه نرسید چه باید کرد (بهشتی پور، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷).

۳-۴- پاسخ به یک شبهه

یکی از شبهات و ابهاماتی که همزمان با امضای کنوانسیون حقوقی اخیر دریای خزر، در بین افکار عمومی و عمدتاً از طرف گروه های معاند خارج نشین به ویژه منافقین و سلطنت طلبان به آن دامن زده شد، این بود که دولت ایران از حقوق مالکیت ۵۰ درصدی خود بر دریای خزر عقب نشینی کرده و آن را به ۱۱ الی ۲۰ درصد رسانیده است. استدلالی هم که برای باورندان و قبولاندن این فرضیه آورده می شد این بود که ایران و شوروی سابق، به عنوان دو کشور ساحلی دریای خزر، هر کدام مالک ۵۰ درصد از این دریا بوده‌اند و در معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز که بین دو کشور امضا شده، این مالکیت ۵۰ درصدی به رسمیت شناخته شده است.

اگر بخواهیم بر اساس واقعیت حقوقی و میدانی و نه صرفاً احساسات و حب و بغض های سیاسی موضوع را بررسی کنیم باید به دو نکته توجه کنیم:

نکته اول؛ اگر خزر، یک دریای دایره شکل بود و ایران و شوروی در دو طرف این دایره به طور مساوی ساحل داشتند، طبق منطق و مقررات بین المللی، مالکیت هر کدام بر این دریا، ۵۰ درصد بود و هر گونه تغییری در جغرافیای سیاسی شوروی نمی توانست به ۵۰ درصد ایران خللی وارد کند. اما واقعیت جغرافیا که مقابل چشمان همه است، چیز دیگری است؛ دریای خزر، ۶۵۰۰ کیلومتر خط ساحلی دارد. از این میزان، ۵۸۴۳ کیلومتر متعلق به شوروی بود و تنها ۶۵۷ کیلومتر آن برای ایران است. حال چگونه و بر اساس کدام منطق عقلی و قاعده بین المللی می توان پذیرفت کشوری که ۹ برابر دیگری ساحل دارد، سهمی مساوی از دریا داشته باشد؟!

هم اکنون که شوروی از هم پاشیده و در آن سوی خزر، به جای یک کشور، ۴ کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان حضور دارند، سهم ایران همچنان همان ۶۵۷ کیلومتر ساحلی است و میزان مالکیت ایران بر دریا نیز بر اساس همین میزان ساحل باقی است؛ الباقی دریا نیز بر اساس سهم ۵۸۴۳ کیلومتری شوروی سابق، بین ۴ کشور دیگر تقسیم می شود و سهمی از ایران کم نمی شود. علاوه بر تقسیم دریا بر اساس میزان نوار ساحلی هر کشور، فرمول های دیگری نیز در حقوق بین الملل وجود دارد که بر اساس هیچ کدام از آن ها، سهم ایران از ۱۱ الی ۲۰ درصد فراتر نمی رود. این سهم حداکثر ۲۰ درصدی (تقسیم خزر بر ۵ قسمت مساوی) هم تنها در صورتی پذیرفته می شود که کشوری مانند قزاقستان که ۱۹۰۰ کیلومتر از سواحل خزر را در اختیار دارد، رضایت دهد که از حق خود بگذرد و با جمهوری اسلامی ایران که تنها ۶۷۵ کیلومتر دارد، حق السهم یکسانی در خزر داشته باشد!

شایان ذکر است، کمترین میزان ساحل در خزر متعلق به ایران است. به ترتیب قزاقستان ۱۹۰۰، ترکمنستان ۱۷۶۸، روسیه ۱۳۵۵، جمهوری آذربایجان ۸۲۰ و ایران ۶۵۷ کیلومتر نوار ساحلی دارد.

نکته دوم؛ در افکار عمومی و رسانه های اجتماعی توسط افراد و جریانات مغرض اینگونه القاء می شد و کم و بیش نیز القا می شود که درست است که ایران کمترین سهم ساحل را در خزر دارد ولی ایران و شوروی در سال های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، معاهداتی داشته اند که طبق آن ها مالکیت خزر به ۲ قسمت ۵۰ درصدی تقسیم شده است. راستی آزمایی این ادعا اصلاً کار سختی نیست. با مراجعه به متن دو معاهده مذکور به خوبی می توان دید که در هیچ بندی از

این دو معاهده، کوچکترین اشاره ای به مالکیت ۵۰ درصدی دو کشور نشده است. در معاهده ۱۹۲۱ حق کشتیرانی ایران در خزر به رسمیت شناخته شده است. بر اساس معاهده ترکمانچای ایران از حق کشتیرانی در خزر ممنوع شده بود که دولت جدید شوروی در آن دوران، با معاهده ۱۹۲۱ این حق را به ایران برگرداند. مواد دیگر این معاهده و معاهده ۱۹۴۰ در باره بهره برداری از شیلات، عوارض بندری، نحوه حمل و نقل مسافر و بار و نظایر این ها سخن می گوید. بنابراین، کسانی که به این دو معاهده استناد می کنند، یا معاهدات مذکور را اصلاً نخوانده اند و یا اگر هم خوانده اند خوب متوجه موضوع نشده اند و اگر هم متوجه موضوع شده اند، با تحریف واقعیات تاریخی در صدد پیگیری منویات و اغراض سیاسی خود هستند.

به هر حال اگر رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس دریاچه تعریف شود باید سهم ایران به ۲۰ درصد ارتقاء یابد. اما اگر طرح با نگاه و تعریف دریایی خزر سهم ها تعیین شود خوب مسلماً عدد کاهش می یابد. لذا سایر بازیگران سعی کرده اند در رژیم جدید حقوقی دریای خزر تلفیقی از تعریف دریا و دریاچه را برای خزر داشته باشند. از این رو رژیم حقوقی جدید نه طبق حقوق بین المللی دریا طرح شده و نه بر مبنای این که خزر یک دریاچه است. بلکه کشورها سعی کرده اند میان خود به یک تفاهم مشترک برسند.

۴- نتیجه گیری

کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر با آنکه برخی نقاط ضعف را در خود جای داده است، اما از مزایای غیر قابل تردیدی برخوردار است که برای افکار عمومی قابل درک است. به شرط آنکه از جوسازی های جناحی و گروهی مبنی بر سیاسی شدن موضوع ملی تعیین حدود سرزمینی اجتناب شود و به جای آن به سمت ایجاد اجماع داخلی در جریان مذاکرات آتی پیش رود. در این مسیر باید همه امکانات کشور بسیج شود تا ضمن بالا بردن قدرت چانه زنی ایران با طرفهای ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به سهم مناسب و منصفانه و عادلانه در همه ابعاد آن در خزر دست پیدا کنیم. بی شک برای رسیدن به تفاهم باید به ملاحظات طرف مقابل هم توجه منطقی داشته باشم. کما اینکه در خصوص شبهه آفرینی و ابهام سازی ها نیز باید تأکید کرد ارقام سهم ۵۰ درصد و ۱۱ درصداز دریای خزر برای روسیه و کشور های همسایه آن مستند نیست. البته اتحاد جماهیر شوروی سابق عملاً و اجباراً سهم ۱۱ درصد را به ایران

تحمیل کرده بود و صیادان ایرانی در وسعت ۱۱ درصدی به صیادی می‌پرداختند. بـه هـر حـال آنچه روشن است تأکید ایران روی سهم ۲۰ درصد است.

در پایان نباید این نکته را از نظر دور داشت که کنوانسیون مربوط به رژیـم حقـوقی دریـای خزر بیشتر از آنکه متمرکز بر پروسه و چگونگی تحدید حدود بسـتر و زیـر بسـتر دریـای خـزر باشد، معطوف به چارچوب‌ها و کلیات مربوط به تحدید حـدود و مـواردی نظیـر همکـاری‌هـای امنیتی، اقتصادی و ... بوده و همچنان باید تلاش کرد تا سایر اختلافات طرفین راجع به مـوازین حقوقی این دریا نیز حل گردد. به نظر می‌رسد اراده‌ای کـه اکنـون در سـطح سـران و مقامـات کشورها مشاهده می‌شود، قطعاً آینده‌ای امیدوارکننده را برای طرفین رقم خواهد زد.

منابع و مآخذ

الف) کتاب

۱- آقایی بهمن(۱۳۷۴)، «**مجموعه مقالات حقوق بین الملل دریاها و مسایل ایران**»، تهران: انتشارات گنج دانش.

۲- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۴)، «**ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان**»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه.

۳- دانشیار، سید مهدی (۱۳۹۱)، «**تحولات جدید جغرافیای سیاسی دریاچه کاسپین**»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران.

۴- قبادزاده، ناصر (۱۳۸۳)، «**خزر، رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و نقش آمریکا در منطقه در گفت وگو با کارشناسان (دکتر کولایی، دکتر مجتهدزاده، دکتر صفری، دکتر باوند و دکتر مولایی)**»، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه.

۵- میرمحمدصادقی، محسن(۱۳۸۰)، «**رژیم حقوقی دریای خزر از لحاظ حقوق بین‌الملل و معاهدات فیمابین ایران و شوروی سابق**»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه.

ب) مقالات

۱- احمدی پور، زهرا (۱۳۷۵)، «**ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپلیتکی جدید منطقه ای**»، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، زمستان.

۲-پیشگاهی فرد، زهرا و نصرتی، شهریار و بازدار، شهناز (۱۳۹۵)، «**تدوین و اولویت بندی راهبردهای مناسب مدیریت حوزه ژئوپلیتیک خزر**»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان.

۳-ممتاز جمشید، (۱۳۷۴)، «**وضعیت حقوقی دریای خزر**»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان.

۴-حافظ نیا، محمدرضا و احمدی پور، زهرا و مجتهدزاده، سپنتا و پیردشتی، حسن (۱۳۹۶)، «**تبیین مؤلفه های ژئومورفولوژیکی در استقرار رژیم حقوقی دریای خزر**»، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۱، بهار.

۵-شریفیان، جمشید (۱۳۸۵)، «**تحدید حدود دریای خزر**»، گفتگویی از وضعیت حقوقی آن، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳. تابستان.

۶-فرزین نیا، زیبا و یاکوشیک، والنتاین (۱۳۷۷)، «**اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر**»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان.

۷- یزدانی، مجید (۱۳۸۲)، «**رژیم حقوقی حاکم بر دریاهای بسته با نگرش بر دریای خزر**»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲، زمستان.

(ج) مقالات اینترنتی

۱- بهشتی پور، حسن (۱۷ شهریور ۱۳۹۷)، «**تحلیل کنوانسیون رژیم حقوقی خزر از منظر فرصت ها و تهدیدها**»، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در:/ http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/ 1978848

۲- حجت زاده، حسام الدین (۵ شهریور ۱۳۹۷)، «**چند نکته درباره پیامدهای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر برای ایران**»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، قابل دسترس در: http://www.tisri.org/default- 2850 .aspx

۳- خبرگزاری صدا و سیما (۲۱ مرداد ۱۳۹۷)، «**خزر، گستره آبی عظیم سرشار از منابع هیدروکربور و خاویار**»، قابل دسترس در: http://www.iribnews.ir/fa/news/2200533/

۴- محبی، محمد و ابراهیمی، حمیدرضا (۲۶ مرداد ۱۳۹۷، «**شرحی مفصل بر رژیم حقوقی دریای خزر، از قرارداد ترکمانچای تا معاهده مردادماه ۱۳۹۷**»، پارسینه، قابل دسترس در: https://www.parsine.com/fa/news/460025/

۵- روزنامه دنیای اقتصاد (۱ دی ۱۳۹۵)، «**ذخایر واقعی نفت و گاز خزر و سهم ایران**»، قابل دسترس در: https://donya-e-eqtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4/

۶- میر گلوی بیات، جواد (۲۷ مرداد ۱۳۹۷)، «**فهم معاهدات خزر**»، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترس در: https://www.cmess.ir/Page/View/ 2018-08-18/2442/

کریدور حمل و نقل شمال-جنوب

دکتر بهرام امیراحمدیان[1]

تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۰۹/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱۲/۰۴

چکیده

پروژه بین المللی «کریدور حمل و نقل شمال- جنوب» در سال ۲۰۰۰ با هدف ایجاد یک راهگذر کوتاه تر از مسیر حمل و نقل فعلی دریایی کانال سوئز به منظور کاهش زمان و حمل و نقل هزینه های تجارت کالا توسط روسیه، هند و ایران تاسیس شد. اکنون این کریدور با پذیرش ۱۰ عضو جدید گسترش یافته و شامل جمهوری آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، اوکراین، بلاروس، عمان و سوریه است و بلغارستان نیز به عنوان عضو ناظر در آن حضور دارد. در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشور امین انتخاب شد که وظیفه دارد طرف های متعاهد را در خصوص پیوستن سایر کشورها به این موافقت‌نامه یا کناره‌گیری از آن آگاه کند. از اهداف این کریدور توسعه پیوندهای حمل‌ونقل به منظور ساماندهی حمل‌ونقل کالا و مسافر در کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال– جنوب، افزایش دسترسی طرف‌های متعاهد این موافقت‌نامه به بازارهای جهانی از طریق تسهیلات حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، دریایی، رودخانه‌ای و هوایی است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که با توجه به توانهای محیطی و زیر ساختی ایران در بخش حمل و نقل و روابط حسنه فی مابین با دو امضاء کننده این موافقتنامه (هندوستان و روسیه)، آیا این کریدور توانایی تامین اهداف ایران در دسترسی به بازارهای هدف در سایه تحریمهای تحمیلی ایالات متحده را داراست و نقش هندوستان و روسیه و رابطه اقتصادی– تجاری فیمابین این دو قدرت منطقه با یکدیگر و با ایران در حدی است که این کریدور بتواند نقشی مهم ایفا کند؟

واژه گان کلیدی: کریدور شمال- جنوب، حمل و نقل، هندوستان، ایران، روسیه

[1] - استاد دانشگاه و پژوهشگر مسائل ژئوپلیتیکی اوراسیا – آدرس ایمیل: Bahram1329@gmil.com

۱- مقدمه

اکنون که شرایط تحریمهای خارج از چارچوب سازمان ملل توسط ایالات متحده آمریکا بر ایران تحمیل شده است، نگاهی دو باره به برخی از پروژه ها و اقدامات اساسی موجود و نگاه به ابتکارات آینده برای آماده سازی بستر توسعه کشور بیش از پیش ضروری است. پروژه عظیم چابهار(تنها بندر اقیانوسی ایران)، «کریدور بین المللی ترانزیت شمال-جنوب»[۱] ، «کریدور خلیج فارس-دریای سیاه»، «شبکه راه آهن اکو»(اسلام آباد-تهران-استانبول)[ITI][۲] پیوستن ایران به برخی ساختارهای اقتصادی، از جمله «اتحادیه اقتصادی اوراسیا »[۳]، ابتکار رئیس جمهور چین تحت عنوان «یک کمربند، یک راه» [۴] (احیای جاده ابریشم کهن) و برخی دیگر می تواند در تحولات اقتصادی و تجاری ایران در آینده سرنوشت ساز باشد.

با توجه به اهمیت کریدور ترانزیت شمال- جنوب در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است.

موقعیت چهار راهی ایران ظرفیتی ارزشمند است که در بیشتر اظهار نظر ها در باره ایران، چه از دیدگاه ایرانی و چه غیر ایرانی به آن اشاره می رود. ساختارهای زیر بنایی حمل و نقل(ریلی و جاده ای) و بنادر و خدمات بازرگانی همچون تخلیه و بارگیری و ذخیره سازی و توزیع، دارای ظرفیتهایی مناسب است، ولی میزان بهره برداری و بهره وری از این موقعیت به اندازه ای نبوده است که موقعیت جغرافیایی ایران را به موقعیت ژئوپلیتیکی ارتقاء داده و سبب توسعه مطلوب و افزایش اشتغال گردد. یکی از این زیر ساختها و فضای آن «کریدور بین المللی ترانزیت شمال – جنوب» است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ضرورت بازنگری و توجه بیشتر بدان در شرایط کنونی مهم به نظر می رسد.

سوال اصلی مقاله این است که با توجه به توانهای محیطی و زیر ساختی ایران در بخش حمل و نقل و روابط حسنه فی مابین با دو امضاء کننده این موافقتنامه(هندوستان و روسیه)،

---

[1] - North-South International Transit Corridor-NOSTRAC

[۲] - متاسفانه این کریدور می توانست نقش مهمی در توسعه حمل و نقل منطقه ای داشته باشد که پس از افتتاح آن در سال ۱۳۷۸، به بهره برداری نرسید. بهره برداری از این کریدور به سبب عدم توسعه زیر ساخت راه آهن کویته- میرجاوه توسط پاکستان، متوقف مانده است.

[3] - Eurasiaan Economic Union(EEU)

[4] - One Belt, One Road, Initiaqtive(OBOR), or BRI

آیا این کریدور توانایی تامین اهداف ایران در دسترسی به بازارهای هدف در سایه تحریمهای تحمیلی ایالات متحده را داراست و نقش هندوستان و روسیه و رابطه اقتصادی – تجاری فیمابین این دو قدرت منطقه با یکدیگر و با ایران در حدی است که این کریدور بتواند نقشی مهم ایفا کند؟

۲- داده های پژوهش

۲-۱- آغاز کار

در سال ۱۹۹۳ وزرای حمل و نقل کشورهای اروپایی در اجلاس کمسیون اروپا در هلسینکی مسیر جدیدی به نام راه گذر بین المللی حمل و نقل شمال-جنوب (راهگذر شماره ۹) را معرفی نمودند و با امضاء توافقنامه بین سه کشور ایران - روسیه - و هندوستان در سال ۲۰۰۰ میلادی این مسیر رسمیت یافت. انگیزه تعریف چنین راه گذاری ایجاد یک پل ارتباطی بین کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا، شبه قاره هند با کشورهای قفقاز و آسیای میانه و اروپا از طریق خاک روسیه بوده است. این راه گذر از کشورهای اسکاندیناوی و شمال اروپا شروع و پس از عبور از روسیه به بنادر حاشیه دریای خزر متصل شده و از طریق خاک ایران و بنادر شهید رجائی و امام خمینی تا شبه قاره هند و کشورهای جنوب شرق آسیا امتداد می یابد. در این راه گذر ضمن استفاده از سیستم حمل و نقل مدرن چند وجهی فاصله زمانی حمل کالا نسبت به مسیر کانال سوئز تا نصف و هزینه حمل نیز تا ۳۰ درصد کاهش می یابد.

اکنون این کریدور با پذیرش ۱۰ عضو جدید گسترش یافته و کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکیه، اوکراین، بلاروس، عمان و سوریه را در بر می گیرد و بلغارستان نیز به‌عنوان عضو ناظر آن حضور دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان کشور امین انتخاب شد که وظیفه دارد طرف‌های متعاهد را درخصوص پیوستن سایر کشورها به این موافقت‌نامه یا کناره‌گیری هر یک از طرف‌های متعاهد از آن آگاه کند. از اهداف این کریدور توسعه پیوندهای حمل‌ونقل به منظور ساماندهی حمل‌ونقل کالا و مسافر در کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال – جنوب، افزایش دسترسی طرف‌های متعاهد این موافقت‌نامه به بازارهای جهانی از طریق تسهیلات حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، دریایی، رودخانه‌ای و هوایی است. مساعدت در جهت افزایش حجم حمل‌ونقل بین‌المللی کالا و مسافر،

تامین امنیت سفر، ایمنی محصولات و همچنین حفظ محیط زیست براساس استانداردهای بین‌المللی، هماهنگ‌سازی سیاست‌های حمل‌و نقل و همچنین پی‌ریزی قوانین و مقررات مورد نیاز حمل‌ونقل برای اجرای این موافقت‌نامه و تامین شرایط برابر جهت عرضه‌کنندگان انواع خدمات حمل‌ونقل کالا و مسافر در کشورهای متعاهد در چارچوب کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال – جنوب از دیگر اهداف است.

۲-۲- وضعیت کنونی کریدور بین المللی حمل و نقل شمال - جنوب

پروژه بین المللی «راه گذر حمل و نقل شمال- جنوب» در سال ۲۰۰۰ توسط روسیه، هند و ایران با هدف ایجاد یک راهگذر کوتاه تر از مسیر حمل و نقل فعلی دریایی کانال سوئز به منظور کاهش زمان و حمل و نقل هزینه های تجارت کالا تاسیس شد. بعدها، بلاروس، قزاقستان، تاجیکستان، عمان، ارمنستان، آذربایجان، اوکراین، قرقیزستان و ترکیه به این پروژه پیوستند. این مسیر از بندر «نهاوا شوا»[1] در بمبئی هند شروع و از طریق دریای عمان به بندر عباس در ایران (۱۲۰۰ مایل دریایی) متصل می شود. بخش زمینی راهگذر از طریق خاک ایران به بندر انزلی در ساحل جنوبی خزر(به طول ۱۳۰۰ کیلومتر) می رسد. بخش دوم مسیر دریایی از دریای خزر (۸۰۰ مایل دریایی) عبور می کند و به بندر آستاراخان در ساحل شمالی در فدراسیون روسیه می رسد. پس از آن، محموله ها می تواند با گذر از راههای زمینی به مسکو (۱۷۰۰ کیلومتر) برسد و از آنجا به کشورهای اروپایی هم مرز روسیه و فنلاند حمل شود.

با توجه به مشکلاتی که در بخش دریایی برای تخلیه و بارگیری یا انتقال کامیونها به کشتی های رو-رو در مسیر دریایی خزر از بنادر جنوبی به بنادر دیگر وجود داشت، این مسیر دریایی در کریدور شمال-جنوب مورد نظر نیست و کشتیرانی باری در دریای خزر، مانند گذشته بیشتر در باره روابط تجاری دو جانبه بین کشورهای حوزه دریای خزر مورد استفاده قرار می گیرد.

برخی نابسامانیها و ناهماهنگی های مدیرتی و زیرساختی و قانونی، پیشرفت این پروژه را با توقف روبرو کرده و آن را از عملیاتی شدن در ۱۷ سال گذشته بازداشته است. هند به عنوان یکی از طرف های اصلی پروژه پس از مواجه با برخی از مشکلات تدارکات و با توجه به عدم

[1] - Nhava Sheva

حمایت ترخیص کالا از گمرک تصمیم به توقف پروژه برای یک دوره ۱۰ ساله گرفت. دلیل دیگر توقف پروژه افزایش اعمال فشار بر اقتصاد ایران از سوی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا به بهانه توسعه برنامه هسته ای در اوایل سالهای ۲۰۰۰ بود. با این حال، پس از مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ و رسیدن به طرح جامع اقدام مشترک، و لغو تحریمهای اقتصادی، این پروژه با احیای حمایت اعضا، به ویژه هند در سال ۲۰۱۵ دو باره مطرح شد.

در جلسه چهارم شورای هماهنگی اعضای پروژه که در ماه اوت ۲۰۱۵ در دهلی نو برگزار شد، مقامات ارشدی از هند، ایران و روسیه، و همچنین نمایندگانی از دیگر کشورهای عضو در مورد پیش نویس توافقنامه حمل و نقل مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مسائل مربوط به روشها و تعهدات هر یک از اعضا تصمیم گیری شد. پس از آن، پیش نویس توافق یک گام مهم برای حرکت پروژه به سطح بعدی بر مبنای قانونی برای حمل و نقل توسط کشتی، راه آهن و جاده ارتباطی بین هند، ایران و روسیه شد. پس از برداشته شدن تحریم ها، هند سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی را به منظور بهبود شرایط فعلی جاده ها، راه آهن و بنادر در امتداد کریدور بین المللی حمل و نقل شمال و جنوب را آغاز کرد. به عنوان مثال، وزیر حمل و نقل جاده ای و بزرگراه های هند، «نیتین گادکاری»[1] ، و همتای ایرانی خود، عباس آخوندی، یک یادداشت تفاهم در توسعه بندر چابهار به ارزش ۸۵ میلیون دلار در ماه مه سال ۲۰۱۵ به امضاء رساندند. علاوه بر آن، هند برنامه ریزی کرده است که ۱۰۰ میلیون دلار برای ساخت جاده ای به طول ۲۲۰ کیلومتر از «دلارام» در غرب افغانستان به «زرنج» در مرز ایران و افغانستان برای ارتباط با بندر چابهار هزینه کند. علاوه بر این، سرمایه گذاری در بندر چابهار با استراتژی هند برای گسترش نفوذ اقتصادی خود در امکانات حمل و نقل خلیج فارس، در پاسخ به سلطه چین در بندر گوادر پاکستان مطابقت دارد.

در این راستا هند با تکمیل بندر جدید چابهار، هند فرصتی برای اتصال به شبکه حمل و نقل مستقیم افغانستان و آسیای میانه با دور زدن پاکستان به دست آورده و از پتانسیل تجارت با کشورهای منطقه بهره مند خواهد شد. همچنین با توجه به اهمیت استراتژیک راه گذر شمال – جنوب، دستیابی به مفاهیم سیاست خارجی هند تحت عنوان «سیاست تجارت خارجی هند

[1] - Nitin Gadkari

برای سالهای ۲۰۱۵-۲۰۲۰» که در آوریل سال ۲۰۱۵ تصویب شده و سیاست «اتصال آسیای مرکزی» که در ژوئن ۲۰۱۲ به تصویب رسیده است، امکان پذیر خواهد شد.

۲-۳- اهداف و مقاصد

اهداف و مقاصد اجرای راهگذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب به شرح زیر است:

- توسعه مناسبات حمل و نقلی به منظور ساماندهی حمل و نقل کالا و مسافر در کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال – جنوب.
- افزایش دسترسی طرفهای متعاهد این موافقتنامه به بازارهای جهانی از طریق تسهیلات حمل و نقلی ریلی، جاده‌ای، دریایی، رودخانه‌ای و هوایی.
- مساعدت در جهت افزایش حجم حمل و نقل بین‌المللی کالا و مسافر.
- تأمین امنیت سفر، ایمنی محصولات و همچنین حفظ محیط زیست براساس استانداردهای بین‌المللی.
- هماهنگ‌سازی سیاستهای حمل و نقل و همچنین پی‌ریزی قوانین و مقررات مورد نیاز حمل و نقل برای اجرای این موافقتنامه.
- تأمین شرایط برابر جهت عرضه‌کنندگان انواع خدمات حمل و نقل کالا و مسافر در کشورهای متعاهد در چارچوب کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب

به این طریق اعضای شرکت کننده در موافقت نامه شرایطی را می پذیرند که باعث کاهش زمان حمل و نقل و ترانزیت بار و مسافر شود و هزینه حمل و نقل را نیز کاهش دهد و سبب تسهیل گردآوری اسناد و مدارک حمل و نقلی و شیوه های حمل ونقل بار و مسافرگردد. چنین شرایطی با موافقت نامه های بین المللی پذیرفته شده و شرایط آن ها نیز مطابقت دارد. بر اساس این اهداف که ازسوی کشورهای عضو راهگذر شمال- جنوب مقرر گردیده باید اقداماتی نیز در زمینه های زیر صورت گیرد:

۱- کاهش زمان حمل و نقل از طریق راهگذر شمال- جنوب؛

۲- به حداقل رساندن هزینه های حمل و نقل از طریق راهگذر شمال- جنوب؛

۳- ساده کردن تشریفات حمل و نقلی و مقررات گمرکی و تطبیق دادن آن ها با مقررات بین المللی؛

۲-۴- اهداف روسیه و هند در امضای موافقتنامه

هنگامی که در سال ۲۰۰۰ این موافقتنامه بین ایران، روسیه و هندوستان به امضاء رسید، آغاز ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در روسیه بود. ایالات متحده با خصومتی که با حکومت روسیه داشت، بر آن بود که در دسترسی و برقراری روابط این کشور با مناطق جنوبی و بطور کلی با همسایگان جنوبی خود مانع ایجاد کند. به همین سبب ایالات متحده و هم پیمانان منطقه ای آن در قفقاز جنوبی حضوری فعال داشتند و می خواستند مانع برقراری ارتباط ایران با روسیه شده و با حضور در منطقه قفقاز، دریای خزر، و آسیای مرکزی، سدی در برابر روسیه شوند. در این راستا گسترش ناتو به سوی شرق و درگیر کردن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در طرح مشارکت برای صلح[1] ناتو قابل ارزیابی است. در همین ارتباط هنگامی که روسیه خود را در تنگنای طرح «دربرگیری»[2] شبیه آنچه در دوره جنگ سرد علیه اتحاد شوروی شده بود، ولادیمیر پوتین تصمیم گرفت با نزدیک شدن به ایران و برقراری ارتباط با هندوستان، به عنوان قدرت منطقه ای در حوزه اقیانوس هند و آبهای آزاد، موافقتنامه «کریدور شمال-جنوب» را به امضا برساند. زیرا از طریق این کریدور علاوه بر آنکه ارتباط روسیه با ایران از طریق دریای خزر و بدون مزاحمت اعضاء پیمان ناتو برقرار می شد، با بهره گیری از قلمرو ایران که کریدوری قابل دسترس و امن برای روسیه است، می توانست با هندوستان نیز ارتباط داشته باشد. در این موافقتنامه چنین پیش بینی شده بود که از حوزه اروپای شمال غربی از طریق روسیه نیز می توان مبادلات اقتصادی و تجاری این کشورها و روسیه از طریق این کریدور با جنوب بدون نیاز به گذر از راههای دریایی و مسیر سنتی کانال سوئز و دریای شمال، برقرار شود. همچنین این مسیر کریدور شمال –جنوب هم از نظر زمان عبور کالا و هم هزینه نسبت به مسیر سنتی، کوتاه تر و ارزانتر محاسبه شده بود. علاوه بر آن پیش بینی شده بود که این مسیر توان جابجایی سالانه ۲۰ میلیون تن کالا را دارا خواهد بود.

بطوری که ملاحظه می شود، بیش از آنچه ایران می توانست از این کریدور بهره مند شود (که خود در جنوب با داشتن خط ساحلی برابر ۲۰۴۰ کیلومتر و بنادر با ظرفیت بالا، در خلیج

---

[1] - Partnership for Peace(pfp)

[2] - Containment

فارس و دریای عمان، به آبهای بین المللی دسترسی داشته و دارد)، این روسیه بود که کریدور را به عنوان یک کریدور استراتژیک برای خنثی سازی در بر گیری در نظر گرفته بود. بر این فرض سناریوهای چندی برای کریدور شمال – جنوب در نظر گرفته شده بود. چند سالی از امضای این قرارداد برای اجرایی کردن آن گذشته بود که ایران تحت تحریمهای شدید شورای امنیت سازمان ملل در پرونده هسته ای قرار گرفت که هم روسیه و هم هندوستان(دو طرف اصلی موافقتنامه کریدور شمال –جنوب) به آن رای مثبت داده بودند. بنابراین فعال شدن این راهگذر و سرمایه گذاری روسیه و هند در زیر ساختهای لازم در ایران، بطور کلی متوقف شد. در این میان روابط آمریکا با روسیه نیز بهبود نسبی یافت و بر خلاف آغاز دوره زمامداری پوتین، روسیه از تنگنای ایجاد شده از سوی غرب تا حدودی رهایی یافت. اما پس از مذاکرات هسته ای ایران و امضای برجام، افقهای تازه ای برای همکاری هند و روسیه بروی ایران باز شد. اگر چه خصومت ایالات متحده با ایران در دوره ریاست جمهوری ایالات متحده از سوی ترامپ و خروج یک جانبه آمریکا از برجام ادامه یافت، ولی هندوستان با نزدیکی بیشتر بسوی ایران حضور پر رنگتری در ایران دارد. بندر چابهار و اتحاد استراتژیک هند با افغانستان، ایالات متحده را نا گزیر به نادیده گرفتن تحریمهای ایران با هندوستان شده است و فعال شدن دوباره هند در پروژه چابهار برای همه طرفها سودمند است. در این میان پس از انضمام شبه جزیره کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده و همپیمانان آن در اتحادیه اروپا، مجداد روسیه را به سوی بهره برداری سیاسی و اقتصادی از کریدور شمال – جنوب رهنمون شده اند. این خود دلیلی قانع کننده برای ادعای استفاده ابزاری و تاکتیکی روسیه از کریدور شمال – جنوب است.

۲-۵- دیدگاه هندوستان:

به منظور تجزیه و تحلیل پتانسیل ها و تنگناهای کریدور حمل و نقل، فدراسیون انجمن های حمل و نقل هند در اوت سال ۲۰۱۴ اجرای آزمون مسیرخشکی را انجام داده اند. نتایج آزمون نشان داد که کریدور شمال-جنوب زمان حمل و نقل را ۴۰ درصد و هزینه را ۳۰ درصد در مقایسه با مسیر دریایی کنونی از کانال سوئز، کاهش می دهد. با توجه به هزینه های حمل و نقل در حال حاضر، حمل و نقل در مسیر خشکی برای یک کانتینر ۲۰ فوتی از بمبئی به مسکو در حدود ۲۱۰۰-۲۸۰۰ دلار هزینه در بر خواهد داشت و زمان حمل و نقل بین ۳۲-۳۷ روز

طول می کشد که از طریق طی مسافتی برابر ۸۷۰۰ مایل دریایی در طول مسیر کانال سوئز به پایان می رسد. در مقابل، هزینه های حمل و نقل محموله از طریق مسیر کریدور شمال – جنوب حدود ۱۲۶۰ دلار (اضافه کردن هزینه های تقریبی از طریق ۲ بندر انتقال ۲۶۰ دلار) و زمان حمل و نقل از طریق ۲۲۰۰ مایل دریایی به علاوه ۳۰۰۰ کیلومتر زمینی، کمی بیش از ۱۹ روز طول خواهد کشید. گزارش های فنی اجرای آزمون مسیر خشکی صادرات به ارزش دلار(۱۸.۹٪ از کل صادرات) و واردات به ارزش دلار (۲۳.۴٪ از کل واردات) می تواند از طریق کریدور شمال-جنوب منتقل شود. در این مفهوم، کالاها از هند از طریق این کریدور از نظر زمان حمل و نقل حمل و هزینه های حمل به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت و آن را رقابتی تر می کند. در حال حاضر هنوز هم تعدادی از مسائل بازدارنده در راه توسعه کریدور برای رسیدن به پتانسیل کامل آن وجود دارد. به عنوان مثال، توسعه آینده بندر چابهار به دلیل اختلاف بین ایران و هند در پروژه های بزرگ ساخت و ساز در بندر مانع ایجاد کرده است. علاوه بر این، در عمل، هنوز هم تعدادی از مسائل مربوط به ایجاد یک مکانیزم کنترلی قوی بر فرایند گمرکی و تخصیص صندوقی برای پروژه های زیربنایی وجود دارد. علاوه بر این، اعضای پروژه کریدور بین المللی هنوز هم در روند حل مشکل محتوی کانتینرها در راه بازگشت از روسیه به هند که هزینه های حمل و نقل را افزایش می دهد، با چالش مواجه هستند. در نتیجه، اگر شرکت کنندگان در کریدور بین المللی بتوانند بر مشکلات موجود غلبه و آن را مدیریت کنند، این مسیر حمل و نقل راه اندازی خواهد شد و به طور قابل توجهی بر توسعه تجارت منطقه ای تاثیر می گذارد و فرصت های جدید را برای هر دو طرف جهت ورود به بازارهای جدید و تقویت رقابت تجارت کالا فراهم می آورد (http://eurasianresearch.org). از طرفی دیگر باید حجم مبادلات تجاری و کالاهایی که می تواند در این کریدور مورد مبادله قرار گیرد (نوع و مقدار و کیفیت و ارزش کالا نقشی تصمیم ساز دارد)، به مقداری باشد که حمل ترکیبی (دریایی-زمینی-ریلی و نیز تخلیه و بارگیری) توجیه اقتصادی داشته باشد، در غیر این صورت هیچ صاحب کالایی از این کریدور بهره برداری نخواهد کرد.

۲-۶- دیدگاه نهاد های مرتبط با موضوع در ایران

در هفتمین نشست بررسی تحولات ترانزیتی کشورهای منطقه با موضوع بررسی وضعیت و عملکرد کریدور شمال – جنوب که در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۸ با حضور مسئولین وزارت راه و شهر سازی در این وزارتخانه برگزار شد، با بررسی سوابق کریدور، اهداف، برنامه ها، سیاست ها و مشکلات این کریدور به بحث و اشتراک نظر گذاشته شد؛ جمع بندی نظرات اعضا به شرح ذیل بود:

- به صورت کلی حمل جاده ای در این کریدور نمی تواند با حمل دریایی از نظر قیمت و هزینه رقابت نماید مگر اینکه در مسیر بازگشت از سمت روسیه نیز کالا و بار موجود باشد تا از بازگشت ناوگان یک سر خالی جلوگیری شود.
- تعرفه های تعهد شده بین راه آهن های کشورهای مسیر در حال حاضر و با توجه به مشخص نبودن زمان بهره برداری از راه آهن رشت- آستارا برای راه آهن ایران سود ده نبوده و در دراز مدت این شرایط از لحاظ اقتصادی مشکل ساز خواهد شد.
- با توجه به مزیت زمان کم ترانزیت، لازم است تا اولویت تمرکز حمل و نقل بر روی گروه کالاهای با ارزش بالا باشد تا حمل گرانتر ولی با زمان کمتر توجیه بیشتری داشته باشد.
- لازم است تا در بررسی پتانسیل های راه گذر با نگاه آینده نگر صرفا مبادلات تجاری فعلی مبنای قضاوت قرار نگرفته و نیز بخش خصوصی با ایجاد تعاملات بیشتر با بخش خصوصی سایر کشورها زمینه را برای حمل و نقل بیشتر در این کریدور فراهم سازد.

با توجه به اهمیت حمل ریلی بار، محور «رشت – آستارا» تنها گسستگی ریلی این مسیر بشمار می‌رود و احداث راه‌آهن قزوین - رشت -انزلی - آستارا به عنوان یکی از پروژه‌های مهم راه آهن جمهوری اسلامی ایران، حلقه مفقوده کریدور شمال -جنوب را تکمیل می کند. براساس توافقات انجام شده تا زمان تکمیل شدن مسیر ریلی، ترانزیت بار به صورت ترکیبی در این کریدور انجام خواهد گرفت. به این ترتیب که بار پس از رسیدن به بندرعباس با حمل و

نقل ریلی تا قزوین منتقل شده و از قزوین تا آستارای جمهوری آذربایجان بـا کـامیون حمـل و سپس از طریق ریل به مقاصد مورد نظر ارسال می‌گردد[1] .

۲-۷- سرمایه گذاری ها

سرمایه گذاریهایی که برای اجرای طرح راهگذر حمل و نقل بین المللـی شـمال-جنـوب از سوی کشورهای امارات متحده عربی، ایران و فدراسیون روسیه صورت گرفته است به شرح زیـر می باشد:

- سرمایه گذاری که توسط امارات متحده عربی انجام مـی شـود شـامل: سـاخت ۲ کشـتی فریبوت برای خلیج فارس، احـداث لنگرگاه برای فریبوت ها و احداث ایستگاه راه آهـن در بنـدر دریایی دبی؛
- سرمایه گذاری که توسـط ایـران انجـام مـی پـذیرد: احـداث لنگرگـاه هـای فریبـوت در بندرعباس، احداث اسکله های فریبوت در بندر شهید رجایی (بندرعباس)، احداث اسـکله هـای فریبوت در بندر امیرآباد و احداث ایستگاه راه آهن در بندر امیرآباد؛
- سرمایه گذاری که توسط فدراسیون روسیه در چارچوب پـروژه انجـام مـی شـود: احـداث تسهیلات بندری و زیربنایی در لاگـان، احـداث لنگرگـاه هـای فریبـوت در لاگـان، سـاخت ۳۴ کشتی فریبوت برای دریای خزر، ساخت ۴ قایق یدک کش برای محموله های کانتینری؛

باید یاد آور شد که ارقام فوق به علت اینکه بصورت پیش بینی می باشد چندان دقیق نبوده و کمتر از واقع به نظر می رسند. به طور کلی پیش بینـی شـده اسـت کـه در صـورت سـرمایه گذاری به مقدار ۱۴۰۰ میلیون دلار، سرمایه مذکور در مدت ۸ سال بازپرداخت خواهد گشت.

از نقطه نظر ژئوپلتیکی با حمل و جابه جایی کالا از طریق راهگذر شمال-جنـوب عـلاوه بـر منافع بسیاری که نصیب ایران می گردد، باعث تحکیم موضع ایران در دریای خـزر نیـز خواهـد شد. زیرا ایران نقش مرکزی و ثقل این کریدور را بازی می کند. از نظر استراتژیکی این کریـدور

[1] - یاد آوری می شود که در حال حاضر سالیانه تناژ قابل توجهی بار از طریق دریای عمان به دریای مدیترانه و سپس دریای سیاه به سمت روسیه می‌رود که این مسیر طولانی و با صرف هزینه زیادی است به طوری‌که زمان سیر کشتی‌ها در این مسیر حدود ۴۰ روز از مومبای هند به مسکو در روسیه است و با عملیاتی شدن این کریدور به روش حمل ترکیبی زمان ترانزیت بار از بنادر جنوب به مسکو ۱۴ روز و به سمت هلسینکی فنلاند ۱۷ روز طول می‌کشد.

می تواند در شرایط بحرانی در آبهای آزاد بین المللی که رفت و آمد کشتیرانی را با موانع روبرو سازد، مورد استفاده قرار گرفته و جریان آزاد گردش کالا در حوزه را تضمین کند. از آنجا که ایران در مرکز ثقل این کریدور جای دارد، عملیاتی کردن و فعال سازی این کریدور از جنبه های مختلف برای ایران سودمند خواهد بود. این ساز و کار یکی از راههای تبدیل موقعیت جغرافیایی ایران به موقعیت ژئوپلیتیکی است.

۲-۸- سازمان های مرتبط با پروژه

سازمان های واجد شرایط از سوی طرفین برای اجرای پروژه به شرح زیر است:

- در جمهوری هند وزارت حمل و نقل و وزارت صنایع و تجارت،
- در جمهوری اسلامی ایران وزارت راه و ترابری و سازمان حمل و نقل؛
- در عمان وزارت حمل و نقل و وزارت مسکن؛
- در فدراسیون روسیه وزارت حمل و نقل و وزارت راه و ترابری؛

کشور های ایران، روسیه و هند بعد از به تصویب رسیدن و اجرایی شدن موافقت نامه راهگذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب با توسعه زیرساخت های حمل و نقل جاده ای، ریلی و دریایی به ساخت امکانات ضروری در بنادر که باعث تسهیل روند حمل و نقل در کمترین زمان و با صرف کمترین هزینه می باشد پرداخته اند و از این طریق توجه شرکت هایی که حمل و نقل بار از آسیا به اروپا و بالعکس را بر عهده دارند به سوی خود معطوف نموده اند (http://pravo.kulichki.com).

۲-۹- مسیر های راهگذر

«راهگذر بین المللی حمل و نقل شمال- جنوب» چندین مسیر برای حمل بار را با استفاده از انواع مختلف وسایل نقلیه در نظر دارد:

۱- از طریق بنادر آستاراخان، اولیا، ماخاچکالا در روسیه و بنادر باکو(جمهوری آذربایجان)، انزلی و امیرآباد در ایران

۲- مسیر مستقیم راه آهن از طریق قزاقستان- ازبکستان - ترکمنستان با راه یافتن به شبکه راه آهن های ایران از طریق مرز تجن- سرخس؛

۳- از طریق شاخه غربی ریلی و زمینی راه گذر: آستاراخان- ماخاچکالا- سامور و پس از آن از طریق جمهوری آذربایجان به ایران از طریق مرز آستارا؛

مسیر میانی:

قسمت اعظمی از مسیر راهگذر شمال - جنوب از خطوط ریلی روسیه می گذرد که بین ۳۵-۳۳ درصد از طول مسیر خشکی است. البته با توجه به اینکه کارآیی اقتصادی مسیر حمل بار از طریق خزر کاهش می یابد و انتقال مکرر بارها ضرورت دارد، طرف ایرانی پروژه ساخت راه آهن جدید قزوین- رشت - آستارا (ایران)- آستارا (جمهوری آذربایجان) را پیشنهاد داده است و راه آهن روسیه از این پروژه حمایت می کند[۱].

در حال حاضر، مسئله سازماندهی حمل و نقل از طریق واگن ها و کانتینر ها در خطوط ریلی و کشتی رانی در حال بررسی است. مسیر های کشتی رانی ماخاچکالا[۲] (روسیه) و آکتائو[۳] (قزاقستان) برای بکار گیری در دریای خزر در حال ساخت و راه اندازی می باشند. طرف ایرانی نیز به ساخت خطوط ریلی در بندر امیر آباد پرداخته است و برای مرتبط ساختن بنادر به شبکه ریلی برنامه ریزی می کند و امکان حمل و نقل ترانزیتی به بندر عباس را فراهم می کند.

مسیر ریلی:

مسیر ریلی راهگذر شمال- جنوب که از خطوط ریلی روسیه در مرز فنلاند تا دریای خزر امتداد دارد حدود ۳ هزار کیلومتر است و از سمت شمال با کشور های حوزه بالتیک، جمهوری اوکراین و بلاروس مرتبط شده است و از این طریق به شبکه ریلی اروپای غربی و شرقی راه می یابد. محوری ترین خط توسعه حمل و نقل کالاهای ترانزیتی و تجارت خارجی در راهگذر حمل و نقل شمال- جنوب خطوط ریلی «بلاروس- سن پترزبورگ- مسکو- ریازان[۴] - کنچتوکا[۵] - رتی شیوا[۶] - ساراتف[۱] - ولگاگراد- آستاراخان» به مسافت ۲۵۱۳ کیلومتر است.

---

[1]- Проблема новых транспортных коридоров (problems of new transport corridor). Available in: http://www.qudsdaily.com/archive/1387/html/1/1387-01-14/page25.html

[2] - Makhachkala

[3] - Aktau

[4] - Riazan

[5] - Konchtoka

[6] - Retishiva

راه آهن روسیه اقدامات زیادی در جهت توسعه و شکوفایی زیرساخت های ضروری و شکوفایی صنعت حمل و نقل این منطقه انجام داده است. در ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۷ در تهران در ملاقات رؤسای کشورهای ساحلی ایران، قزاقستان، ترکمنستان، سند ساخت خط ریلی «خزر- اوزن[۲] - گیزیل گایا[۳] – لیریکف[۴] – اترک- گرگان» که در نهایت هم به شبکه ریلی روسیه متصل می شود به امضا رسید. طول کلی مسیر ۶۷۰ کیلومتر است و ۱۳کیلومتر آن از خاک قزاقستان،۴۷۰ کیلومتر از خاک ترکمنستان و ۷۰ کیلومتر آن نیز از خاک ایران می گذرد. مقرر گردیده که هر کدام از کشورها نسبت به ساخت و ساز خطوط ریلی منطقه خود برنامه ریزی داشته باشند. این خط جدید ۶۰۰ کیلومتر کوتاه تر از مسیر قبلی که از سرخس می گذشت، می باشد.

خوشبختانه این خط آهن که «راه آهن شرق دریای خزر» نامیده می شود در مهر ماه سال ۱۳۹۳ با حضور رهبران سه کشور در مرز اینچه برون در ایران افتتاح و به بهره برداری رسید. با گذشت ۴ سال از این مراسم هنوز این راه آهن کاملا عملیاتی نشده و نیاز به برنامه ریزی و ساماندهی ترانزیت کالا و آماده سازی زیرساختها به ویژه در پایانه ریلی «اینچه برون» در ایران دارد.

در موافقتنامه حمل و نقل کشورهای حاشیه دریای خزر که در آکتائو قزاقستان در ضمن امضای کنفوانسیون دریای خزر که در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ به امضاء طرفهای ذی نفع رسیده است، هر گونه زیرساختهای قانونی و حقوقی حمل و نقل و ترانزیت آماده شده است.

مسیر غربی راهگذر

از طریق شاخه غربی راه گذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب خط ریلی مستقیمی از آستاراخان، ماخاچکالا، سامور از خاک آذربایجان بر اساس برنامه ریزی های انجام شده از منطقه آستارا وارد ایران می شود. طرف ایرانی نیز ساخت خط ریلی قزوین- رشت- بندر انزلی

---

[1] - Saratov
[2] - Ozon
[3] - Gizil Gaya
[4] - Lirikov

را تا آستارا در مرز با جمهوری آذربایجان در نظر گرفته است. مسیر تحویل بار در بخش شمالی راه گذر شمال- جنوب مرزهای کشور فنلاند است و از آن جا به سمت گذرگاه های مرزی غرب روسیه از جمله بنادر دریایی روسیه در حوزه بالتیک متمایل می شود. طبق ارزیابی کارشناسان بازار کالای راه گذر شمال-جنوب ۲۵ تا ۲۶ میلیون تن تا سال ۲۰۱۵ پیش بینی شده بود[۱]. برای افزایش خطوط ریلی راه گذر حمل و نقل شمال-جنوب بیشتر از ۱۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری شده است[۲].

راه گذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب به منظور افزایش ظرفیت حمل و نقل ترانزیتی کالا از هند و ایران و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس به خاک روسیه (از طریق دریای خزر) و در ادامه به سمت کشورهای اروپای شمالی و غربی ساخته شده است. مسیر های راهگذر شمال جنوب به قرار زیر در نظر گرفته شده است:

۱- فنلاند - پترزبورگ - مسکو با شاخه ای به سوی آستاراخان و نووسیبیرسک[۳]

۲- برلین - روسیه - مینسک - مسکو- نیژنی نوگراد - یکاترینوبورگ

راه گذر شمال- جنوب توجه بسیاری از کشورهای دیگر از جمله بلاروس، قزاقستان، عمان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، سوریه، لبنان، بلغارستان، قرقیزستان، ترکیه و اوکراین را به سوی خود جلب کرده است. در میان نامزدهای احتمالی درخواست بحرین، ترکمنستان، عربستان سعودی، کویت، امارات، اندونزی، مالزی، سریلانکا در دست بررسی بوده است. علاقه مندی و گرایش به راهگذر شمال-جنوب از سوی فنلاند، لیتوانی و شماری از کشورهای اروپایی دیگر نیز مطرح شده است.

راه گذر حمل و نقل شمال-جنوب در مسیر جنوب به شمال برای جابه جایی کالا از هند به روسیه فعالیت می کرد ولی امکان بازگشت به موقع بار و کانتینرهای ارسالی آن، یعنی از مسیر شمال به جنوب و به سمت هند از طریق راهگذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب وجود نداشت. در روسیه شمار زیادی از کانتینر های خالی شرکت های هندی تجمع کرده بودند که

[۱] - بنا به دلایلی که در متن مقاله به آن پرداخته شده، این مقدار حمل و نقل هیچگاه محقق نشده است.

[2] - Состояние российской транспортной системы(situation of Russian transport system), available in: http://inter.rzd.ru/isvp/public/inter?structure_id=682

[3] - Novosibirsk

این ناشی از عدم امکان بازگشت به موقع کالا از روسیه به هند بود. کمپانی های هند چندین بار درباره بازگشت به موقع کانتینرهایشان به روسیه تذکر دادند ولی مسئله حل نشده باقی ماند.

برای به حداکثر رساندن پتانسیل های موجود در راه گذر حمل و نقلی شمال-جنوب مدرنیزه کردن بندر آستاراخان در چهارچوب برنامه های طرف روسی قرار گرفته بود. البته توسعه آتی این بندر به دنبال ساخت و بهره برداری از بندر اولیا[1] امکان پذیر می شود که قادر به صادرات ۸ میلیون تن بارهای خشک در سال است. مسئله راه اندازی خطوط ارتباط ریلی مستقیم از ساحل غربی دریای خزر با ساخت خط ریلی قزوین-آستارا(در ایران)-آستارا (در جمهوری آذربایجان)از جانب روسیه، جمهوری آذربایجان و ایران مورد بررسی قرار گرفت و موافقت نامه ای میان سه کشور درباره ایجاد تعدادی کمپانی، تبادل پروژه های ساخت و ساز و طرح های تجاری در چهارچوب موافقت نامه به امضا رسید. ظرفیت و توان عملیاتی تقریبی خطوط ریلی ۱۰ میلیون تن در مرحله اولیه در نظر گرفته شده و در آینده می تواند به ۱۵ میلیون تن در سال هم افزایش یابد. زمان تعیین شده برای اتمام مراحل ساخت و ساز سال ۲۰۱۲ پیش بینی شده بود و هزینه لازم برای عملی ساختن پروژه حدود ۸۰۰ هزار دلار برآورد شده بود، با این وجود تا پایان سال ۲۰۱۸، این مسیر ناتمام مانده و بین آستارا تا رشت، هنوز اقدامی صورت نگرفته است. اصولا روس ها نسبت به اینم مسیر حساسیت دارند. زیرا بر این باور هستند که ممکن است گرجستان با بهره گیری از شبکه ریلی موجود با جمهوری آذربایجان از این مسیر برای ارتباط با جنوب از طریق ایران بهره برداری کند. روس ها به سبب درگیری با گرجستان این کشور را در تنگنای ارتباطی با جنوب قرار داده اند، شاید در این مقطع از دیدگاه ژئوپلیتیکی بتوان گفت که مشارکت گرجستان در پیوستن ریلی به راه آهن قارص-تفلیس که ترکیه را از طریق ریل به گرجستان و جمهوری آذربایجان متصل کرده است، در همین راستا بوده است.

از دیگر فعالیت های راه گذر حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب اجرای پروژهSWAP (پروژه CROS) از طریق بندر نفتی خزر، نکا می باشد و در حال حاضر توان عملیاتی بندر به

[1] - Olya

۱ میلیون بشکه نفت در روز رسیده است. ایجاد ۱۵ اسکله که مساحت کلی آن ها ۷۵۰ متر است امکان ورود کشتی ها تا حدود ۶ هزار تن بار را فراهم می کند. تحقق عملی برنامه هایی که در چهارچوب راهگذر حمل و نقل شمال- جنوب می باشد نیازمند به:

۱ - بهبود و توسعه ساختارهای مدیریتی راهگذر؛

۲- اتحاد اعضای پروژه در چهارچوب مقررات آن؛

۳- متمایل شدن دولت ها به ضرورت های زیر ساختی؛

۴- افزایش حجم تبادل بار از طریق تمامی مسیر ها و در هر دو جهت می باشد.

از نقطه نظر ژئوپلتیکی با حمل و جابه جایی کالا از طریق راه گذر شمال-جنوب علاوه بر منافع بسیاری که نصیب روسیه می گردد باعث تحکیم موضع روسیه در دریای خزر نیز می شود [1].

۲-۱۰- مشکلات و آسیب های موجود

معاونت حمل و نقل وزارت راه و شهرسازی آسیب های موجود در کریدور شمال-جنوب را براساس مطالعه انجام شده، اینگونه تشریح کرده است:

- فقدان رویکرد جامع نگر در کشور امین موافقتنامه
- تعیین متولی بخشی برای کریدور
- توافق های قیمت گذاری غیر اجرایی و غیر رقابتی
- در نظر نگرفتن بخش خصوصی و تجار به عنوان مالکان بار در توافقات دولتی
- بخشی نگری در فقدان محوریت دبیرخانه منسجم کریدور جهت هماهنگی اقدامات در داخل و میان اعضا
- رویکرد غالب دولتی بدون توجه به لزوم خلق ارزش و ایجاد مزیت رقابتی برای تجار
- رویکرد حمل و نقلی صرف به کریدور
- نگرش زیر ساخت محور به جای بازار محوری

[1] - Международный Транспортный Коридор «Север – Юг», справочная информация ,2010 г, (north-south international transport corridor, information office, 2010), available in:http://www.mid.ru/foreign_policy/rso/-/asset_publisher/۰vP3hQoCPRg5/content/id/261234

- فاصله قابل توجه نگرش دولتی از بخش خصوصی
- اکتفا به مزیت ژئوپلتیکی و غفلت از رقابت بین المللی
- تحریم های بین المللی(خبرگزاری مهر، پیشین)

۲-۱۰- آخرین تحولات کریدور حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب

همکاری با روسیه:

نهمین نشست گروه کاری همکاری در بخش حمل و نقل بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در تاریخ ۱۵ - ۱۴ اسفند ۱۳۹۶ (۵-۶ مارس ۲۰۱۸) در شهر مسکو برگزار گردید. در این نست توافقات زیر به عمل آمد.

۱- طرفین علاقه مندی خود را جهت توسعه مسیرهای شرق دریای خزر، مسیر دریای خزر و غرب دریای خزر و افزایش حجم حمل و نقل از طریق کریدور شمال جنوب و به ویژه در دو زمینه حمل و نقل چند وجهی میان ایران و روسیه(انواع بار از جمله محصولات غذایی) و همچنین با کشورهای ثالث، ابراز نمودند.

۲- طرف ایرانی آمادگی خود را برای برگزاری هفتمین نشست شورای هماهنگی کریدور شمال جنوب در اکتبر سال ۲۰۱۸ در تهران اعلام نمود.

۳- طرفین توافق نمودند تا ظرف یک ماه پیشنهادات خود را به منظور توسعه آتی کریدور شمال جنوب جهت طرح و نشست شورای هماهنگی مبادله نمایند.

۴- طرفین پذیرفتند تا مرکز ارتباطی منسجمی جهت ادامه توسعه کریدور شمال - جنوب تشکیل دهند.

۵- طرف روس ظرف یک ماه اطلاعات تماس نمایندگان مرکز ارتباطات خود را برای توسعه کریدور شمال - جنوب معرفی خواهد نمود.

۶- با هدف توسعه لجستیک:

۶-۱- طرف ایرانی علاقمندی خود را جهت ساماندهی همکاریهای مشترک در حوزه توسعه زنجیره های تامین و مراکز لجستیک با توان بالا در چارچوب کریدور شمال-جنوب اعلام نمود. طرفین این موضوع را به منظور طرح در جلسه شورای هماهنگی کریدور طی ملاقات های کاری آتی بررسی می نمایند.

۶-۲- پیرو توافقات صورت گرفته با راه آهن روسیه، طرفین پذیرفتند تا در اسرع وقت در سال ۲۰۱۸ ، سمیناری در تهران با حضور طیف گسترده ای از شرکت های حمل و نقل و لجستیک ایرانی و روسی برای توسعه حمل و نقل کریدور شمال -جنوب برگزار شود.

۷- طرفین بر اهمیت تکمیل فرایندهای گمرکی برای سازماندهی آتی حمل و نقل در کریدور شمال - جنوب تاکید نمودند.

به نظر متخصصان مسائل آسیای مرکزی و قفقاز، در راه‌اندازی این پروژه مشکلاتی وجود دارد از جمله مشکلات فنی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی که باید حل بشود. «این فرایند ممکن است از نظر زمان زودتر از کانال سوئز باشد چون اگر کشتی ها بخواهند مسیر بنادر هندوستان به سوی بندر سن‌پترزبورگ در شمال غربی روسیه را طی کنند شاید دو ماه طول می‌کشد، به همین سبب هندی‌ها علاقمند بودند که کریدور شمال-جنوب فعال شود. ولی از سال ۲۰۰۰ که این قرارداد امضا و مقرر شده بود که سالانه ۲۰ میلیون تن از شمال غربی اروپا به سمت کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند کالا جابجا شود. با اطلاعاتی که در دست است، طی ۱۷ سال در این مسیر فقط ۷۲ تن کالا از هند به روسیه توسط ۳ کامیون برای انجام آزمایشی در این مسیر حمل شده است».

همکاری با هند:

بر اساس گزارشات موجود وزارت راه و شهرسازی در سمینار مشترک تجاری جمهوری اسلامی ایران با هند، که در ۲۰ دی ماه ۱۳۹۶ با حضور عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی ایران، نیتین گادکاری وزیر حمل‌ونقل جاده‌ای، بزرگراه‌ها و کشتیرانی دولت هند، انصاری سفیر ایران در دهلی نو، سفیر جمهوری هند در تهران و با حضور و مشارکت فعال بخش خصوصی دو کشور از جمله اتاق‌های بازرگانی دو کشور، نمایندگان انجمن‌های شرکت‌های کشتیرانی دو کشور در دهلی نو برگزار شد، در باره فعال سازی کریدور حمل و نقل شمال - جنوب تاکید شده است.

بنا به اظهار آقای دکتر آخوندی ایران و هند در همکاری خود به سه راهرو اصلی، از جمله کریدور بین المللی شمال- جنوب(INSC) تمرکز کرده اند. اما ایران در کنار کریدور بین المللی شمال - جنوب یک کریدور جدید هم معرفی کرده است که به سمت غرب و اروپا می رود در

حالی که سومین کریدور ترانزیتی نیز از ایران به سوی شرق رفتـه و از افغانسـتان و کشـورهای آسیای میانه عبور می کند و به چین می رسد (http://seanews.ir).

باید یاد آور شد که حدود ۹۰٪ تجارت جهانی از طریق راههای آبی صورت می گیـرد. بـرای انتقال حجم عظیمی که کشتی‌ها جابجا می‌کننـد، هـیچ گونـه جـایگزینی در راه هـای زمینـی (ریلی و جاده ای) نمی تواند داشته باشد. ولی اگر کریـدور شـمال جنـوب عملیـاتی شـود تـاثیر مثبتی بر منطقه خواهد داشت.

افزون بر این ها، وزیر راه و شهرسازی ایران در جریان سفر به هند در ۲۳ دی ماه ۱۳۹۶ بـا «نیتین گادکاری» وزیر «حمل‌ونقل جاده‌ای، بزرگـراه‌هـا و کشـتیرانی» هنـد دیـدار و پیرامـون گسترش همکاری های دوجانبه بحث و گفتگو کردند. گادکاری نیز دیـدار متقابـل مسـئولان دو کشور در دو سال اخیر را نشان اهتمام دو کشور به گسترش تعاملات حمـل ونقلـی و ترانزیتـی دانست و اضافه کرد که موضوع لجستیک بـرای هنـد بسـیار مهـم اسـت و مـا بایـد بـا ترسـیم چارچوب های مشخص همکاری به سرعت به پیگیری موضوعات مورد علاقه دو طرف در زمینـه ترانزیت از جمله در چارچوب کریدور شمال-جنوب بپردازیم (http://seanews.ir).

۳-جمع‌بندی و نتیجه گیری نهایی

باید یاد آور شد که مقدار ترانزیت کالا از ایران در سالهای اخیر از سوی کشورهای محصـور در خشکی در آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان نسبت به دهه ها و سالهای قبل کـاهش یافتـه است. با توجه به اقتصادهای کشورهای حوزه دریای خزر و آسـیای مرکـزی، کـه بیشـتر صـادر کننده انرژی و مواد خام هستند، نمی توان انتظار داشت که بازارهای خود را در جنوب ایران در حوزه خلیج فارس جستجو کنند که نیاز به ترانزیت از ایـران داشـته باشـند. یکـی از مشـتریان ترانزیت ایران جمهوری ازبکستان بـود کـه سـالهای قبـل مقـدار قابـل تـوجهی پنبـه خـام بـه هندوستان و با عبور از ایران صادر می کرد. اکنون چند سالی است که با بهره برداری از صـنایع نساجی سرمایه گذاری شده توسط ایالات متحده آمریکا و آلمان فدرال، این کشور دیگـر مـازاد مواد خام پنبه برای صادرات نـدارد و بـیش از ۷۰ درصـد پنبـه خـام در صـنایع تبـدیلی مـورد استفاده قرار می گیرد. هم چنین یکـی دیگـر از اقـلام عمـده ترانزیتـی از آسـیای مرکـزی بـه بازارهای جهانی از طریق قلمرو ایران توسط ترکمنستان بود که مقدار قابـل تـوجهی گـوگرد از

ایران ترانزیت می کرد. اکنون در بازار جهانی قیمت گوگرد کاهش یافته و با افزایش هزینه حمل، صادرات این محصول صرفه اقتصادی نداشته و صادرات آن از قلمرو ایران متوقف شده است.

کشورهای آسیای مرکزی انرژی خود را در دو مسیر اصلی شرقی به «چین و آسیای شرقی» و به «اروپا» در مسیر غربی صادر می کنند. بنابراین کریدور شمال- جنوب هم به سبب کاستی های زیر ساختی و هم حقوقی نمی تواند جذابیتی برای بهره برداری داشته باشد. تخلیه و بارگیری کالا و حمل در مسافتهای طولانی با کامیون و جاده یا چند وجهی (راه آهن-جاده-کشتی) هزینه حمل را افزایش و قیمت تمام شده کالا را افزایش می دهد و قدرت رقابت پذیری آن را از بین می برد. اگر چه در حمل دریایی نسبت به حمل زمینی زمان بیشتری صرف می شود، ولی حجم عظیم کالای حمل شده توسط کشتی قابل مقایسه با حمل زمینی نیست. علاوه بر آن کشورهای آسیای مرکزی در مسیر شمال با روسیه هم در ارتباط هستند. لذا کریدور شمال جنوب که می توانست بین روسیه و هند و حوزه اقیانوس هند مورد بهره برداری قرار گیرد بر خلاف آنچه در رسانه های کشور و در سازمانها و نهاد های دولتی و خصوصی عنوان می شود، نمی تواند آن طور که عنوان می شود، کارایی قابل توجهی داشته باشد.

باید یاد آور شد که حمل و نقل و ترانزیت فرآیندی است که در سه لایه اتفاق می افتد. لایه یکم، اقتصادی بودن مسیر انتخابی است که زیرساختهای فیزیکی راه های زمینی، امنیت و سرعت را در بر می گیرد. ایران دارای جاده های مناسب و استانداردی است که در کمتر کشور مسیر کریدور شمال- جنوب از آن بهره مندند. این امتیاز بسیار بالایی برای ایران در جذب بار دارد. لایه دوم قوانین و مقررات مترتب بر فرایند حمل و نقل و ترانزیت است که شامل ساختار قوانین گمرکی، بانکی، بیمه، بازرسی و از این قبیل است. این قوانین باید مطابق با قوانین بین المللی حمل و نقل باشد. اگرچه این لایه در ایران دارای برخی موانع بازدارنده اس (به ویژه مقررات سخت بازرسی کامیونها و کانتینرها در مرزها در زمینه قاچاق کالا و ارز)، ولی با این وجود می تواند با انجام بهبود روشها در جلب ترانزیت مورد بهره برداری قرار گیرد. لایه سوم که قابل لمس نیست ولی بسیار تاثیر گذار بر فرایند حمل و نقل و ترانزیت است، فضای سیاسی حاکم بر دو لایه پیش گفته است که می تواند تاثیرگذار باشد. هر نوع ناهماهنگی و ایجاد چند صدایی در محیط بین الملل اعم از تهدید های نظامی یا اعلام خصومت و فعالیتهای بازدارنده و

تهدید آمیز می تواند جلب ترانزیت و حمل و نقل را در محیط ایران با پیرامون مختل نماید. توجه به فضای سیاسی برای کارآمدن کردن دو لایه دیگر بسیار ضروری و حیاتی است.

فرض بر این بوده است که روسیه و هندوستان به عنوان دو کشور امضاء کننده موافقتنامه کریدور شمال-جنوب برای ارتباط تجاری با یکدیگر از مسیر کریدور شمال-جنوب بهره برداری کنند. در این فرض ایران به عنوان کشور واسط، نقش اساسی ایفا می کند. افزایش میزان و مقدار ترانزیت کالا و مسافر از کشور ایران موجب ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی آن می شود. سطح مبادلات کشورهای عضو در کریدور افزایش می یابد و به همین ترتیب چسبندگی اقتصادی کشورهای منطقه بیشتر می شود. اگرچه در آمد های ارزی ایران با بهره گیری از حق ترانزیت افزایش می یابد، ولی هنوز توجیه اقتصادی سود حاصل از ترازیت در جایگزینی با اصطحلاک سرمایه های ثابت برای تعمیر و نگاهداری جاده های ترانزیتی در اقتصاد ملی محاسبه دقیق نشده است. با این وجود همیشه کشورهای ترانزیتی جایگاه ژئوپلیتیکی مهمی را دارا هستند و کشورهایی که از راههای ترانزیتی آن بهره مند می شوند، ناگزیر از توجه به منافع و امنیت ملی آن کشور هستند و در سیاست خارجی کاربردی کلیدی دارد. با نگاهی به آمار تجارت خارجی روسیه و هند، می توان دریافت که این دو کشور برخلاف آنچه در کریدور پیش بینی می شد، مبادلات تجاری قابل توجهی که بتواند به شکوفایی ترانزیت و حمل و نقل در مسیر کریدور منجر شود، ندارند. بنابر این جذب دیگر کشورهای عضو برای تشویق به مبادلات درون منطقه ای بسیار مهم خواهد بود و ده کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی(اکو) می توانند از این امکانات بهره مند شود.

در سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، سهم روسیه از واردات کالا از هندوستان تنها کمتر از یک درصد(۰.۷٪) بوده است. از سوی دیگر سهم هند از واردات کالا از روسیه بین ۰.۹٪ تا ۱.۳٪ در نوسان بوده است. با توجه به آنکه این کالاها دارای تنوع زیادی بوده اند، عمدتا با کشتی مبادله شده اند و نیازی به گذر از ایران و بهره گیری از مسیر کریدور شمال جنوب نداشته اند، موردی که در زمان امضای توافقنامه در سال ۲۰۰۰ کمتر بدان توجه شده بود.

تجارت خارجی هند با روسیه در سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۷(میلیون دلار)

تجارت خارجی	سال ۲۰۱۵	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۱۷
واردات از روسیه	۴۵۲۷.۱	.۴۰۷۸۲۰	۶۱۲۸.۷
صادرات به روسیه	۱۶۱۱.۹	۱۸۱۳.۹	۱۵۳۰.۹

در مورد کشورهای دیگری که علاقه مند به پیوستن به این کریدور بوده انـد، بایـد یـاد آور شد که کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای صـادر کننـده نفـت هسـتند و بـازار آنهـا بـا کشورهای وارد کننده نفت در ارتباط است. روسیه خود نیز صادر کننده نفـت در جهـان اسـت. بنابراین اقتصاد کشورهای نفت خیز حوزه دریای خزر با اقتصـاد روسـیه مشـابه بـوده و مکمـل یکدیگر نیستنند و علاوه بر آن روسیه خود وارد کننده کالا های مصـرفی بـا دوام و کـم دوام و مصرفی از کشورهایی است که به آنها نفت و مواد خام صادر می کند. کشورهای حـوزه اروپـای شمالی هم رغبت چندانی به مشارکت با روسیه در جابجایی کالا در مسیر کریدور شمال جنوب را ندارند. افزون برآن پس از سال ۲۰۱۴ اشغال و انضمام شبه جزیـره کریمـه از سـوی روسـیه، منجر به تحریم روسیه از سوی اتحادیه اروپایی شده است. هم چنین ایران نیز از سـوی ایـالات متحده با تحریمهایی روبروست که در مبادله کالا با اتحادیـه اروپـا نقصـان ایجـاد کـرده اسـت. بنابراین در شرایط کنونی جاذبه هایی برای فعال شدن این کریدور وجود ندارد. از سـویی دیگـر روابط اقتصادی ایران با دو عضو دیگر اصلی کریدور(هنـد و روسـیه) هـم از مجـاری موجـود از طریق دریا با هندوستان و جاده و ریل با روسیه از طریق ریلی (راه آهن شرق دریای خزر) و راه آبی دریای خزر و جاده و ریل از مسیر جمهوری آذربایجان انجام می شود.

در یک کلام می تـوان گفـت کـه در محافـل روسـی بـه ایـن کریـدور «کریـدور کاغـذی» می گویند زیرا عملا به اهدافی که برای آن تعریف شده بـود، نرسـیده اسـت و تنهـا روی کاغـذ وجود دارد. امید می رود با بهبود اوضاع و شرایط بین المللی در آینـده ایـن کریـدور بتوانـد بـه کریدوری پویا و اقتصادی تبدیل شود، بویژه پس از اتصال راه آهن رشت به آستارا، بخش ریلـی می تواند در حمل کالا در مسیری طولانی، اقتصادی و قابل جایگزین برای مسیر سـنتی کانـال سوئز باشد. زیرا در مسیری طولانی و مقرون به صرفه از بندر عباس تا مسکو می تواند شبکه راه آهن سه کشور(ایران- جمهوری آذربایجان-روسیه) بدون تخلیه و بارگیری به مسیر خـود ادامـه دهد.

منابع و مآخذ:

الف) فارسی

۱-**کریدور شمال-جنوب، یک کریدور کاغذی یا عملی؟ مصاحبه اسپوتنیک با دکتر بهرام امیراحمدیان**، قابل دسترس در:

https://ir.sputniknews.com/opinion/201811014124481-%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D9%88%D8%B1-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D9%84-%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8/

۲-**دکتر آخوندی در دیدار با وزیر حمل ونقل جاده ای، بزرگراه ها و کشتیرانی هند بر اهمیت لجستیک در کریدور شمال-جنوب تاکید کرد.** قابل دسترس در:

http://seanews.ir/%D8%A2%D8%AE%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%A7-%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%AD%D9%85%D9%84%E2%80%8C%D9%88%D9%86%D9%82%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D8%AF%D9%87/

۳-**گفتگوی آخوندی در دیدار با وزیر حمل ونقل جاده ای و کشتیرانی هند ؛ تاکید بر اهمیت لجستیک در کریدور شمال-جنوب**. قابل دسترس در:

http://seanews.ir/%D8%A2%D8%AE%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%A7-%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B1-%D8%AD%D9%85%D9%84%E2%80%8C%D9%88%D9%86%D9%82%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D8%AF%D9%87/

۴- **کریدور شمال-جنوب ؛ تپش ضربان اقتصاد غرب آسیا در ایران**، روزنامه اطلاعات، ۱۳ مرداد۱۳۹۷

۵ - **کریدور شمال-جنوب ؛ تپش ضربان اقتصاد غرب آسیا در ایران**، خبرگزاری مهر، ۳۰ تیر ۱۳۹۷

ب) منابع لاتین

1- **UN COMTRADE statistics:**
http://www.trademap.org/tradestat/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm=1|762

2-**North-South International Transit Corridor-NOSTRAC**

3- http://**eurasian-research.org**/sites/default/files/aae_bulten_en_34.pdf

4- http://**www.irica.gov.ir**/persian/article/articleview.aspx?id=4

5-Соглашение о Международном транспортном коридоре «Север-Юг», Санкт-Петербург, 12 сентября 2000 г.,(**Agreement on international transport corridor"North-South"**). Available in: ttp://pravo.kulichki.com/megd2007/bz02/dcm02327.htm

6-Проблема новых транспортных коридоров (problems of new transport corridor). Available in: http://**www.qudsdaily.com**/archive/1387/html/1/1387-01-14/page25.html

7-Состояние российской транспортной системы(situation of Russian transport system), available in: http://**inter.rzd.ru**/isvp/public/inter?structure_id=682

8-Международный Транспортный Коридор «Север – Юг», справочная информация ,2010г, (**north-south international transport corridor, information office, 2010**), available in:

9-http://**www.mid.ru**/foreign_policy/rso/-/asset_publisher/0vP3hQoCPRg5/content/id/261234
http://**www.trademap.org**/tradestat/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm=1|762

10-http://**eurasian-research.org**/sites/default/files/aae_bulten_en_34.pdf

فرصت های اقتصادی ایران در دوران تحریم های یکجانبه آمریکا؛ مطالعه موردی قفقاز جنوبی

محمد جلالی فرد [1]

سید روح الدین میری [2]

تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۱۱/۳۰

چکیده

استفاده از ظرفیت های اقتصادی موجود در کشورهای همسایه و همجوار می تواند یکی از راه های مهم رهایی از تبعات منفی تحریم برای جمهوری اسلامی ایران باشد. در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی ایران در معرض تحریم های غیرقانونی و یکجانبه ایالات متحده آمریکا قرار دارد، می توان با اتخاذ یک سیاست درست، انتخاب راهبردها و برنامه های مناسب از طریق بسط، گسترش و توسعه مناسبات اقتصادی دو یا چند جانبه با کشورهایی که به ویژه قرابت فرهنگی، تاریخی و تمدنی نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران دارند، از فرصت های اقتصادی موجود بهره گرفت. قفقاز یکی از مناطق مهم در این زمینه است. این منطقه اگرچه از نظر اقتصادی تا حدود زیادی به غرب وابسته است و کشورهای غربی هم عملاً قفقاز را در ساختار همسایه خود قرار داده و با آن تعامل دارند، با این حال به عنوان یک بازار بزرگ و مهم محسوب می شود که به روی ایران گشوده شده است. در مقاله حاضر فرصت های اقتصادی ایران در کشورهای حوزه قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) در دوران پساتحریم مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد. در تالیف این مقاله از روش توصیفی – تحلیلی استفاده شده است. سوالی که در این پژوهش مطرح می شود این است که در دوره پساتحریم چه فرصت های اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای حوزه قفقاز جنوبی وجود دارد؟ نتایج این پژوهش نشان می دهد جمهوری اسلامی ایران در دوره تحریم می تواند با بهره گیری از فرصت های موجود به تامین منابع مالی خود اقدام نماید.

واژه گان کلیدی: قفقاز جنوبی، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، تحریم.

---

[1] - پژوهشگر مطالعات منطقه قفقاز

[2] - کارشناس ارشد روابط بین الملل از دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

با خروج دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از برجام و از سرگیری تحریم ها علیه ایران، دستیابی به فرمولی که زیان های تحریمی اقتصاد ایران را به کاهش برساند، به یکی از مسائل مهم در کشور تبدیل شده است. در کنار تمام فرمول ها و مکانیسم های موجود که ارائه شده و در حال پیگیری است، تعامل اقتصادی با کشورهای همسایه، یکی از آسان ترین، ساده ترین و کم هزینه ترین راهکارها برای به حداقل رساندن زیان های ناشی از تحریم و عبور موفق از تحریم های خارجی است.

رابطه اقتصادی با کشورهای همجوار و همسایه یک راهبرد شناخته شده در سطح جهان به حساب می آید. هر کشوری که می خواهد به یک «قدرت محور» تبدیل شود، باید به رابطه فعال در وجوه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی با همسایگان خود به عنوان راهبردی جایگزین ناپذیر نگاه کند. در همسایگی ایران کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس وجود دارند که هم اینک رابطه ایران با اکثریت آنان «فعال» و «دوستانه» است. همسایگان ایران نوعاً در امور جاری خود به توانمندی‌های ایران احتیاج دارند و توانایی‌هایی هم دارند که می‌تواند بخش قابل توجهی از نیازهای ایران را تأمین نماید. در حال حاضر و در شرایطی که زیرساخت های تجاری جمهوری اسلامی دچار ضعف است و کشور در معرض تحریم های یکجانبه آمریکا قرار دارد، سهم هر کدام از این همسایگان در مبادلات تجاری ما می تواند حداقل ۳ میلیارد دلار باشد و این در حالی است که هم اینک مبادلات تجاری ایران با ترکیه حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده و سهم عراق در مبادلات تجاری از مرز ۸ میلیارد دلار عبور کرده است. این مبادلات تجاری و ارزی (در وضع حداقلی) در مجموع می تواند حداقل ۳۰ میلیارد دلار در سال باشد و این عدد در صورت اصلاح زیرساخت‌های تجاری در یک دوره ۳ تا ۵ سال می‌تواند به ۶۰ میلیارد دلار افزایش یابد. این مبادلات تجاری می تواند با به رسمیت شناختن پول هر کدام از کشورها توأم باشد و از این طریق ضمن رها شدن نسبی از سیطره دلار و یورو می توان به افزایش دائمی و چشمگیر ارزش و توان «ریال» دست پیدا کرد. چنین رابطه‌ای می‌تواند جنبه دائمی داشته باشد و از سیاست‌های خصمانه دشمنان فرامنطقه‌ای ایران به دور باشد.

قفقاز جنوبی یک مثال بارز در این راستا است. آمریکا و رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر تلاش زیادی کردند تا مانع گرم شدن روابط با کشورهای از حوزه قفقاز جنوبی شوند و در مقاطعی هم سبب کاهش روابط ایران با برخی کشورهای این حوزه شده اند. اما هم اینک به دلیل رخدادهایی که در قفقاز جنوبی پیش آمد، جمهوری های این منطقه به تقویت رابطه با جمهوری اسلامی رغبت بیشتری نشان داده و هم اینک روابط ایران با این منطقه در مسیر رو به رشد قرار گرفته است.

۲- چارچوب نظری؛ عمل گرایی در سیاست خارجی

از محورهای مهم در عرصه سیاست گذاری خارجی کشورها، به کار گرفتن رویکردهایی است که به دو شاخه کلی آرمان گرایی و عمل گرایی تقسیم پذیر است. رویکرد ایدئولوژیک- محور یا آرمان گرایانه، به منزله پذیرش نظامی ارزشی درباره طبیعت بشر، جامعه، مسائل سیاسی و اقتصادی است که اولویت و الزام هایی را برای گرفتن تصمیم ها و اجرای آن ها پیش روی تصمیم سازان قرار می دهد (Padelford and Lincoln, 1967 : 59). این رویکرد به عنوان مجموعه ای از اندیشه هاف فرض ها و گزاره های متعلق به بخشی از جامعه انسانی در نظر گرفته شده است که نگرش ها را نسبت به عناصر تشکیل دهنده جهان خارج، تعریف می‌کند و افراد و گروه‌های یک اجتماع را به هدف‌ها و رفتارهای مشترکی وابسته می‌سازد. بر این پایه چنانچه، سیاست خارجی کشوری در پی دستیابی به هدف‌های فقط ایدئولوژیک در آن سوی مرزها باشد، سیاست خارجی آرمان گرایانه مبتنی بر ایدئولوژی خوانده می‌شود (Barzegar, 2009 : 128).

در مقابل سیاست خارجی عمل گرا با پذیرش واقعیت های موجود، به دنبال استفاده حداکثری از فرصت ها در راستای منافع کشور است. واقعی و معقول بودن منافع، همچنین محاسبه هزینه و فایده در تحقق هدف های مدنظر، جزو اصول کلی این رویکرد هستند.

۳- داده های پژوهش

۳-۱- اهمیت قفقاز جنوبی برای جمهوری اسلامی ایران

بر اساس نظریه سر هالفورد مکیندر[1] قفقاز در منطقه ای با عنوان قلب[2] زمین قرار گرفته است. از دیدگاه وی، هر کشوری که بر این منطقه از جهان تسلط پیدا کند، به تمامی جهان تسلط یافته است. به دلیل موقعیت بسیار مهم این منطقه شاهد توجه و حضور قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای به قفقاز جنوبی و تقابل و بعضاً تضاد منافع کشورهای مختلف جهان در این منطقه هستیم. علاوه بر آن وجود منابع عظیم انرژی و خاویار، که در تمام نقاط جهان بی نظیر است، به این منطقه اهمیتی خاص بخشیده است.

به لحاظ جغرافیایی، منطقه ای که امروز با نام قفقاز جنوبی شناخته می شود، بخش عمده ای از آن در حقیقت جزو جغرافیای فرهنگی ـ تاریخی ایران محسوب می شود که همین پیوندهای تاریخی و فرهنگی در شرایط فعلی فرصت ها و البته در موارد تهدیدهایی را نیز متوجه جمهوری اسلامی ایران کرده است. البته غنیمت شمردن فرصت ها و اخذ رویکردهای مناسب برای مهار و دفع تهدیدها بالاخص از طریق تعاملات سازنده از اهمیت ویژه ای در سیاست قفقازی کشورمان برخوردار است.

به بیان دیگر منطقه قفقاز از دیرباز حوزه تمدنی ایرانی بوده و در قلمرو ایران قرار داشته و به طور مستقیم یا تحت حکمرانی دولت مرکزی ایران اداره می شده است. نقش این منطقه به منزله پلی طبیعی بین اروپا و آسیا حائز اهمیت است. وجود خاورمیانه در جنوب و آسیای جنوبی، چین و کشورهای خاور دور در شرق این منطقه و هم جواری با کشورهای اروپای غربی و روسیه از غرب و شمال بر اهمیت این منطقه افزوده است. قرار گرفتن در مکان فوقانی خشکی مسلط بر خاورمیانهٔ دارای انرژی و منابع غنی معدنی، حضور روسیه، چین و ایران و وجود ذخایر انرژی برای قدرت ها از اهمیت استراتژیکی برخوردار است (Gachechiladze, 2002).

---

[1] - Halford Makinder

[2] - خشکی بزرگ اوراسیا در نظریه مکیندر بین رود ولگا در غرب، سیبری در شرق، ارتفاعات البرز و هندوکش در جنوب و اقیانوس منجمد شمالی در شمال قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی در ایـن منطقـه نسـبت بـه همسـایگان جنـوبی خـود، اخـتلاف کمتـر و همپوشانی های بیشتری دارد. از سوی دیگر، این منطقه نقش یک پـل ارتبـاطی میـان اروپـا و آسیا را بازی می کند، ضمن اینکه هم برخوردار از انرژی و هـم مسـتعد ترانزیـت انـرژی اسـت. قفقاز جنوبی در گذشته نیز دروازه اروپا به ایران بوده است؛ مـثلاً نخسـتین تئـاتر یـا نخسـتین سینما اول به قفقاز وارد شد و از آنجا به ایران آمده است. بخش مهمی از جریان سیاسـی چـپ هم از صنعت نفت باکو و کارگرانی که آنجا بودند به ایران آمد.

نکته مهمی که وجود دارد ایـن اسـت کـه در چـارچوب «سـند چشـم انـداز بیسـت سـاله جمهوری اسلامی ایران» (در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی یا ۲۰۲۵ میلادی) می توان به اهمیـت مناطق آسیای مرکزی و قفقاز برای سیاستگذاران ایران پی برد. این سند نشـان مـی دهـد کـه سیاستگذار جمهوری اسلامی، به مناطق آسیای مرکزی و به خصوص قفقاز جنوبی در چارچوب جغرافیای وسیع «آسیای جنوب غربی» توجه خاصی نشان داده است و حـوزه قفقـاز از منـاطق زیرمجموعه «منطقـه آسـیای جنـوب غربـی» مـورد نظـر در اسـناد بالادسـتی کشـور در افـق ۱۴۰۴ ایران است. با وجود تأکیدات اسناد فرادستی و مقامات ارشد کشور در رابطـه بـا اهمیـت مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و مناسباتی که در طی ۲۶ سـال گذشـته میـان ایـران و هشـت کشور واقع در این دو منطقه صورت گرفته است، گویای آن است که آسیای مرکزی و قفقـاز در قیاس با دیگر مناطق پیرامونی ایران، همواره در سیاست خارجی کشورمان «با اهمیت امـا غیـر استراتژیک» بوده است و هیچ گاه در عمل به سطح و منزلت استراتژیکی نرسیده است. یکـی از مهم ترین دلایل این امر نیز، عدم احساس تهدید نظامی جدی برای کشورمان از سوی منـاطق آسیای مرکزی و قفقاز و در مقابل چالش های نظـامی و امنیتـی از ناحیـه افغانسـتان، عـراق و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس است؛ در صورتی که در نگرش جدیـد، مفهـوم اسـتراتژیک الزاماً در بعد سلبی و منفی و در مقابل تهدید تعریف نمی شود و بازیگران بـا تعریـف منـافع در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سطح مناطق مختلـف را بـه جایگـاه و منزلـت استراتژیک می رسانند. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی توسط آمریکا مورد تحریم قـرار گرفته است، باید توجه دولتمردان به حوزه قفقاز جنوبی که یک پتانسیل گسترده و آسان جهت استفاده های اقتصادی بوده و دارای پیشینه و اشتراکات فرهنگی، تاریخی و تمدنی مشترک نیز با ایران هستند بیش از پیش جلب شود.

این یک اصل مسلم است که منطقه قفقاز جنوبی از موقعیت ویژه و ممتازی در سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. دلایل متعددی در استراتژیک بودن جایگاه قفقاز در دیپلماسی رسمی ایران دخیل می باشد. قرار داشتن این منطقه در همسایگی ایران از یک ضلع و اتصال به دریای خزر از یک ضلع دیگر را می توان اولین دلیل اهمیت این منطقه استراتژیک برای ایران دانست. دوم، این منطقه از لحاظ موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک دارد. برآیند این دو عامل توجه قدرت های بزرگ و بازیگران بین المللی را به قفقاز جلب می کند. سوم، ایران دارای مرز مشترک با دو کشور آذربایجان و ارمنستان است و یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر می باشد که دارای منابع غنی نفت و گاز است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۶).

در دوران تحریم، منطقه قفقاز جنوبی و سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می تواند فرصت های متعددی را از نقطه نظر اقتصادی و بازرگانی در پیش روی ایران قرار دهد. به شرطی که جمهوری اسلامی نیز توجه ویژه ای به این کشورها داشته و نسبت به توسعه و گسترش بیش از پیش روابط اقتصادی با سه کشور مذکور اهتمام داشته باشد. باید توجه داشت از سرگیری تحریم های آمریکا علیه تهران در ماه های اخیر، ابهامات اقتصادی را برای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان که همسایگان ایران در قفقاز هستند، به همراه آورده است. هدف واشنگتن برای کاهش صادرات نفت ایران به صفر روی این سه کشور تاثیر مستقیمی نداشته است، زیرا هیچ یک از آن ها نفت ایران را وارد نمی کنند. با این حال هر سه کشور تا حدودی به گاز طبیعی ایران وابسته هستند و اگر وضعیت تحریم ها روشن نشود، از این بابت لطمه خواهند دید.

۳-۲- روابط اقتصادی ایران با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی

یکی از نکات قابل تأمل این است که روابط ایران با کشورهای حوزه قفقاز جنوبی با اینکه یک بازار بزرگ منطقه ای می تواند برای ایران باشد، بنا به دلایل عدیده ای از جمله غفلت دولتمردان از فرصت های اقتصادی قفقاز جنوبی و توجه بیش از اندازه به اروپا، از سطح بالا و راهبردی برخوردار نیست. به بیان ساده تر جمهوری اسلامی ایران با وجود داشتن روابط مثبت و سازنده دیپلماتیک و سیاسی با سه کشور منطقه قفقاز جنوبی، از نظر اقتصادی و حجم

مراودات تجاری با این کشورها در مقایسه با سایر رقبا مانند ترکیه و روسیه موفق عمل نکرده است. برای مثال در سال ۲۰۱۶، ترکیه با وجود قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی با ارمنستان، با ۱۶۸ میلیون دلار صادرات به این کشور، سومین شریک وارداتی این کشور بوده و ایران با ۱۶۴ میلیون دلار صادرات در جایگاه پایین‌تر از ترکیه و در رتبه چهارم شرکای وارداتی ارمنستان قرار داشته است. این در حالی است حجم مراودات تجاری ترکیه با جمهوری آذربایجان بیش از ۶ برابر ایران با جمهوری آذربایجان بوده است و روسیه هم حدود ۲ میلیارد دلار با جمهوری آذربایجان و ۱/۲ میلیارد دلار با ارمنستان مراودات تجاری داشته است.

با وجود موانع ساختاری و قانونی، نبود زیرساخت‌های مناسب، عدم حمایت از بخش خصوصی و ویژگی عدم تکمیل کنندگی اقتصادی ایران با این کشورها که به‌عنوان موانع گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی مطرح می‌شوند. نکته مهمی که در ارتباط با ارمنستان مطرح است، اجبار ژئوپلیتیکی حاکم بر رفتار خارجی این کشور، با سلب حق انتخاب در بین گزینه‌های متعدد خارجی، آن کشور را ملزم به ارتباط با گزینه‌های محدود خود کرده است؛ نکته مهمی که دو کشور ترکیه و روسیه با فهم آن به خوبی در راستای منافع ملی خودشان بهره‌برداری می کنند. برای همین است که ترکیه با وجود حمایت‌های آشکار و پنهان از جمهوری آذربایجان در قضیه قره باغ و قطع روابط دیپلماتیک، با ۱۶۸ میلیون دلار صادرات به ارمنستان، سومین شریک وارداتی این کشور به حساب می‌آید و روسیه با وجود اعتراض های مکرر مقامات ارمنی، به فروش تسحیلات نظامی خود به جمهوری آذربایجان ادامه می‌دهد. چنانچه در چند سال اخیر بیش از ۴ میلیارد دلار انواع تجهیزات نظامی به این کشور فروخته است. این در حالی است که ایران هنوز به فکر برابرطلبی راهبردی در روابط خود با این دو کشور است و به نوعی از این اجبار ژئوپلیتیکی حاکم بر رفتار ارمنستان در راستای منافع ملی خود استفاده نمی‌کند (اصولی، ۱۳۹۶).

مسأله مهم و اساسی دیگری که مطرح می شود این است که آیا وزن اقتصادی و اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه یکسان است تا باعث کارآمدی موضع برابرطلبی راهبردی رویکرد سیاست خارجی ایران شود؟

اقتصاد جمهوری آذربایجان نزدیک به ۴ برابر اقتصاد ارمنستان و تنها بودجه نظامی‌اش حدود کل بودجه ارمنستان است و از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی، جمهوری آذربایجان یک کشور بین‌المللی و متصل به خطوط انتقال انرژی و ریلی است و در مقابل ارمنستان از این مزیت‌های جغرافیایی و ترانزیتی برخوردار نیست و اتخاذ موضع برابر نسبت به این کشورها به معنای محروم کردن ایران از مزیت های اقتصادی جمهوری آذربایجان و جایگزین شدن آن با کشورهایی مثل ترکیه است. به طوری که مراودات تجاری این کشور با جمهوری آذربایجان بیش از ۶ برابر مراودات تجاری ایران با جمهوری آذربایجان است. از نظر سیاسی و راهبردی هم نتیجه‌اش مطرح شدن رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متحدین جمهوری آذربایجان و انعقاد قرارداد خرید تسحیلاتی بالغ بر ۵ میلیارد دلاری است. بنابراین با اتکا به این دلایل اعمال راهبرد برابری به معنای ماهوی و عملیاتی در تضاد با منافع ملی ایران است و بیشتر به نظر می رسد چنین شرایطی از نظر اقتصادی و امنیتی باعث نزدیک شدن صهیونیست ها به جمهوری آذربایجان شده و در راستای منافع ملی ارمنستان باشد، زیرا جمهوری آذربایجان از گزینه‌های محدود در حوزه روابط خارجی برخوردار نیست. بنابراین خلا ناشی از نبود ایران به جایگزین شدن بازیگرانی در حوزه روابط خارجی جمهوری آذربایجان (مانند رژیم صهیونیستی) می‌انجامد که در تضاد امنیتی و راهبردی با ایران قرار دارند.

۳-۳- مواضع کشورهای حوزه قفقاز جنوبی در قبال تحریم ایران

با آغاز تحریم های یکجانبه و غیر قانونی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران برخی همسایگان ایران به ویژه در حوزه قفقاز در این باره موضع گیری کرده و برخی دیگر سکوت کرده اند.

دولت جمهوری آذربایجان تاکنون به صورت رسمی موضعی در قبال تحریم های آمریکا علیه ایران اعلام نکرده است، اما روابط اقتصادی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در حد و اندازه ای نیست که برای دولت باکو دردسری ایجاد کند. از سوی دیگر دولت باکو سال هاست ضمن حفظ روابط نزدیک با مسکو و ترکیه، در مسایل منطقه ای و جهانی موضع خود را به صورتی محتاطانه به ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی نزدیک کرده است و به همین خاطر دور از ذهن نیست که جمهوری آذربایجان در موضوع تحریم‌ها انتظارات آمریکا را تأمین

کند. به طوری که جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۹۵ از ۷ میلیارد دلار واردات سالانه خود ۳۵۹ میلیون دلار را از ایران واردات داشته است (عصر ایران، ۱۸ مرداد ۱۳۹۷).

بر خلاف جمهوری آذربایجان، کشور ارمنستان تلاش می کند روابط نزدیک‌تری به ویژه در حوزه اقتصاد با ایران برقرار کند. ارمنستان ایران را یک دروازه مهم برای تأمین انرژی و دیگر مایحتاج خود می‌داند. ارمنستان در مراودات اقتصادی خود با جهان کاملاً به کشور بزرگ روسیه وابسته است و از سوی دیگر در مرزهای جنوبی خود نیز ایران را دارد. با وجودی که حجم تجارت خارجی با ارمنستان رقم چندان قابل اعتنایی نیست، اما این کشور کوچک و تقریباً فقیر نیز یکی دیگر از کشورهایی است که اعلام کرده است اولویت را به حفظ روابط با ایران خواهد داد تا پیروی از تحریم های آمریکا. « نیکول پاشینیان» نخست وزیر ارمنستان، روز ۱۰ آبان ۱۳۹۷در سخنانی در پارلمان ارمنستان گفته است در دیداری که یک هفته پیش از آن با «جان بولتون» مشاور امنیت ملی کابینه ترامپ در ایروان داشته بود، به طور صریح به او گفته است کشورش رابطه خود با ایران را ادامه خواهد داد. وی در این رابطه تأکید کرده است: به بولتون گفتم ارمنستان کشوری در محاصره است و ما روابط دیپلماتیک با دو همسایه‌مان یعنی آذربایجان و ترکیه نداریم، بنابراین ما چاره ای جز داشتن رابطه خوب با دو همسایه دیگرمان یعنی ایران و گرجستان نداریم. چون این دو کشور تنها راه ارتباط ارمنستان با دنیای خارج هستند» (اسپوتنیک،۱۱آبان ۱۳۹۷). بنابراین احتمال دارد در دور جدید تحریم‌ها از سوی ایران به عنوان مفری برای دور زدن تحریم ها مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، از مجموع ۳ میلیارد دلار واردات سالانه ارمنستان تنها ۱۷۹ میلیون دلار از ایران بوده است.

گرجستان، سومین کشور حوزه قفقاز جنوبی با اینکه پیش از آغاز تحریم ها اعلام کرده بود در مقابل فشارها برای عقب نشینی از تحریم ایران مقاومت خواهد کرد[1]، اما با آغاز تحریم ها دولت گرجستان با یکسری اقدامات از جمله بستن حساب بانکی ایرانیان غیرمقیم ظاهراً نشان داده که از تحریم و فشارهای آمریکا علیه ایران تا حدودی پیروی می کند، لیکن با

[1] - روز۳۰ فروردین ۱۳۹۷ ایوسب چاخواشویلی سفیر گرجستان در ایران در دیدار با استاندار اصفهان اظهار داشته بود:گرجستان در مقابل فشار برای تحریم‌ها علیه ایران عقب‌نشینی نمی‌کند.

این وجود هنوز به صورت رسمی پایبندی خود به تحریم های آمریکا علیه ایران را اعلام نکـرده است.

۳-۴- پیامدهای تحریم ایران بر جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان

در چارچوب یک نگاه رئالیستی تحریم ایران از سوی آمریکا، بـرای کشـورهای حـوزه قفقـاز عواقب و پیامد سنگینی ندارد. اما این تحریم ها آنجا که به داد و ستد گاز طبیعی مربوط شـوند، می توانند بر اقتصاد این کشورها تأثیرات پیش بینی نشده‌ای داشته باشند. شایان ذکـر اسـت در آستانه شروع تحریم های ایران از سوی آمریکا در روز ۵ نوامبر، جان بولتون مشاور امنیـت ملـی کاخ سفید به این سه جمهوری سفر کرده بود تا با دادن تضـمین دربـاره حمایـت و پشـتیبانی آمریکا، از نگرانی های مسئولان آن ها بکاهد. بر اساس اخبار منتشر شده، این سفر نتیجه روشنی در پی نداشته است.

نکته مهم و قابل توجه این است که این سه جمهوری، برخلاف ترکیه، جزو هشت کشـوری که از مجازات‌ها معاف شده‌اند، نیستند.

جمهوری آذربایجان به عنوان صادرکننده بزرگ نفت و گاز طبیعی که گـاهی گـاز ایـران را وارد می کند وضعیت پیچیده‌تری نسبت به دو کشور دیگر دارد. ایـن کشـور مرزهـای زمینـی و دریایی طولانی با ایران دارد و همچنین در برخی از میادین نفت و گاز توسعه نیافتـه خـزر کـه توافق توسعه مشترک آن ها در مارس امسال امضا شد، با ایران مشترکا سهیم است. این کشـور بخشی از نیازهای خود در مناطق مرزی را از طریق واردات گاز طبیعی از ایران تأمین مـی کنـد. افزون بر آن شماری از میدان هـای نفـت و گـاز در مرزهـای مشـترک دو کشـور قـرار دارنـد و بهره‌برداری از این حوزه‌ها عملاً براساس همکاری بین جمهوری آذربایجان و ایران ممکن است. به عنوان نمونه، در همین رابطه موافقت‌نامه‌ای در ماه مارس ۲۰۱۸ امضا شده بود. بهره‌بـرداری از برخی از این میدان ها می تواند در اثر تحریم های ایران به مخاطره افتد. این در حالی است که برخی از میدان های اصلی گاز طبیعی واقع در مرزهای مشترک، شامل تحریم های پـیش بینـی شده از سوی واشنگتن نمی‌شوند (دویچه وله، ۲۰ آبان ۱۳۹۷).

یکی از این حوزه های گاز طبیعی، میدان گازی شاه دنیز است. شاه دنیز در حال حاضر تنها منبع گاز برای کریدور گاز جنوبی است که هدف آن کاهش وابسـتگی اروپـا بـه انـرژی روسـیه

است. بهره برداری از این میدان گازی با مشارکت بریتیش پترولیوم صورت می گیـرد. امـا آنچـه می‌تواند مشکل ساز شود، سهم ۱۰ درصدی شرکت ملی نفت ایران در بهره‌برداری از این میدان گازی است. اهمیت میدان گازی شاه دنیز محدود به جمهوری آذربایجان و حتی آسـیای میانـه نمی‌شود. این میدان گازی برای ترکیه و همچنین برای اتحادیه اروپا نیز بسیار مهم است.

واشنگتن با توجه به اینکه از کـاهش وابسـتگی اروپـا بـه روسـیه در حـوزه انـرژی حمایـت می کند و همچنین به علت ترس از عواقب اثرات تحریم شاه دنیز و کریدور گاز جنوبی، در مـاه آگوست سال ۲۰۱۸ وضعیت شاه دنیز و پروژه کریدور گاز جنوبی را روشن کرد و وزارت خزانـه داری یک معافیت دائمی از تحریم‌های مربوط به ایـران بـرای توسـعه گـاز طبیعـی و سـاخت و فعالیت این خط لوله برای حمل گاز از جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا صـادر کـرد. امتیـاز فوق به این معناست که شرکت نفت دولتی آذربایجان، BP یا سه سهامدار دیگر با تحریم هـای مربوط به این پروژه مواجه نخواهند شد (دویچه وله، ۲۰ آبان ۱۳۹۷).

در خصوص آثار منفی تحریم ایران بر جمهوری آذربایجان بایـد تأکیـد کـرد، واردات گـاز از ایران، موضوعی است که می‌تواند باعث نگرانی جمهوری آذربایجان شود. به عنوان نمونـه، نمـی توان موضوع تأمین گاز مورد نیاز نخجوان را مطرح کرد. افزون بـر آن، گـاز ترکمنسـتان ظـرف سال‌های گذشته از طریق ایران به جمهوری آذربایجان منتقل می‌شد. جمهـوری آذربایجـان نـه تنها بخشی از نیازهای داخلی خود را از طریق این گاز تأمین می کرد، بلکه بخش عمده این گاز را به گرجستان صادر می‌کرد. ارزیابی‌ها از آن حکایت دارند که گرجستان در سال جاری حـدود دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز از جمهوری آذربایجان وارد کنـد. ابـراهیم احمـد اوف، سخنگوی شرکت ملی نفت جمهوری آذربایجان به خبرنگار «یورو آسـیا نـت» گفتـه اسـت کـه واردات گاز از ایران در سایه افزایش تولید داخلی متوقف شده است. احمد اوف گفته اسـت کـه واردات گاز در ماه های تابستان با هـدف ذخیـره کـردن در مخـازن گـاز صـورت گرفتـه اسـت. جمهوری آذربایجان بر آن است تا در ماه‌های زمستان، همان گاز ذخیره شده را با بهایی بیشـتر روانه بازار کند. بنا بر اظهارات او این منابع با ذخیره‌ای معادل سه میلیارد مترمکعب عملاً امکان تأمین نیازهای گرجستان را فراهم می‌کنند (دویچه وله، ۲۰ آبان ۱۳۹۷).

برخلاف دو جمهوری آذربایجان و گرجستان، پیامدهای تحریم‌هـای ایـران مـی‌توانـد بـرای ارمنستان سنگین باشد. ارمنستان با توجه به انـزوای سیاسـی و منطقـه‌ای خـود، بـرای تـأمین نیازهای کشور به نفت و گاز، از گزینه‌های زیادی برخوردار نیست. منابع طبیعـی تـأمین انـرژی

ارمنستان محدود هستند. این کشور تنها حدود ۴۰ درصد از نیازهای خود را از نیروگاه هسته‌ای «متسامور» تأمین می کند و به این علت برای تأمین نیازهای خود محتاج واردات نفت و گاز است. بخش مهمی از نیازهای ارمنستان از طریق واردات گاز از روسیه تأمین می‌شود. اما واردات گاز از ایران نیز سهم مهمی در تأمین نیازهای این کشور دارد. به عنوان نمونه، ارمنستان در سال ۲۰۱۷ حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب گاز از ایران وارد کرد. حتی در اواخر سال ۲۰۱۷ دو کشور توافق کرده بودند که میزان صدور گاز ایران به این جمهوری حدود ۲۵ درصد افزایش یابد. اکنون روشن نیست که آیا ارمنستان می تواند به علت تحریم ها هنوز بر روی گاز وارداتی خود از ایران حساب کند. روز ۶ نوامبر، یعنی فردای روز اجرای مرحله دوم تحریم های اقتصادی ایران، آنا ناقدالیان، وزیر امور خارجه ارمنستان در یک پست توییتری اعلام کرده بود که این کشور در حال بررسی پیامدهای تحریم‌ها بر اقتصاد خود است. قطع واردات گاز از ایران می‌تواند منجر به وابستگی بیشتر ارمنستان به روسیه شود. این موضوع، امکان چانه زدن بر سر بهای گاز را محدود می کند. باید یادآور شد که در گذشته، شرکت «گازپروم» با بهره گرفتن از موقعیت انحصاری خود، بهای گاز صادراتی به ارمنستان را بارها افزایش داده بود و همین امر موجب ناخرسندی مقامات ارمنستان شده بود. واردات گاز از ایران می‌توانست، از موقعیت انحصاری «گازپروم» در تأمین نیازهای ارمنستان بکاهد (دویچه وله، ۲۰ آبان ۱۳۹۷).

۳-۵- فرصت های ایران در قفقاز جنوبی در دوران تحریم

جمهوری های حوزه قفقاز جنوبی هر کدام با توجه به موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و همچنین پتانسیل های داخلی و نیز سطح روابط دو جانبه ای که با ایران دارند می توانند فرصت های مهمی در دوران تحریم در پیش روی ایران قرار دهند.

الف) جمهوری آذربایجان

روابط ایران با جمهوری آذربایجان، پر تنش ترین روابط در میان تمامی کشورهای منطقه قفقاز جنوبی به حساب می آید. جمهوری آذربایجان منتقد روابط نزدیک ایران و ارمنستان بوده و تهران را به تلاش برای نفوذ بر فعالان شیعه آذربایجان و قوم ایرانی تالش در جنوب این کشور متهم می سازد. در مقابل، ایران نیز نگران همکاری رو به رشد نظامی و امنیتی جمهوری

آذربایجان با رژیم صهیونیستی و تلاش این کشور برای ایجاد نارضایتی میان اقوام آذری زبان ایران است. این دو کشور همچنین مخالف روشی هستند که باعث تعیین حدود دریای خزر با منابع ارزشمند انرژی می شود. نهایتاً آنکه، برخلاف ارمنستان و گرجستان، جمهوری آذربایجان شرایط اخذ ویزا را برای ایرانی ها حفظ کرده است. از سوی دیگر، جمهوری آذربایجان که تولید نفت آن از سال ۲۰۰۹ با کاهش رو به رو شده است، به دنبال توسعه صنایع غیرنفتی خود و تبدیل شدن به هاب حمل و نقل منطقه ای است. همکاری با ایران برای تحقق این برنامه حائز اهمیت بوده است و بر مزایای کاهش ارزش و اهمیت ابتکارهای مشابه ارمنستان می افزاید. روابط تهران و باکو در سال ۲۰۱۳ و پس از ریاست جمهوری حسن روحانی، سیر صعودی به خود گرفته است (ویس و زابانوا، ۱۳۹۶: ۷).

روابط اقتصادی در همکاری جمهوری آذربایجان و ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وجود خطوط ارتباطاتی مناسب از عواملی است که می‌تواند محرک توسعه روابط اقتصادی‌فنی و تجاری بین دو کشور در دوران تحریم باشد. ایران متناسب با موقعیت جغرافیایی خود با بهره‌گیری از تمام امکانات حمل‌و نقل، روابط اقتصادی با جمهوری آذربایجان دارد. در حال حاضر جمهوری آذربایجان با استفاده از راه حمل ونقل دریایی مانند باکو- انزلی و باکو- نوشهر، خطوط ریلی، مانند راه آهن نخجوان- جلفا- تبریز- تهران و خط آهن باکو-تبریز -تهران، راه زمینی باکو- آستارا-ایران، روابط اقتصادی خود را با ایران توسعه بخشیده است. برای احیای جاده ابریشم و فعالیت بزرگراه اروپا- قفقاز-آسیا نیز لازم هست تا هر دو کشور وضعیت راه‌آهن و راه‌های زمینی خود را به سطح استانداردهای بین‌المللی برسانند. با انجام تدابیر یاد شده، این مسیرهای ارتباطی برای مدت زمان طولانی قادر به ترانزیت کالاها به خصوص در دوره تحریم خواهند بود. همچنین، بین ایران و جمهوری آذربایجان، خطوط هوایی باکو-تهران- تبریز نیز فعال است. افتتاح خطوط پرواز باکو به مشهد و تبریز نیز بر رفت وآمد مردم دو کشور تأثیر مثبتی دارد. دورنمای نقش جمهوری آذربایجان به عنوان پل ارتباطی بین قاره‌ها به لحاظ موقعیت جهانی این کشور بسیار ضروری و مهم است. این امر در فضای افزایش تدریجی تهدیدات و تمایل به درگیری و رقابت در سطح جهانی، زمینهٔ نقش‌آفرینی جمهوری آذربایجان را برای ایجاد ثبات فراهم خواهد ساخت؛ بنابراین به موازات منافع اقتصادی، باید موارد یادشده

نیز در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و درازمدت در نظر گرفته شود و به‌درستی ارزیابی شود (طالب لی، ۱۳۹۶: ۸).

وجود شبکه حمل و نقل در دو کشور برای توسعه روابط جمهوری آذربایجان و ایران و نیز وجود بخش‌های متنوع تولیدی اهمیت اقتصادی بسیاری دارد که می تواند در مجموع به شکل‌گیری روابط اقتصادی دو کشور کمک شایانی کند.

حجم گردش تجاری ایران و جمهوری آذربایجان، در سال [۱۳۹۶]، ۱۶ درصد افزایش یافت و حجم کل سرمایه گذاری ایران در اقتصاد جمهوری آذربایجان به ۳.۱ میلیارد دلار رسید. بر اساس اراده سیاسی سران ایران و جمهوری آذربایجان، روابط دو کشور در چند سال گذشته وارد مرحله جدید شده و در این مدت روسای جمهوری دو کشور ۱۰ مرتبه با یکدیگر دیدار کرده اند و بیش از ۱۰۰ سفر متقابل میان مقامات دو کشور انجام گرفته است. ایران و جمهوری آذربایجان تا به حال بیش از ۱۵۰ سند همکاری امضا کرده اند که در میان آن ها ۴۰ سند مربوط به چهار سال اخیر است (زمان اوف، ۱۳۹۷: ۴).

ب) ارمنستان

روابط ایران با ارمنستان به رغم تحریم های شدید بین المللی که به تدریج از سال ۲۰۰۶ به بعد آغاز شد، تحت تأثیر قرار نگرفت. ارمنستان از انتقاد از برنامه هسته ای ایران خودداری کرد و با استفاده از سفرهای منظم متقابل در سطوح بالا به ایران به عنوان فرصتی برای گسترش روابط دوجانبه نگاه کرد. ارمنستان محصور در خشکی و تحت محاصره دو همسایه از چهار همسایه خود یعنی جمهوری آذربایجان و ترکیه بوده و متکی به گرجستان و ایران می باشد که ۲۱۹ کیلومتر و ۴۴ کیلومتر مرز مشترک به ترتیب برای این دو کشور برای ترانزیت کالا و انرژی دارد. ارمنستان می تواند به دروازه ایران برای دسترسی به بنادر دریای سیاه گرجستان و از آنجا به جنوب اروپا تبدیل شود. این کشور ایران را جایگزین مسیر اصلی حمل و نقل خود از طریق ترکیه که با مشکلات فراوانی از جمله اختلاف عمده در مورد هزینه های حمل و نقل، صف های طولانی در مرز و ... است، خواهد ساخت (اگزیم نیوز، ۱ اسفند ۱۳۹۶).

هم ارمنستان و هم ایران در مورد روابط محدود و همکاری های اقتصادی ناچیز موجود اذعان دارند. در واقع، مبادلات دو کشور به طور متوسط در حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال بیشتر نیست و تولید کنندگان ارمنی دسترسی آسانی به بازارهای ایران ندارند، چرا که بالاترین عوارض واردات در جهان را دارا است. در حالی که کالاهای مصرفی ایرانی در ارمنستان با رقابت سختی از جانب ترکیه یا چین روبرو است. در این بین گردشگری ارمنستان یک بخش امیدوار کننده است.

به علاوه هم ارمنستان و هم ایران اهمیت همکاری در حوزه انرژی را مورد تأکید قرار می دهند، گرچه تاکنون عمدتاً این همکاری محدود به «صادرات گاز برای تولید برق» بوده است. این همکاری از طریق یک خط لوله ۱۴۰ کیلومتری که رسما در سال ۲۰۰۷ افتتاح شد و گاز ایران را از تبریز به ارمنستان منتقل می کند صورت می گیرد. بر خلاف برنامه های اولیه ایران، این خط لوله برای صادرات گاز فراتر از ارمنستان قابل استفاده نیست زیرا قطر آن برای رساندن گاز به روسیه پایین بوده و فشار گاز کاهش می یابد (اگزیم نیوز، ۱ اسفند ۱۳۹۶).

ارمنستان مدت هاست که خواستار گسترش همکاری با ایران است. این کشور از گذشته و حتی در شرایطی که هنوز ایران تحت تحریمها قرار داشت، طرح های جذابی را در اختیار ایران قرار می داد، اما بار تحریم ها تعهدات مالی را دشوار کرده بود. در نتیجه، اختلاف چشمگیر بین تعداد موافقت نامه ها و یادداشت های تفاهم که در دهه گذشته امضا شده اند دیده می شد، هرچند تعدادی نیز به پیشرفت هایی می رسید. مثلاً پروژه هایی همچون پروژه های زیربنایی مانند نیروگاه های برق آبی در نزدیکی ماغری در دو طرف رودخانه Araxes که ۳.۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری به همراه داشت و یا خط لوله نفت ایران-ارمنستان و یک پالایشگاه نفت در نزدیکی ماغری برای پردازش نفت خام ایران همگی از این دست پروژه های مشترک هستند (اگزیم نیوز، ۱ اسفند ۱۳۹۶).

بر اساس نظر برخی از اقتصاددانان ارمنی، این کشور باید بتواند با تکیه بر صنایع مختلف از جمله صنعت فناوری اطلاعات توسعه یافته سرمایه گذاری های مشترک خود با ایران را افزایش دهد و به عنوان مرکز تجارت برای شرکت های اروپایی که مایل به انجام تجارت با ایران هستند قرار بگیرد. در حال حاضر، شرکت های اروپایی علاقمند به همکاری با ایران همچنان با عدم تمایل بانک ها برای تامین مالی و روابط بانکی روبرو هستند که دلیل آن ترس از تحریم های

ایالات متحده است. با این حال بخش گردشگری همچنان جزو بهترین بخش های ارمنستان است. ارمنستان میزبان ۱۸۹ هزار گردشگر ایرانی در سال ۲۰۱۶ بوده است. توافقنامه دو جانبه بدون روادید که در آگوست ۲۰۱۶ به اجرا گذاشته شد در این رابطه بسیار مفید است؛ اگرچه ایرانیان قبلاً قادر به دریافت ویزای ارمنستان در زمان ورود به این کشور با هزینه‌ای اندک بودند با این حال در شرایط کنونی این کشور در رقابت با گرجستان برای جذب گردشگر ایرانی است. همچنین این کشور، به عنوان تنها عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا[1] که به طور مستقیم به ایران متصل است به طور جدی برای توافق تجارت آزاد بین اتحادیه اقتصادی اروپا و جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است. شرایط مناسب و دسترسی مناسب ایران و ارمنستان تجارت بین دو کشور را از اهمیت بالایی در حوزه های مختلف از جمله ترانزیت برخوردار کرده و دسترسی بهتر به بازارهای ایران را عملیاتی کرده است؛ چیزی که ارمنستان برای مدت های طولانی تلاش کرد تا روی آن با ایران مذاکره کند. ایران علاقه مند به پیوندهای قوی با اتحادیه اروپا است، اما در این رابطه با احتیاط رو به رو است، زیرا در زمینه توافقنامه تجارت آزاد هیچ تجربه ای ندارد و در عین حال، ارمنستان و ایران قصد دارند یک منطقه تجارت آزاد در نزدیکی ماغری ایجاد کنند و در آوریل ۲۰۱۷ توافقنامه همکاری گمرکی را در این زمینه امضا کردند (اگزیم نیوز، ۱ اسفند ۱۳۹۶).

در خصوص سایر فرصت های اقتصادی ارمنستان برای ایران در دوره تحریم به این نکته نیز باید توجه داشت که اگر تولیدکنندگان ایرانی بخشی از چرخه تولید محصولات خود را در ارمنستان انجام دهند با این کار امکان توزیع در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همچنین اتحادیه اروپا را به دست خواهند آورد. بازرگانان ارمنی با توجه به شناخت مناسب از بازار اتحادیه اقتصادی اوراسیا و به‌ویژه روسیه می‌توانند به‌عنوان مکمل تولید کنندگان ایرانی برای توزیع کالای آنان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا عمل کنند. جایگاه در خور توجه ارمنستان در اتحادیه اوراسیا و همچنین ارتباطات نزدیک تجار این کشور با بازرگانان روسی می‌تواند زمینه صادرات کالاهای ایرانی به بیشتر کشورهای غربی و روسیه را فراهم آورد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی می تواند از عضویت ارمنستان در اوراسیا به نحو احسن در حوزه های مختلف به ویژه اقتصادی و تجاری استفاده کند. علاوه بر این

[1]- EEU

ارمنستان قرار داد صادرات و واردات با اتحادیه اروپا دارد که ایران می تواند از طریق این کشور کالاهای ساخت داخل را به مقصد بازارهای دنیا صادر کند.

ج) گرجستان

گرجستان دورترین کشور منطقه قفقاز جنوبی به ایران است. این دوری نه از بابت فقدان مرز مشترک، بلکه از گرایش های غربی این کشور نشئت می گیرد. از سوی دیگر، مجاورت گرجستان با غرب و به خصوص اتحادیه اروپا، عامل جذابی برای ایران و ایرانی ها بوده است. به طور کلی، گرجستان برخلاف ارمنستان و جمهوری آذربایجان، فاقد راهبرد منسجم در تعامل با ایران بوده است.

پس از انقلاب گل رُز سال ۲۰۰۳ و نظر دولت میخائیل ساکاشویلی در خصوص ایران به عنوان شریک منطقه ای مفید گرجستان (اگرچه اولویت اصلی نبود)، به خصوص در شرایط روابط تنش آلود با روسیه، روابط اقتصادی تفلیس و تهران گسترش یافت. هنگامی که روسیه در زمستان ۲۰۰۶ صادرات گاز به این کشور را قطع کرد، این ایران بود که این خلأ را جبران نمود. حجم تبادلات تجاری میان ایران و گرجستان از ۴ / ۱۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به ۸ / ۱۷۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت. این میزان در سال ۲۰۱۶ به رقم ۱۳۱ میلیون دلار نزدیک شد. در حال حاضر، کالای صادراتی اصلی گرجستان به ایران گوسفند زنده است، در حالی که تفلیس مواد و مصالح ساختمانی همچون قیر از ایران وارد می کند. با توجه به ساختار گرجستان و حجم پایین تجارت، تجارت با ایران بعید است به پیشران اصلی رشد اقتصادی در آینده نزدیک تبدیل شود (ویس و زابانوا، ۱۳۹۶: ۸).

با توجه به محیط تجاری لیبرال، شرایط اقامت دائم و نزدیکی جغرافیایی گرجستان، بسیاری از شرکت های ایران در دوران تحریم به خصوص در حوزه کشاورزی، مواد غذایی و صنایع ساختمانی به این کشور جذب شدند. براساس آمار رسمی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایرانیان از ۸ / ۱ میلیون دلار تجاوز نکرده است، اگرچه در این رقم، میزان سرمایه گذاری ایرانیان مقیم در دیگر کشورها محاسبه نشده است. هنگامی که گرجستان روادید را در ژانویه ۲۰۱۱ لغو کرد، بسیاری از ایرانی ها به تفلیس تغییر مکان داده و شرکت های خود را در منطقه آزاد تجاری پوتی در دریای سیاه ثبت کردند. برخی از ایرانی ها به دلیل شرایط نامناسب

اقتصادی ایران را ترک کردند، در حالی که برخی دیگر از دوبی که مقصد اصلی برای دور زدن تحریم ها به شمار می رفت و در حال حاضر مقامات این شهر عربی، مقررات سخت تری وضع کرده اند، خارج شده و به گرجستان رفتند. در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ ، سه تاجر ایرانی از دبی (که بعداً در لیست تحریم های آمریکا قرار گرفتند)، خطوط هواپیمایی خصوصی تأسیس نموده و کنترل بانک سرمایه گذاری JSC در این کشور را بر عهده گرفتند. خیلی زود، فعالیت های تجاری ایران در گرجستان مورد توجه رسانه ها قرار گرفت که سرآمد آن، گزارش سال ۲۰۱۳ روزنامه وال استریت ژورنال بود که اشاره داشت بیش از ۱۵۰ گروه تجاری در این کشور فعالیت داشته اند (ویس و زابانوا، ۱۳۹۶: ۹).

گرجستان بنادر دریای سیاه را به عنوان بخشی از کریدور حمل و نقل که ایران را به اروپا متصل می کند، معرفی کرده است، اما استفاده از این بنادر در نهایت منوط به موفقیت آمیز بودن همکاری های حمل و نقلی میان تهران با ایروان و باکو است. در حوزه انرژی، گرجستان که با نیاز داخلی رو به رشدی از گاز مواجه است در اوایل سال ۲۰۱۶ نسبت به خرید گاز ایران از طریق ارمنستان ابراز علاقه کرد. جمهوری آذربایجان که ۹۰ درصد گاز گرجستان را تأمین می کند، به این پیشنهاد از طریق افزایش صادرات و کاهش قیمت واکنش نشان داد. شرکت ملی گاز ایران در جولای ۲۰۱۶، تفاهم همکاری با یک شرکت خصوصی گرجستانی برای انتقال آزمایشی ۴۰ میلیون متر مکعب گاز در بازه زمانی چهار ماهه از طریق ارمنستان امضا نمود. گرجستان همچنین شریک ایران در طرح هایی با محوریت ایجاد بازار بزرگ تبادل برق در منطقه می باشد. موافقتنامه تجارت آزاد عمیق و جامع گرجستان با اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۱۴ به اجرا در آمد، می تواند بالقوه جذابیت این کشور را برای سرمایه گذاران ایرانی که خواستار استفاده از این بستر برای صادرات بدون تعرفه به اتحادیه اروپا هستند، افزایش دهد. سرمایه گذاران می توانند تمامی خط تولید محصول خود را در گرجستان راه اندازی نمایند و از این طریق از مزایای هزینه نیروی کار رقابتی بهره مند شوند. روش جایگزین نیز می تواند آن باشد که با توجه به الزامات حداقلی قوانین مبدأ، مندرج در «موافقتنامه تجارت آزاد عمیق و جامع» صرفاً مرحله پایانی فرایند تولید را به این کشور منتقل کنند (ویس و زابانوا، ۱۳۹۶: ۱۱).

با توجه به اینکه ترانزیت در منطقه از اهمیت ویژه ای برخوردار است، لذا در این بخش، ایران یکی از حلقه های مهم ارتباط گرجستان و سایر کشورهای منطقه به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند است. با توجه به اتصال راه آهن ایران به بندر آستارا و جمهوری آذربایجان و ارتباطات ریلی و جاده ای مناسب در گرجستان، توسعه همکاری های تهران - تفلیس در این زمینه می تواند موجب تسهیل تجارت در منطقه شود.

۳-۶- عمل گرایی سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی

ایران که در مرزهای جنوبی قفقاز جای گرفته است، به دلیل وضعیت جغرافیایی و سیاسی، از مهم ترین بازیگران این منطقه به شمار می آید. خط ساحلی ایران در دریای خزر، به جایگاه برتر ایران در منطقه افزوده است. تهران که در پی افزایش روابط خود با دولت های قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی بر آمده، سیاست حضور مؤثر در مسائل منطقه را در پیش گرفته است. پیشتر، ایران با جای دادن خود در محور مسکو، به سیاست غرب در برابر این منطقه پاسخ داده بود. اما در دوره کنونی که دوباره تحریم های آمریکا برگشته است، نیازمند سیاست پیچیده و جامع تری خواهد بود. ایران از هنگام فروپاشی اتحاد شوروی، تعادل بیشتر و رفتار تهاجمی کمتری در مقایسه با دو قدرت منطقه ای دیگر در برابر قفقاز جنوبی از خود نشان داده است. (Cohen, 2002).

قفقاز جنوبی برای ایران هم منبع تهدید و هم منبع فرصت تلقی می شود. نخبگان سیاسی ایران، کشورشان را یک قدرت منطقه ای طبیعی تلقی می کنند و قفقاز جنوبی را ادامه قلمرو تاریخی خود در نظر می گیرند، جایی که ارتباط نزدیک با دولت ها و تأمین منافع هر دو سو را انتظار دارند (Vatanka, 2013). این درک، از حس قوی هویت و آگاهی از نقش ایران به مثابه یکی از قدرت های تاریخی منطقه استنباط می شود(Thaler and Others, 2010:14) حتی هنگامی که توسعه سیاست خارجی ایران به واسطه تحریم های بین المللی مربوط به برنامه هسته ی دچار رکود شده بود، تهران همچنان بازیگری مهم در منطقه قفقاز جنوبی به

شمار می آمد. اکنون نیز که ایران در شرایط پسابرجام قرار دارد (ولو اینکه آمریکا از آن خارج شده است و تحریم های یکجانبه کاخ سفید دوباره بازگشته است)، در کنار تداوم و تقویت رویکرد عمل گرایی در سیاست گذاری خارجی همراه با توجه به مؤلفه های ایدئولوژیک سیاست خارجی، می تواند افزون بر تسریع روند عادی سازی روابط اش با کشورها، تأثیر بسزایی بر نقش منطقه ای، موازنه قدرت منطقه ای و بهبود جایگاه منطقه ای خود، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی داشته باشد (تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷: ۲۸).

این در حالی است که سیاست ایران در مقابل قفقاز جنوبی از ابتدا نیز عمل گرایانه بوده و در تأثیر سیاست عملی، تجربه های تاریخی و محاسبه های موازنه قدرت شکل گرفته است. بنابراین تهران اگرچه ممکن است انگیزه های ایدئولوژیکی در خصوص این منطقه داشته باشد، اما در همان حال می تواند فرصت ها و چالش ها و همچنین محدودیت ها و مقدورات خود در این منطقه را بشناسد. به همین دلیل سیاست منطقه ای ایران در قفقاز جنوبی به نسبت محتاطانه و متعادل بوده است. ثبات و امنیت منطقه قفقاز برای تهران اهمیت ویژه دارد و نسبت به گرایش های ایدئولوژیک، در سلسله انتخاب های سیاسی ایران درباره قفقاز جنوبی در اولویت قرار دارد. ایران، اقلیت های قومی و مذهبی متعددی همچون آذری، ترکمن، ارمنی و کرد دارد؛ اما دیرینگی و برتری فرهنگ ملی موجب همگرایی ملت ایران شده است. از این رو، در مورد گرایش های جدایی طلبانه و خشونت در زمینه های فرقه ای که گاه از سوی گروه های سیاسی و بازیگران خارجی برانگخته می شود، حساس است و بر حفظ تمامیت ارضی کشورها در قفقاز جنوبی تأکید دارد (Paul, 2015 : 54).

با این وجود، هدف ها و منافع اصلی ایران در قفقاز جنوبی را می توان در چهار دسته کلی جای داد: نخست، کاهش نفوذ قدرت های بیرونی به ویژه اتحادیه اروپا، ناتو، آمریکا و رژیم صهیونیستی که به عنوان تهدید امنیتی به شمار می آیند. تحقق این خواسته، نگرانی های امنیتی ایران را کاهش و برای افزایش همکاری اش با سه جمهوری قفقاز به ویژه در شرایط تحریم، فضای بیشتری می دهد. دوم، تداوم خنثی سازی تهدیدهای امنیتی احتمالی و بی ثباتی در قفقاز جنوبی که می تواند بر مرزهای شمالی ایران تأثیر بگذارد. سوم، به دست آوردن جایگاه بهتر از راه گسترش روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با جمهوری های منطقه.

چهارم، تعیین رژیم حقوقی دریای خزر متناسب با سهم منصفانه ایران که این مقوله تا حدودی بر طرف شده است (تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷: ۳۱).

فعالیت ایران در قفقاز جنوبی از دیگر ابعاد نیز برای تهران اهمیت دارد، زیرا از فشار اقتصادی و مالی که همچنان تهران به علت تحریم های یکجانبه با آن روبروست است، می کاهد و گشایشی در بازارهای جایگزین فراهم می کند. شایان ذکر است ایران تنها قدرت منطقه ای است که در هر سه جمهوری قفقاز جنوبی سفارت دارد و توانسته است، شبکه مفیدی از ارتباطات را حتی در دوران تحریم ها برپا و حفظ کند. این امکان برای تهران به چند دلیل فراهم شده است که یکی از آن ها، پیوندهای قومی و مذهبی با کشورهای منطقه است. جدای از جمعیت ترک زبان در ایران، یکی از بزرگ ترین جوامع ارمنی خارج ارمنستان در ایران زندگی می کنند. قرابت جغرافیایی، سهولت دریافت روادید برای شهروندان دو طرف، شرایط خاص داخلی در قفقاز جنوبی برای دور زدن تحریم ها، فضای خاص اقتصادی در قفقاز جنوبی به ویژه در ارمنستان و گرجستان که هر دو نیاز فوری به جذب سرمایه خارجی دارند و موارد دیگری، از جمله دلایل مطرح در این زمینه است.

۴- نتیجه گیری

منطقه مهم اقتصادی و سیاسی قفقاز جنوبی که پس از استقلال جمهوری های آن در سال ۱۹۹۱ عرصه رقابت ایران، روسیه، ترکیه، ناتو، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین و نیز رژیم صهیونیستی برای دستیابی به منافع راهبردی و راه های انتقالی قرار گرفته است، از جمله حوزه های ژئوپلیتیکی بوده که دستگاه دیپلماسی ایران به ویژه در دوران تحریم می تواند با بهره گیری از فرصت های بالقوه و کاستن از چالش های پیش روی آن، منافع ملی کشور را ارتقاء بخشد. این در حالیست که افزون بر موقعیت ژئواستراتژیک، نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران با قفقاز جنوبی سبب شده تا بیشترین رویکرد عملگرایانه سیاست خارجی ایران مربوط به جمهوری های این منطقه باشد. به سخن بهتر، اگرچه رابطه ایران با جمهوری های سه گانه قفقاز جنوبی از زمان استقلال فراز و نشیب هایی داشته است، اما به نسبت رابطه تهران با دیگر همسایگانش و نیز دیگر کشورهای جهان، کمتر درگیر

ملاحظات آرمان گرایانه و ایدئولوژیکی بوده است و جنبه های ژئوپلیتیکی و مبتنی بر منافع عینی در آن بیشتر به چشم می خورد.

به هر حال قرابت جغرافیایی، پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبی که بین ایران و منطقه قفقاز جنوبی وجود دارد، مهم ترین ظرفیت و مبنای همکاری ایران با کشورهای این منطقه است. کمتر منطقه ای در قفقاز از ایروان، قره باغ، نخجوان، لنکران، باکو و تفلیس تا اوستیای شمالی و جنوبی، آبخازیا، داغستان، چچن و دربند می توان یافت که نشانه‌ای از فرهنگ و تمدن ایرانی را در زبان و گویش های محلی، آداب و رسوم، موسیقی و معماری نداشته باشد.

حوزه انرژی به تدریج از عامل رقابت و واگرایی در حال تبدیل شدن به یکی از محورهای همکاری و نزدیکی ایران و کشورهای منطقه قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان است؛ شرایط بی ثبات بازارهای جهانی نفت و گاز زمینه مناسبی را برای همکاری و رایزنی جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور خارج از اوپک نفتی و اوپک گازی با ایران به عنوان یکی از اعضای تاثیرگذار این دو سازمان مهم بین المللی در حوزه انرژی فراهم ساخته است. دعوت دولت جمهوری آذربایجان از ایران برای توسعه میدان گازی «شاه دنیز»، انعقاد قرارداد میان پژوهشگاه صنعت نفت ایران و موسسه نفتی «سوکار» جمهوری آذربایجان برای توسعه میدان های نفتی و مشارکت احتمالی ایران در پروژه های گازی «تاپ و تاناپ» از جمله مواردی است که نشان دهنده تحولات مثبت در همکاری های ایران و جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی است؛ موضوع انتقال گاز ایران به گرجستان از طریق ارمنستان نیز از دیگر ظرفیت های مهم در حوزه انرژی به شمار می رود که عدم تأمین مالی و نیز عدم ظرفیت کافی و صادراتی خط لوله کنونی گاز ایران به ارمنستان در عمل مانع از تحقق این طرح شده است.

منابع و مآخذ

الف) کتاب

۱-تقوی اصل، سید عطا (۱۳۸۷)، «**ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان**»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

ب) مقالات

۱-تیشه یاز، ماندانا و بهرامی، سمیه (۱۳۹۷)، «**سیاست خارجی عمل گرایانه ایران در قفقاز جنوبی در فضای پسابرجام**»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان.

۲-جعفری ولدانی، اصغر و صفوی همامی، سید یحیی و حکیم، حمید (۱۳۹۴)، «**تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز و تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی حاصل از آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، پاییز.

۳-دهقانی فیروزآبادی و مرادی، آیت (۱۳۸۹)، «**سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی**»، دوفصلنامه ایراس، سال پنجم، شماره ۶، بهار و تابستان.

۴-عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «**ایران و کشورهای قفقاز جنوبی**»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰ ، بهار و تابستان.

۵-ویس، آندره و زابانوا، یانا (۱۳۹۶)، «**قفقاز جنوبی و ایران در عصر پساتحریم**»، تحلیلگران موسسه امور بین الملل و امنیت آلمان، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، اسفند.

ج) مقالات اینترنتی

۱-اسپوتنیک (۱۱ آبان ۱۳۹۷)، «**جواب صریح نخست وزیر ارمنستان به آمریکا**»، قابل دسترس در:
https://ir.sputniknews.com/world/ 201811024129046

۲-اصولی، قاسم (۲۲ آذر ۱۳۹۶)، «**سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی: لزوم اولویت دهی به جای برابرطلبی راهبردی**»، اینترنشنال، قابل دسترس در:
ttp://theinternational.ir/national-interest- discourse/item/1158/

۳-اگزیم نیوز (۱ شهریور ۱۳۹۶)، «**فرصت های تجاری ایران- ارمنستان در پساتحریم**»،
http://www.eximnews.ir/print/ 21618/

۴-دویچه وله (۲۰ آبان ۱۳۹۷)، «**پیامدهای تحریم ایران برای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان**»، قابل دسترس در:
https://www.dw.com/fa-ir/economy/a-46248660 /

۵-زمان اف، تلمان (۷ فروردین ۱۳۹۷)، «**مروری بر توسعه روابط ایران و جمهوری آذربایجان**»، خبرگزاری ایرنا، قابل دسترس در: http://www.irna.ir/fa/News/82872575 /

۶-طالب لی، سبحان (۲۰ اسفند ۱۳۹۶)، «**آسیب‌شناسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان**»، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، قابل دسترس در: http://www.iras.ir/fa/doc/article/3590/

۷-عصر ایران (۱۸ مرداد ۱۳۹۷)، «**موضع همسایگان در قبال تحریم های ایران**»، قابل دسترس در:
http://www.asriran.com/fa/news/625761 /

د) منابع لاتین

1-Padelford, N. J. and G. A. Lincoln (1967), **The Dynamics of International Politics**, New York: Macmillan.

2-Barzegar, Kayhan (2009), **"Iran's Foreign Policy from an Aggressive and Defensive Realist Perspective",** Foreign Relations, Vol. 1, No. 1, pp. 113-153 (in Persian)
3-Cohen, A. (2002), **"Iran's Claim over Caspian Sea Resources Threaten Energy Security"**, The Heritage Foundation, Sep. 5, Available at: http://www.heritage.org/research/reports/2002/09/irans-claim-over-caspian-sea-resources-threaten-energy-security (Accessed on: 3/1/2017).
4-Gachechiladze, R. (2002), **"Geopolitics in the South Caucasus: Local and External Players"**, Geopolitics, Vol.7, Issue1.
5-Thaler, D. E., A. Nader, S. Chubin, J. D. Green, C. Lynch and F. Wehrey (2010), **"Mullahs, Guards, and Bonyads; an Exploration of Iranian Leadership Dynamics",** The RAND Corporation, Available at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2009/RAND_MG878.sum.pdf, (Accessed on: 25/12/2016).
6-Vatanka, A. (2013), **"Tangle in the Caucasus, Iran and Israel Fight for Influence in Azerbaijan"**, Foreign Affairs, Available at: https://www.foreignaffairs.com/ articles/united-states/2013-01-15/tangle-caucasus, (Accessed on: 19/12/2016).

رویکرد رفتاری و عملی دولت ترکیه در مواجهه با تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا

محمدرضا فرهادی [1]

تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

چکیده

ترکیه به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه، نشان داده است تمایل چندانی به همراهی با تحریم ها به ویژه در خصوص کشورهای همجوار ندارد. آنجا هم که با تحریم همراهی کرده است از سر اجبار و ترس ناشی از پیامدها و عواقب تنبیهی بوده است. در دور جدید تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا، دولت ترکیه آن چنان که از مواضع رسمی مقامات آنکارا بر می آید ضمن مخالفت شدید با تحریم، در کنار ایران ایستاده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی– تحلیلی در پی بررسی و تبیین جایگاه ترکیه در سیاست های مقابله ای جمهوری اسلامی ایران با تحریم های آمریکا است. لذا سئوال اصلی مقاله حاضر این است که رویکرد و سیاست های عملی ترکیه در مواجهه با تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا چگونه قابل تبیین است؟ نتایج این پژوهش نشان می دهد به دلیل موقعیت همجواری و دورنمای مثبت همکاری ها و روابط استراتژیک اقتصادی فی مابین، دولت ترکیه ضمن عدم همراهی با سیاست های تحریمی یکجانبه آمریکا به همکاری های موثر دوجانبه خود با جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داد.

واژه گان کلیدی: تحریم، ایران، ترکیه، همجواری استراتژیک، روابط اقتصادی – تجاری

[1] - کارشناس ارشد مسایل ترکیه

۱- مقدمه

تحریم، یکی از ابزارهای دیرینه در سیاست خارجی آمریکا برای مقابله با ایران است که از پیشینه ای ۴۰ ساله برخوردار است. اما این ابزار در طول این چهل سال نه تنها نتوانسته است جمهوری اسلامی ایران را از مواضع بر حق بین المللی، منطقه و داخلی خود عقب براند و ایران را وادار به تن دادن به خواسته های ناحق آمریکا کند، بلکه بیش از پیش به یک ابزار کُند و کم خاصیت و ناکارآمد تبدیل شده است. اما با این وجود، دولتمردان آمریکایی به تحریم همچنان به عنوان یک ابزار برای پیشبرد و تحقق سیاست های ضد ایرانی شان نگاه می کنند، به طوری که دولت نومحافظه کار و تندروی دونالد ترامپ که به هیچ قید و بند حقوقی و سیاسی بین المللی پایبند نیست، پس از روی کار آمدن در آمریکا به فاصله حدود ۱۶ ماه از تصدی مقام ریاست جمهوری، همچنان که در دوران تبلیغات انتخاباتی قول داده بود، در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج شد و تمام تحریم های یکجانبه ای که بر اثر برجام رفع شده بود را دوباره با مکانیسم های جدیدی برگرداند. خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم های ضد آمریکایی[1]، شرایط خاصی را در پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است. جمهوری اسلامی در طی این مدت تمام ابزارها و تلاش های سیاسی، دیپلماتیکی و همچنین مکانیسم های کارساز خود را برای مقابله با تحریم ای یکجانبه و ظالمانه آمریکا به کار بسته است تا ضمن بی اثر کردن آثار تحریم های آمریکا، اقتصاد داخلی را از تهدیداتی که متوجه آن است مصون نگه دارد. استفاده از ظرفیت های اقتصادی و بازرگانی موجود در محیط پیرامونی و کشورهای همجوار در شمال و جنوب و شرق و غرب، یکی از مکانیسم های مهم دولت ایران برای مقابله با سیاست های تحریمی آمریکاست. در این بین ترکیه که از نظر شاخص های اقتصادی در وضعیت مطلوب منطقه ای و بین المللی قرار دارد و یکی از کشورهای مهم، دوست و همسایه ایران است، همچنان که در دوره های قبل نقش حائز اهمیتی در سیاست های اقتصادی ایران در دوران تحریم داشته است، در مقطع فعلی نیز جایگاه ویژه ای در بین دولتمردان ایرانی برای دور زدن تحریم های آمریکا دارد، کمااینکه دولت ترکیه نیز راه را بر روی ایران برای استفاده از پتانسل های اقتصادی و بازرگانی اش جهت مقابله با تحریم آمریکا نبسته است. در این راستا،

[1] - اگرچه عملاً نیز این تحریم ها حتی در دوران حضور آمریکا در برجام نیز رفع نشده بود.

در این مقاله تلاش می کنیم با مروری بر تحریم های یکجانبه آمریکا پس از کناره گیری از برجام و در کنار آن مروری بر کمیت و کیفیت روابط اقتصادی تهران - آنکارا، نقش ترکیه در سیاست خارجی ایران برای رهایی از آثار تحریم های ضد ایرانی آمریکا مورد بررسی قرار گیرد.

۲- مبانی نظری

تحریم جزیی از دیپلماسی بین المللی حاکم بر جهان کنونی است که کشورهای تحریم کننده از آن به منزله ابزاری غیرنظامی برای واداشتن کشورهای هدف برای انجام دادن واکنش مورد نظرشان استفاده می‌کنند. منظور از تحریم اقتصادی، کاهش یا متوقف کردن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم کننده است. در واقع تحریم سلاح اقتصادی در میدان مبارزه‌ی غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر می‌برد و وارد حوزه عمل می‌کند (Eyler, 2007 : 4). نهاد تحریم کننده ممکن است دولت یا یک یا چند کشور یا سازمانی بین المللی از قبیل سازمان ملل باشد. کشور هدف نیز کشوری است که مستقیماً سیاست های تحریم بر آن اعمال می شود. در این راستا منظور از اهداف سیاست خارجی تغییر در رفتارهای سیاسی کشور هدف است که تحریم کننده صریح یا ضمنی آن را دنبال می کند (Hufbauer and et al., 2007 : 3 & 44).

همان گونه که در تعریف مشخص است تحریم بر دو نوع است: اول تحریم های تجاری و دوم تحریم های مالی. تحریم های تجاری بر صادرات و واردات کالاها یا کالای خاص کشور هدف اعمال می شود؛ اما تحریم های مالی بیشتر بر گردش مالی کشور مذکور تمرکز می کند. تحریم بانک ها یا بانک مرکزی از نوع تحریم های مالی است. با این حال اغلب تحریم ها، ترکیبی از تحریم های تجاری و مالی است. کشورهای تحریم کننده معمولاً اقبال بیشتری به تحریم مالی دارند، زیرا؛ ۱- تحریم های مالی از تحریم های تجاری راحت تر اعمال می شود. چرا که دولت ها و نهادهای مالی بین المللی ارائه کنندگان یا تضمیم کنندگان اصلی گردش های مالی هستند و نیز بازارهای مالی خصوصی نیز از ابزارهای کالایی مقررات پذیرتر هستند، ضمن اینکه تمرکز فعالیت های مالی در دست بازیگران محدودی است و این نیز سهولت نسبی در نظارت و تنبیه خاطیان را در این بازارها در پی دارد. ۲- بازارهای مالی به دلیل خطرپذیرتر بودن گردانندگان و فعالان آن ها از قبیل بانکداران، سفته بازان و سرمایه گذاران (که از آن ها

به «اجراکنندگان خصوصی» تحریم تعبیر مـی شـود) بـرخلاف بازارهـای تجـاری بـه تسـریع و تشدید نتایج تحریم منجر می شوند. ۳- در اقتصادهای بازاری مـدرن، تجـارت و دیگـر فعالیـت های اقتصادی شدیداً به دسترسی به منابع مالی وابسته است. وضع محدودیت های شدید مالی به اختلال در مبادلات و تعاملات تجاری منجر می شود، بدون آنکه کشور تحریم کننده بخواهد زحمت های مرتبط با تحریم تجاری از قبیل ممانعت از قاچاق و ... را تحمـل کنـد. دلایـل یـاد شده سبب می شود که تحریم های مالی از تحریم های تجـاری اثـربخش تـر باشـد، آسـان تـر اعمال شود و فرار و دور زدن آن ها نیز دشوارتر باشد و در نهایت آثار تشدید کننده جدی تـری را برانگیزد (Hufbauer and et al., 2007: 44 - 47). از جنبه دیگر نیز می توان تحـریم ها را به دو نوع سخت و نرم تقسیم بندی کرد. تحریم های سخت بیشتر به شکل تحـریم هـای نظامی یا محاصره اقتصادی کشور هدف خود را نشان می دهد، اما تحریم های مـالی و تجـاری اشکالی از تحریم های نرم است. در این زمینه نیز با توجه به هزینه هـای بیشـتر و دشـواری در عمل، معمولاً تحریم های نرم بر تحریم های سخت تر ترجیح داده می شود.

جمهوری اسلامی ایران یکی از معـدود کشـورهای جهـان اسـت کـه در طـول چهـل سـال گذشته، از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، سازمان ملـل متحـد و شـورای امنیـت در معـرض انـواع تحریم های سخت و نرم و همچنین مالی و تجاری قرار داشته است. ولـی بـا وجـود ایـن همـه تحریم، جمهوری اسلامی نه تنها از مواضع خویش عقب ننشسته بلکه با کسب تجارب ارزنده در دوران تحریم به رشد و پیشرفت در تمام عرصه های تکنولوژیکی، صـنعتی و علمـی نیـز همـت گماشته است.

۳- داده های تحقیق

۳-۱- مروری بر تحریم های ضد ایرانی آمریکا

به طور کلی تحریم های ایران به چهار نوع تقسیم بندی می شود: ۱- تحریم هـای شـورای امنیت سازمان ملل متحد؛ ۲- تحریم های اتحادیه اروپا ۳- تحریم های یکجانبـه دولـت هـا ۴- تحریم های کنگره آمریکا. سخت ترین تحریم ها در بین چهار نوع مذکور تحریم هایی است که از جانب ایالات متحده آمریکا اعمال می شود که براساس وضع نهاد وضع کننده به چهار دسـته مجزا تقسیم می شود: ۱- تحریم هایی که کنگره ایالات متحده آمریکا وضع کرده و فقط کنگـره

می‌تواند بردارد. ۲- تحریم‌هایی که ابتدا قوه مجریه وضع کرده، اما سپس کنگره آن‌ها را به صورت «قانون» درآورده و برچیدن آن ها را نیز در حوزه اختیارات خود قرار داده است. ۳- تحریم‌هایی که قوه مجریه وضع کرده‌است و رئیس‌جمهور می‌تواند بردارد. ۴- قانون تحریم ایران که قانون تحریمِ بسیار مهمی است که کنگره وضع کرده و در اواخر سال ۲۰۱۶ برای ده سال تمدید شد.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از دوران تبلیغات ریاست جمهوری نشان داده بود که هیچ علاقه‌ای به توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ موسوم به برجام که از اوایل سال ۲۰۱۶ اجرایی شده است ندارد، لذا بارها اعلام کرده بود که این توافق که از دید وی باعث شرمساری دولت آمریکا است را لغو و از آن خارج خواهد شد. بنابراین رئیس جمهور آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ رسماً از برجام خارج شد. دقایقی بعد از اعلام خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ، وزارت خزانه داری آمریکا همان روز در بیانیه ای دستورالعمل خروج از برجام را منتشر و اعلام کرد اقدامات فوری را برای اجرای تصمیم رئیس‌جمهور انجام می‌دهد. طی این بیانیه اعلام شد که تحریم ها علیه ایران طی بازه ۹۰ روزه و ۱۸۰ روزه باز خواهند گشت؛ به گونه ای که در پایان این دوره‌ها تحریم‌های قابل اجرا به اثرگذاری کامل برسند. این امر شامل اقدامات در چارچوب هر دو دسته تحریم‌های اولیه و ثانویه می‌باشد (وزارت خزانه داری آمریکا، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷).

طبق برنامه اعلامی رئیس جمهور آمریکا پس از خروج از برجام، پس از ۹۰ روز تنفس و فرصت برای تجار و فعالان اقتصادی بخش اول تحریم ها و پس از ۱۸۰ روز بخش دوم و پایانی تحریم ها بر ایران اعلام گردید و سرمایه گذاران و فعالانی که در دوره برجام وارد عرصه اقتصاد ایران شده‌اند به تدریج و به علت ترس از تحریم توسط آمریکا از ایران خارج شدند.

دوره ۹۰ روز در ۴ آگوست ۲۰۱۸ میلادی (۱۳ مرداد ۱۳۹۷) به پایان رسید و تحریم های مربوط به هسته ای که به موجب برجام رفع شده بودند، دوباره احیا شدند. ضمن اینکه در پایان دوره ۱۸۰ روزه نیز، تحریم های نفتی و ثانویه که آن ها هم به موجب برجام رفع شده بود دوباره علیه جمهوری اسلامی ایران توسط دولت آمریکا اعمال گردیدند. تحریم های جدید دولت آمریکا در حالی است که تنها تعداد اندکی از کشورهای اروپایی و آسیایی به آن پایبند

بوده اند و بیشتر کشورها که در رأس آن ها چین، هند و روسیه قرار دارد، با آن مخالفت کرده اند.

قبل از هر چیز ضروری است تا مروری کوتاه به روابط بین ایران و ترکیه به خصوص در عرصه های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و انرژی داشته باشیم.

۳-۲- نگاه کلی به روابط بین ایران و ترکیه

۳-۲-۱- سیاسی - دیپلماتیکی

ایران و ترکیه، دو همسایه‌ای هستند که هم رقابت دارند و هم رفاقت می‌کنند. این دو همسایه زمانی هرکدام یک امپراتوری بودند، اکنون امپراتوری ها به تاریخ پیوسته اما ترکیه چند سالی است که به فکر احیای امپراتوری عثمانی افتاده، طرحی که در محافل رسانه‌ای و سیاسی منطقه به «نوعثمانی‌گری» معروف است (نجمی، ۱۳۹۴: ۱۳).

روابط دو کشور همسایه ایران و ترکیه در طی سالیان متمادی به ویژه در عرصه روابط سیاسی دارای فراز و فرود بوده است. دلیل این امر بروز تحولات منطقه ای و بین المللی بود. این امر باعث شده است که روابط دو کشور از روند طبیعی و انسجام کمتری برخوردار باشد. روابط تهران و آنکارا را می توان در دو دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر بلوک بندی های سیاسی در قالب «شرق و غرب» در نظام بین الملل، ترکیه و ایران از جایگاه ویژه ای در سیاست های راهبردی بلوک غرب برخوردار شدند. این امر موجب گسترش روابط سیاسی - اقتصادی تهران و آنکارا شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بروز اختلاف سیاسی و ایدئولوژیک بین دو کشور این روند با کندی قابل ملاحظه ای مواجه شد. با این حال موقعیت استراتژیکی و ژئوپلتیکی دو کشور و وابستگی متقابل تهران - آنکارا منجر به تلطیف فضای سرد حاکم بر مناسبات ایران و ترکیه شده است. آغاز جنگ عراق علیه ایران، آنکارا و تهران را اقناع نمود تا روابط بین دو کشور بر پایه مؤلفه های اقتصادی تداوم یابد. لیکن بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی، تغییرات عمده ای در سیاست های راهبردی آنکارا ایجاد شد. درک واقعیت های نظام بین الملل و تغییر مؤلفه های «بلوک بندی سیاسی» به مؤلفه های « اقتصادی» در عرصه بین المللی، حزب عدالت و توسعه را از نگرش تک بُعدی به غرب خارج و سیاست های

راهبردی نوین ترکیه را با اولویت بر افزایش روابط اقتصادی با قدرت های منطقه ای مهمی از جمله ایران پایه ریزی کرد (خجسته، ۱۳۹۶). لازم به ذکر است تا پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، دولت های جمهوری ترکیه بر الگوی سکولاریسم، لائیسم و غرب گرایی در روابط با سایر کشورها تأکید داشته اند. به همین علت روابط سیاسی ایران و ترکیه در بسیاری از دوره ها با پیش زمینه های رقابتی صورت پذیرفته است. به عبارتی دو کشور حتی در زمان داشتن روابط مناسب سیاسی، به چشم رقیب به یکدیگر نگریسته اند (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۸).

آشکارا می توان گفت روابط ایران و ترکیه مبتنی بر گذشته تاریخی است. در واقع این روابط همیشه به دشمنان ضروری و دوستان طبیعی معروف بوده است. هر دو کشور از موقعیت خاص استراتژیک در منطقه برخوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. ایران پل ارتباطی ترکیه به شرق و ترکیه پل ارتباطی ایران به غرب است. بدون تردید تحولات درونی کشورهای ایران و ترکیه بر یکدیگر تأثیر می گذارد و مسائل مشترک، موجبات همکاری و تعارض را میان دو کشور فراهم می کند. نگاهی به تاریخ ایران و ترکیه نشان می دهد که بسیاری از تحولات دو کشور مصادف با یکدیگر و بعضاً تأثیرگذار بر یکدیگر بوده است. وقوع انقلاب مشروطه در ایران و عثمانی، ظهور رضاخان و آتاتورک در دو کشور، وقوع کودتا علیه مصدق و مندرس در ایران و ترکیه در گذشته نه چندان دور و تقویت اسلام گراها در ترکیه و موارد دیگری از این دست از جمله تحولات و تأثیرات دوران اخیر بوده است (صدیق بطحایی اصل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

۳-۲-۲- اقتصادی - تجاری

روابط ایران و ترکیه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر بر حول محور اقتصادی استوار بود، با پیروزی حزب عدالت و توسعه روند شتاب بیشتری به خود گرفت. اتخاذ سیاست گسترش روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه و اتخاذ سیاست تنش زدایی ترکیه با همسایگانش باعث شد روابط دو کشور در سال های اخیر در مقایسه با دوره های قبلی ضمن دور شدن از فراز و نشیب های گذشته به دوره ای از ثبات و اطمینان برسد. گرچه بحران سوریه بر روابط سیاسی دو کشور سایه انداخته است، ولی ترکیه و ایران سعی

کردند این بحران بر روابط اقتصادی و تجاری تسری پیدا نکند. به طوری که روابط اقتصادی ایران و ترکیه از پایدارترین نوع روابط میان دو کشور بوده و حتی در اوج اختلافات دو کشور دچار آسیب نشده است (قاسمی و حسن زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

بررسی آمار و ارقام مبادلات تجاری ایران و ترکیه از شروع دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه مبین افزایش بسیار زیاد روند رشد در حجم مبادلات تجاری دو کشور است. از سال ۲۰۰۲ در روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه ظرفیت های زیادی برای همکاری فعال شد. طبق آمارهای رسمی نهادهای اقتصادی ترکیه حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. اما اعمال تحریم های امریکا و اتحادیه اروپا و کاهش درآمد های نفتی ایران باعث شد تا این رقم در سال ۲۰۱۳ به کمتر ۵/ ۱۴ میلیارد دلار کاهش یابد (غائبی، ۱۳۹۵: ۹۳).

صادارت ترکیه به ایران در سال ۲۰۱۵ بیش از ۳ و نیم میلیارد دلار بوده است. علی رغم این که در سال ۲۰۱۶ به ۵ میلیارد دلار رسید ولی در سال ۲۰۱۷ صادرات ترکیه به ایران ۲/ ۳ میلیارد دلار بود که کمترین سطح در ۶ سال اخیر بوده است. طبق آمار رسمی وزارت بازرگانی ترکیه در سال ۲۰۱۷ بیشترین محصولات صادراتی به ایران چوب و صنایع چوبی بوده و در بخش واردات این کشور بیشترین محصولی که در همین سال وارد کرده پلیمرهای اتیلن بوده است (خجسته، ۱۳۹۶).

در خصوص روابط دو طرف در حوزه انرژی باید گفت، ترکیه دارای ذخایر نفت و گاز قابل ملاحظه و زیادی نیست. در حال حاضر حدود ۹۱ حوزه نفتی در این کشور کشف شده که بیشترین این چاه ها به دلایل جغرافیایی فاقد توجیه اقتصادی است. بر اساس گزارش مجله نفت و گاز[1] او قی جی ذخایر نفتی ترکیه تا ژانویه۲۰۰۶میلادی بالغ بر۳۰۰میلیون بشکه برآورد شده است. اکثر ذخایر نفتی ترکیه در قسمت جنوبی ترکیه در منطقه «حکاری» و بخشی نیز در قسمت شمالی این کشور قرار گرفته است. به گزارش این منبع در سال۱۹۹۱ میلادی از این ذخایر روزانه ۸۵۳۰۰ بشکه استخراج شده است در حالی که در سال ۲۰۰۶ میلادی به ۴۳۰۰۰

[1] - OGJ

بشکه نفت در روز کاهش یافت. بر اساس پیش بینی مؤسسه بین المللی EIA ترکیه تا سال ۲۰۰۶ میلادی برای مصرف روزانه نیاز به ۶۱۸۰۰۰ بشکه نفت داشت. از این رو ترکیه مابقی نفت مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر از جمله ایران و روسیه تهیه می کند (غائبی، ۱۳۹۵: ۹۸).

جمهوری اسلامی ایران که با ۱۳۶ میلیارد بشکه نفت اثبات شده مقام سوم را در دنیا دارا می باشد، به عنوان یکی از مهم ترین منابع تأمین انرژی نفت و گاز ترکیه به حساب می آید. با توجه به این که بین ایران و ترکیه خط لوله انتقال نفت وجود ندارد، صادرات نفت ایران به این کشور به وسیله کشتی های تانکر، از طریق تنگه هرمز انجام می شود. ترکیه درصدد توسعه ترمینال سیحان به عنوان یک مرکز ثقل منطقه ای انرژی در کنار دریای مدیترانه است و قصد دارد تا چند سال آینده، ظرفیت تصفیه نفت خام خود را به دو برابر افزایش دهد که این امر، نیاز ترکیه به نفت خام را به دو برابر خواهد رساند؛ بنابراین، ایران نیز در فهرست انتخاب های با اولویت ترکیه برای واردات نفت خام باقی خواهد ماند (خجسته، ۱۳۹۶: ۸). بیش از ۵۰ درصد نیاز نفتی ترکیه توسط ایران تأمین می شود و بنا به آمار غیررسمی، ترکیه خریدار حدود ۸ درصد مجموع نفت صادراتی ایران است.

گاز به عنوان یکی دیگر از محصولات انرژی است که ترکیه بر اساس رشد و توسعه صنایع خویش به آن نیاز زیادی دارد. این کشور از نیمه دوم ۱۹۸۰ میلادی گاز را وارد چرخه اقتصادی خود کرده است. با توجه به گسترش شهرنشینی در ترکیه، گاز به عنوان محرکه اصلی تولید الکتریسیته، از جایگاه خاصی در سبد انرژی این کشور برخوردار است. در حال حاضر نیمی از واردات گاز ترکیه به تولید برق اختصاص می یابد. در زمینه گاز طبیعی ترکیه قادر به تأمین تنها ۱/۷ درصد مصرف گاز سالانه خود از طریق تولید داخلی بوده و بنابر این، وابسته به تأمین کنندگان خارجی مانند ایران است. در سال ۲۰۰۵ واردات گاز ترکیه از ایران تنها ۲ / ۴ میلیارد دلار متر مکعب بود. اما در سال ۲۰۱۱ این مقدار به ۲ / ۸ میلیارد متر مکعب افزایش یافت که حدود ۱۹درصد کل واردات گاز ترکیه می شود. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۱۸ درصد و در طول سال های۲۰۱۳و۲۰۱۴به۲۰درصد و در سال۲۰۱۵ به ۲ / ۱۶درصد رسید (خجسته، ۱۳۹۶: ۸).

۳-۳- ترکیه و تحریم های آمریکا علیه ایران

یکی از موضوعات مهم در خصوص تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا نحوه مقابله ایران با این تحریم هاست. پرسشی که در این باره می شود این است که برای مقابله با تحریم ها چه باید کرد؟ مدیریت عمومی تقاضای ارز، زمینه سازی برای کاهش تقاضای ارز، کاهش خریدهای مبتنی بر ارز دولتی، مهار قاچاق کالا، افزایش اثربخشی نظام مالیاتی، حمایت از تولید ملی، تنظیم سیاست های اقتصادی بر اساس اقتصاد مقاومتی، پیمان های پولی دوجانبه، استفاده از راه های میانبر و همچنین «استفاده از ظرفیت های اقتصادی و تجاری کشورهای همسایه» از جمله راه های مهمی است که با استفاده از آن ها می توان هم از آثار و پیامدهای منفی ناشی از تحریم در امان بود و هم کشور را از تحریم مصون ساخت.

شاید بتوان ثابت قدم‌ترین و همراه‌ترین همسایه ایران را در خصوص مقابله با تحریم ها ترکیه دانست. دولت آنکارا بارها با قاطعیت مخالفت خود را با تحریم های آمریکا علیه ایران اعلام کرده و از این تحریم ها نیز پیروی نکرده و به تجارت دوجانبه خود با ایران ادامه داده است. ترکیه جزو اولین کشورهایی بود که در مقابل تحریم های دولت ترامپ مقابل ایران موضع منفی گرفت و آن زمانی بود که ابراهیم کالن سخنگوی رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه با اشاره به این که ایران کشور همسایه و شریک اقتصادی مهم است، اعلام کرد که زیر بار تهدیدات آمریکا نخواهد رفت و به تحریم های آمریکا در ممنوعیت واردات نفت از ایران پایبند نخواهد بود و مطابق منافع اقتصادی خود حرکت خواهد کرد. در این راستا دولت ترکیه یکی از کشورهایی است که توانست ضمن رایزنی با مقامات آمریکایی، خود را از تحریم نفتی ایران معاف نماید (شفقنا، ۹ تیر ۱۳۹۷). ترکیه در دور سابق تحریم های بین المللی علیه ایران هم (پیش از برجام) از تنفس گاه های اصلی ایران برای دور زدن تحریم ها بود و تاوان آن را هم به شکل دستگیری و محاکمه رئیس سابق «هالک‌بانک» ترکیه داده است و این موضوع هم اینک نیز یکی از اختلافات جدی بین آنکارا و واشنگتن است.

از اواخر دهه ۱۳۷۰ که موضوع فعالیت‌های هسته ای ایران به یکی از دستورکارهای بین‌المللی تبدیل شده است، ترکیه همواره از حامیان توسعه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران بوده و طی ساز و کارهای چندجانبه بین المللی در راستای حل و فصل سیاسی- حقوقی

اختلافات بین ایران و غرب نقش آفرینی کرده است. حتی در برهه‌ای با استفاده از ظرفیت‌های ساختاری خود در مقابل مواضع سخت متحدان غربی خود علیه ایران به ویژه تحریم‌ها و قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت ایستاده است. در تحریم‌های اعمالی غرب علیه ایران بین سال-های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ آنکارا نقش قابل توجهی در کاهش فشارهای اقتصادی غرب علیه تهران بازی کرد و به واسطه موقعیت همجواری و کانال‌های غیررسمی به بسیاری از نیازهای وارداتی و صادراتی ایران پاسخ گفت. هرچند ترک‌ها سود کلانی از طریق دور زدن تحریم‌های ایران عاید خود ساخته اند (نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار) اما هزینه‌های هنگفتی نیز در موضع‌گیری های تقابلی خود علیه متحدان غربی متحمل شده اند. با وجود این، ترکیه برجام را به مراتب سودمندتر از تحریم ها و تداوم اختلافات بر سر موضوع هسته‌ای بین ایران و غرب می داند و متعاقب تصویب آن به منظور توسعه بازارهای صادراتی و همچنین بهره‌برداری از فرصت های سرمایه گذاری بعد از برجام در حدود چهار هزار هیئت بازرگانی و ۳۰۰ شرکت از ترکیه وارد ایران شد. با خروج آمریکا از برجام، اعمال تحریم های جدید از سوی این کشور و ابهام در تداوم این ابتکار چندجانبه، مقامات ترکیه موضع سرسختی در عدم همراهی با تحریم های یکجانبه گرایانه آمریکا اتخاذ کرده اند (گل محمدی، ۱۳۹۷).

در دوران تحریم ایران، چه در سال های گذشته و چه در مقطع کنونی که جمهوری اسلامی ایران با تحریم های یکجانبه آمریکا مواجه است، ترکیه در مقابل یک آزمون بسیار دشوار در خصوص همراهی یا عدم همراهی با تحریم ها و فشارهای آمریکا علیه ایران قرار گرفته است. همچنان که واقعیات موجود نشان داده است، از نخستین روزهایی که دولت ترامپ اعلام نموده تمام تحریم ها علیه ایران را باز خواهد گرداند، دولت ترکیه در یک موضع سخت اعلام نمود که در برابر تحریم ها علیه ایران ایستادگی خواهد کرد. کما اینکه اردوغان نیز بارها اعلام کرده که موضع دولتش در مقابل تحریم های آمریکا علیه تهران، حمایت از ایران و همراهی نکردن با تحریم های آمریکاست. بنابراین تلاش های کاخ سفید به ویژه کارگروه اقدام علیه ایران وزارت امور خارجه آمریکا برای متقاعد کردن دولت ترکیه جهت همراهی با تحریم های آمریکا علیه ایران، تاکنون راه به جایی نبرده است.

در ادامه اشاره ای کوتاه به مواضع و دیدگاه های مقامات دولتی و همچنین محافل حزبی، سیاسی و رسانه ای ترکیه در خصوص تحریم ها می اندازیم.

۳-۴- رویکرد دولت، احزاب و جامعه ترکیه نسبت به تحریم ایران

ترکیه از نخستین کشورهایی بود که بارها مخالفت خود را با اعمال تحریم ها علیه ایران و عدم تمکین خود از آن اعلام کرد. تا این زمان، دولت ترکیه مهم ترین کشور همسایه ایران است که دور جدید تحریم های آمریکا علیه ایران را به شدت محکوم ساخته و علناً اعلام داشته است که از آن پیروی نخواهد کرد. در ادامه به مواضع مهم مقامات ترکیه در قبال دور جدید تحریم های آمریکا پس از خروج کاخ سفید از برجام اشاره می شود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۷).

رجب طیب اردوغان رییس جمهوری ترکیه در ادامه مخالفت های خود با تحریم ایران، آبان سال ۱۳۹۷ و چند روز پس از آغاز تحریم های نفتی و بانکی علیه ایران، در نشست اعضای حزب عدالت و توسعه در مجلس ملی ترکیه با اشاره به تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران و با انتقاد از اجرای دور دوم تحریم واشنگتن و با اعلام عدم همراهی کشورش با این تحریم ها گفت: «نمی خواهیم در یک دنیای امپریالیست زندگی کنیم». وی این تحریم ها را نادرست خواند و افزود: «ترکیه در اجرای تحریم های اعلام شده علیه ایران، با آمریکا همراهی نخواهد کرد». اردوغان اوایل مرداد ماه سال جاری نیز طی مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد: ترکیه انرژی خود را از ایران تامین می کند و اگر نیاز خود را از ایران تامین نکند، چه کسی در فصل زمستان کشور ترکیه را گرم خواهد کرد؟ این سخنان اردوغان در همان زمان نشان داد که ترکیه قصدی برای همراهی با آمریکا در تحریم ها ندارد.

مولود چاووش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه نیز در یکی از مهم ترین اظهار نظرهای رسمی خود درباره تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران، استفاده از حربه تحریم علیه ملت و دولت ایران را ناعادلانه و غیرمنصفانه خوانده و گفته است: «تحریم آمریکا علیه ایران نتایج خاصی نخواهد داشت».

ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه نیز در گفت و گویی با شبکه تلویزیونی خبر ترک، تحریم اخیر آمریکا علیه ایران را سیاسی و بی نتیجه خوانده و گفته است: «وقتی آمریکا به دلایلی یک کشور را تحریم می کند، ترکیه نمی تواند از منافع خود در پی اعمال این

تحریم ها صرف نظر کند... در تحریم های آمریکا علیه ایران، دولت آنکارا نمـی توانـد از منـافع خود چشم پوشی کند و در این زمینه حفظ منافع ملی ترکیه، در اولویت قرار دارد».

فاتح دونمز وزیر انرژی ترکیه نیز یک هفته پس از اعمال تحریم هـای نفتـی و بـانکی علیـه ایران در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان.تی.وی ترکیه گفته است: «تحریم های آمریکا، هم مردم ایران و هم مردم منطقه را تحت تاثیر خود قرار می دهد و آن هـا را دچـار مشـکل مـی کنـد... ترکیه پیش از این نیز اعلام کرده بود که این تحریم ها را اجرا نخواهد کرد و صحت این موضـع ترکیه را گذشت زمان نشان خواهد داد».

مخالفت با تحریم های آمریکا علیه ایران به دولت ترکیه محدود نشده، بلکه احزاب مختلـف ترکیه نیز این تحریم ها را محکوم کرده اند. در این زمینـه دوغـو پرینچـک رهبـر حـزب وطـن ترکیه در گفت و گو با شبکه تلویزیون اولوسال ترکیه اظهار داشته اسـت: «بخـش عمـده ای از گاز و نفت وارداتی ترکیه از ایران تأمین می شود و توقف آن خسارات زیادی به کشـور مـا مـی زند و به همین دلیل آنکارا از ابتدا با این گونه تحریم هـای خـارج از چـارچوب شـورای امنیـت سازمان ملل مخالف بود و حتی به بیان بهتر باید بگویم که نمـی توانسـت آن را بپـذیرد. هـیچ زمانی به دولتمردان آمریکایی اعتمادی نبوده چرا که آن ها هر لحظه امکان ضربه زدن بـه هـم پیمانان خود را دارند و به همین دلیل سرمایه گذاری مشترک با واشنگتن و یا دراز کردن دست دوستی به سوی مقامات کاخ سفید جز فلاکت و از هـم پاشـیدگی بـرای کشـورمان نتیجـه ای ندارد. حمایت از همسایه خـود ایـران و تقویـت روابـط سیاسـی ــ اقتصـادی بـا ایـن کشـور و کشورهایی نظیر چین، روسیه و اروپایی ها می تواند آینده بهتـری را بـرای منطقـه رقـم زده و همچنین تحریم های آمریکایی را بی اثرتر کند» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۷).

تمل کارامالا اوغلو رهبر حزب اسلامگرای سعادت ترکیه نیز ضمن محکوم کردن تحریم های آمریکا علیه ایران گفته است: «اقدامات واشنگتن علیه تهران، خلاف قوانین حقوقی سازمان ملل بوده و برای ترکیه فاقد اعتبار است. ترکیه به هیچ عنوان همسایه خود را در برابر تحـریم هـای آمریکایی تنها نخواهد گذاشت و مقامات کاخ سفید باید توهم ژاندارم بودن در جهان را از ذهـن خود پاک کنند» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۷).

علاوه بر دولت و احزاب ترکیه، فضای حاکم بر محافل سیاسی و جامعه رسانه ای ترکیه نیـز حاکی از حمایت آن ها از همسایه خود و مخالفت با تحریم های آمریکا است. بـه طـوری اغلـب

کارشناسان سیاسی ـ اقتصادی ترکیه ضمن بیان واقعیاتی از آثار زیانبار تحریم، اقدامات ترامپ را محکوم و آن را عملی خلاف حقوق بین الملل توصیف کرده اند.

۳-۵- عوامل مؤثر در عدم همراهی ترکیه با تحریم های آمریکا

اینکه واقعاً چه علل یا عواملی موجب عدم همراهی دولت ترکیه با تحریم های ضد ایرانی دولت آمریکا می شود سئوالی است که پاسخ آن را باید در مؤلفه ها و متغیرهای متعددی جستجو نمود که در ادامه به پنج نکته و متغیر مهم در این زمینه اشاره می شود (گل محمدی، ۱۳۹۷).

نخست؛ ابتدا به این نکته باید توجه داشت که اقتصاد ترکیه به دلیل تنوع قابل توجه در حوزه تجارت خارجی و اتصال به شبکه اقتصاد جهانی قادر به جایگزینی مراودات تجاری با سایر کشورها در میان مدت ایران نیست. این بدین معناست که تحریم های آمریکا علیه ایران تأثیر زیادی بر شاخص های اقتصادی ترکیه نخواهد داشت. اما زمانی می توان روی این ظرفیت حساب کرد که ترکیه وابستگی شدیدی به واردات انرژی از ایران نداشته باشد. زمانی که تحریم نفتی علیه ایران در نوامبر اجرایی شد، آنکارا به منظور جلوگیری از پیامدهای زیانبار، اقدام به دریافت معافیت از تحریم نفتی ایران از آمریکا نمود. هرچند ترک‌ها در سال های گذشته به دنبال تنوع سازی مبادی وردی انرژی خود بوده اند، اما به منظور تأمین نیازهای انرژی به طور اساسی به ایران و روسیه وابستگی دارند. به طوری که در سال ۲۰۱۷، ایران مهمترین منبع تأمین انرژی ترکیه بوده است و این کشور حدود ۵۰ درصد نفت خام و ۱۸ درصد گاز طبیعی خود را از ایران تأمین کرده است. این در حالی است که در دوران تحریم های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ عراق و روسیه تامین کننده اصلی بودند.

دوم؛ کاهش واردات نفت و گاز از ایران به این معنی است که ترکیه باید نیازهای خود را از کشورهای دیگر تأمین کند[1] ، که نسبت به ایران به دلیل هزینه های بالای حمل و نقل و خصوصیت های متفاوت نفت و گاز این کشورها، بسیار گران قیمت و پرهزینه است. علاوه بر این، در صورت اجرایی شدن تحریم های نفتی، قیمت جهانی نفت افزایش خواهد داشت.

[1] - به احتمال زیاد عراق و کویت در حوزه نفتی و روسیه و آذربایجان در حوزه گاز طبیعی

براساس داده‌های مرکز آمار ترکیه، آنکارا در سال ۲۰۱۶ حدود ۲۷.۱۶ میلیارد دلار برای واردات انرژی پرداخت کرده است که این رقم در سال ۲۰۱۷ به دلیل افزایش قیمت جهانی انرژی و همچنین افزایش نیازهای ترکیه، به ۳۷.۱۹ میلیارد دلار رسیده است و پیش بینی می شود طی سال های آتی میزان واردات ترکیه بالاتر از ۴۰ میلیارد دلار باشد. برای کشوری که ۹۵ درصد از نیازهای انرژی خود را وارد می کند، قیمت انرژی می تواند تأثیر زیادی بر شاخص های اقتصاد کلان ترکیه داشته باشد که به معنای کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم و کسری تجاری است. در ترکیه، با هر ۱۰ دلار افزایش در قیمت نفت، ۰.۵ درصد تورم افزایش و ۰.۳ درصد رشد اقتصادی کاهش می یابد.

سوم؛ کم و کیف تصمیمات و رفتارهای اتحادیه اروپا در اجتناب از تحریم های اعمالی آمریکا علیه ایران در آینده در همراهی یا عدم همراهی ترکیه با آمریکا بسیار تعیین کننده است. اگر اتحادیه اروپا به رغم حفظ برجام با تحریم های اقتصادی آمریکا همراهی کند، ترکیه در تنگنا قرار می گیرد؛ بدین معنا که ۴۳ درصد از اقتصاد ترکیه وابسته به اروپاست و در حال حاضر ترک‌ها برای ترمیم اقتصاد خود نیازمند پول های داغ و سرمایه گذاری مستقیم اروپایی ها هستند که در صورت فشار بر ترکیه به منظور تغییر رویکرد نسبت به ایران، بدون تردید تأثیرگذار خواهند بود و قدرت و ظرفیت مانور آنکارا نسبت به تحریم ها را به شدت محدود خواهند کرد. با توجه به اینکه اتحادیه اروپا با تحریم های آمریکا همراهی نمی کند، ترکیه نیز در اردوگاه اروپا قرار گرفته و با تحریم های آمریکا علیه ایران مخالف است.

چهارم؛ به لحاظ فنی، ترکیه به منظور گریز از فشارهای آمریکا، راه هایی را برای دور زدن تحریم ها مدنظر دارند. آنکارا می تواند با بهره گیری از موقعیت همجواری از طریق ایجاد مناطق آزاد تجاری در مناطق مرزی به ویژه گسترش مبادلات تجاری در مناطق آزاد ارس و ماکو، نظام تبادل آزاد کالا و خدمات راه اندازی کند که نیاز به اقدامات مشترک با ایران دارد. وجود مرز زمینی مشترک عنصر مهمی است که امکان دخالت از کشور ثالث را سلب می کند. آمریکا امکان کنترل مبادلات تجاری ایران و ترکیه را به هیچ عنوان نخواهد داشت. همین ویژگی بود که کمک کرد در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ نیازهای صنعتی ایران به واسطه ترکیه از کشورهای اروپایی خریداری و از طریق مرز زمینی وارد کشور شود. همچنین مرز مشترک باعث

می شود ترکیه از صادرات طلا برای تسهیل انتقال ارز به ایران استفاده نماید. گزینه ای که در تحریم های قبلی کارساز بوده است.

عملیاتی ساختن تجارت با پول های ملی دو کشور به منظور دور زدن سیستم ارتباطات و تراکنش های مالی - بانکی بین المللی که در اوریل سال جاری تصویب شد نیز می تواند تعیین کننده باشد. هر چند اردوغان در آخرین سفر خود به تهران از خواست این کشور برای تاسیس شعبه های بانک های ترکیه به منظور تسهیل تبادلات پول ملی خبر داده است اما به خاطر فشارهای آمریکا کمی بعید به نظر می رسد و در مقابل می توان از ظرفیت های تراکنشی شعبه-های بانک ملت در شهرهای بزرگ ترکیه بهره برداری کرد. البته ترک ها نسبت به سیاست های جدید اقتصادی ایران در حمایت از کالای ملی که موجب کاهش واردات محصولات ترکیه به ایران شده است، انتقاداتی دارند و به احتمال زیاد مرکز تجارت جهانی ترکیه که سال ۲۰۱۶ در الهیه تهران تأسیس شد، تعطیل شود. در این رابطه لیست کالاهای تحریمی علیه ایران از سوی آمریکا نیز تعیین کننده خواهد بود.

پنجم؛ ترکیه تجربه خوبی از تجارت با ایران در زمان تحریم ها در گذشته داشته است؛ هرچند برای این منظور هزینه هایی را نیز پرداخت کرده است[1]. بخشی از دلایل ترکیه برای اتخاذ موضع شفاف علیه تحریم های یکجانبه آمریکا را باید در چارچوب کلی سیاست های منطقه ای و جهانی ترکیه جست وجو کرد. ترکیه هم با کشورهای اروپایی و هم با ایالات متحده اختلافات متعددی در جهت گیری های سیاسی دارد، اما به نظر می رسد در کنار تمامی اختلافات موجود مهم ترین دلیل اتخاذ سیاست عدم همراهی با تحریم، بعد روانی این قضیه است چرا که حزب عدالت و توسعه و شخص رجب طیب اردوغان هم در گذشته و هم در کمپین مبارزات انتخاباتی اخیر تأکید بر این داشتند که ترکیه در اتخاذ تصمیم های مهم داخلی و خارجی موضعی مستقل و طبق منافع ملی خود خواهد داشت و به عبارتی مانند گذشته ماشه منطقه ای قدرت های بزرگ نخواهد بود. جو ضدغربی به خصوص پس از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ و عدم تحویل فتح‌الله گولن رهبر جماعت گولن از سوی آمریکا که ترکیه مدعی است رهبری کودتای فوق را بر عهده داشته در تشدید این جو ضدغربی مؤثر بوده

[1] - محاکمه رضا ضراب تاجر ایرانی-ترکیه ای و هاکان آتیلا، معاون هالک بانک در ایالات متحده به جرم همکاری در دور زدن تحریم های ایران

است. به هر حال در کنار این بعد روانی قضیه زاویه ها و اختلافاتی که حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان با سیاست های غرب به ویژه آمریکا در منطقه دارد در اتخاذ این تصمیم دخیل بوده است.

با وجود عوامل و متغیرهای فوق، آمریکا کماکان تلاش می کند تا ترکیه را وادار به حمایت از تحریم ها و قطع رابطه اقتصادی با ایران نماید. چرا که ترکیه در بین شرکای تجار اصلی ایران چند ویژگی منحصر به فرد دارد که باعث توجه مضاعف آمریکا شده است. به نظر می رسد آمریکا به منظور اقناع ترکیه از یک سیاست دو مرحله‌ای استفاده می کند. ابتدا، تلاش کرد تا با گسیل ساختن فرستاده‌های ویژه سعی در اقناع از طریق گفتگو و مذاکرات سیاسی بکند که این اقناع سازی همراه با بسته‌های پیشنهادی در حوزه های راهبردی دیگر به ویژه مناسبات منطقه‌ای نتوانست کارساز شود. در مرحله دوم، در صورتی که تغییری در رویکردهای ترکیه صورت نگیرد، به سمت ارعاب و تهدید حرکت خواهد کرد و بیشتر پاشنه آشیل ترکیه یعنی اقتصاد و امنیت این کشور را نشانه خواهد رفت.

۳-۶- دورنمای روابط ایران و ترکیه در سایه تحریم

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در سایه تحریم و «جنگ اقتصادی» آمریکا علیه ایران، بیش از هر زمان دیگری به هم نزدیک شده اند. هم اینک ایران و ترکیه با هدف گذاری ۳۰ میلیارد دلاری روابط اقتصادی، روابط تجاری گسترده ای با هم دارند، به طوری که انستیتوی آمار ترکیه حجم روابط اقتصادی بین دو کشور در ۲۰۱۷ را با بیش از ۵۹ درصد رشد نسبت به سال ۲۰۱۶ میلادی، ۱۰ میلیارد و ۷۵۱ میلیون دلار اعلام کرد. پیش بینی می شود، حجم تجارت دو کشور در سال جاری (۲۰۱۸) نیز به حدود ۱۲ میلیارد دلار برسد و بر این اساس، ترکیه و ایران سهم قابل توجهی در بازار و مبادلات تجاری همدیگر خواهند داشت (دیلی صباح، ۱۳۹۷).

در شرایطی که خروج یک طرفه دولت ترامپ از برجام و بازگشت دوباره تحریم ها، ایران را در تنگنای اقتصادی و سیاسی قرار داده است، تهران و آنکارا بیش از پیش به سوی همگرایی اقتصادی و سیاسی گام بر می دارند. در حوزه سیاسی اما به نظر می رسد گفتمان ستیز با یکجانبه گرایی آمریکا در عرصه بین المللی منافع کوتاه مدت ترکیه و ایران را به یکدیگر پیوند می دهد. این گفتمان ضد آمریکایی که رهبران دو کشور از آن برای بسیج افکار عمومی در برابر

سیاست تحریم و فشار اقتصادی آمریکا بهره می گیرند در حالی به اوج خود رسیده است که قدرت های اروپایی نظیر فرانسه و آلمان نیز آشکارا اما محتاطانه از سیاست های دولت ترامپ در برابر «متحدان استراتژیک اش» انتقاد می کنند (آقایی، ۱۳۹۷: ۳).

ایران و ترکیه در یک دهه اخیر در رقابت با یکدیگر همواره در پی گسترش «عمق استراتژیک» خود در منطقه و به ویژه در سوریه بوده اند. اکنون به نظر می رسد تهران و آنکارا به واسطه مورد هدف قرارگرفتن یکی از مهمترین اهرم های نفوذ منطقه ای شان (اقتصاد) توسط واشنگتن، اولویت و تمرکز سیاست خارجی خود در کوتاه مدت را به سمت مقابله با سیاست فشار حداکثری آمریکا تغییر داده اند. نظر به آنچه بیان شد دورنمای روابط ترکیه و جمهوری اسلامی ایران را در سایه تحریم های آمریکا چگونه می توان ارزیابی کرد؟ آیا همگرایی تهران و آنکارا در مواجهه با سیاست تحریم آمریکا را می توان مقدمه ای بر همسویی استراتژیک بلند مدت دو کشور در قبال مناقشات منطقه ای (نظیر سوریه) دانست؟ در حالی که ترکیه نیز در حوزه مسائل منطقه ای با آمریکا دارای اختلاف است، آیا ایران می تواند مانند گذشته به حمایت های دولت رجب طیب اردوغان رییس جمهور ترکیه امیدوار باشد؟

صرف نظر از آنچه تا امروز بین ایران و ترکیه در عرصه رقابت ژئوپلیتیک منطقه ای رخ داده است، باید گفت که سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به آنکارا در ژانویه ۲۰۱۴ [۱] در چرخش نسبی روابط تهران - آنکارا از فاز رقابت تمام عیار در برخی مسائل منطقه ای (به ویژه سوریه) به فاز همکاری اقتصادی و تجاری در راستای کاهش نسبی تنش ها بی تأثیر نبود. تحولات مهم دیگر از قبیل ورود روسیه به جنگ سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵ و لزوم همکاری های دوجانبه برای مقابله با افزایش دامنه نفوذ جغرافیایی داعش در سوریه و عراق و البته موفقیت های نظامی حامیان اسد در شکست دادن گروه های تروریستی و تکفیری در دو سال گذشته از اصطکاک شدید ژئوپلیتیکی و امنیتی بین ایران و ترکیه تا حدی کاسته است.

کاهش نسبی تنش ها به این معنا نیست که ایران و ترکیه در قبال مساله سوریه مواضع همسو با یکدیگر دارند. نکته قابل توجه اینجاست که جمهوری اسلامی ایران و ترکیه به رغم وجود تضاد منافع در سوریه، در زمینه همکاری اقتصادی و امنیتی به ویژه در دور زدن تحریم ها با یکدیگر کاملاً همسو و همگام بوده اند. پرونده کمک «رضا ضراب» تاجر ایرانی - ترک به

[۱] - نخستین سفر رییس جمهوری ایران به ترکیه در طول ۱۸ سال گذشته

ایران بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ برای دور زدن تحریم های بین المللی علیه این کشور از طریق برخی بانک های ترکیه مانند هالک بانک، سندی آشکار از همکاری جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در زمینه مقابله با سیاست تحریم بود (آقایی، ۱۳۹۷: ۵).

این روزها فشار اقتصادی آمریکا بر ایران به خاطر بازگشت مجدد تحریم ها از یک سو و اختلافات عمیق ترکیه و آمریکا که در مقطعی موجب تصمیم ترامپ مبنی بر تحریم دو وزیر دادگستری و کشور ترکیه و نیز دو برابر کردن تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم از ترکیه شد از سوی دیگر، تهران و آنکارا را به سمتی سوق داده است که به جای تمرکز بر رقابت های ژئوپلیتیک منطقه ای به فکر راه حلی مشخص و کارآمد برای رهایی و یا حداقل کاستن از فشارهای آمریکا باشند. از این رو به نظر می رسد ایران و ترکیه و همچنین روسیه در زمینه مقابله با تحریم ها و یکجانبه گرایی ترامپ کاملاً همسو و هماهنگ گام بردارند، از این رو هر سه کشور که تحت تحریم‌های اقتصادی آمریکا قرار دارند، در صدد اجرای یک ساز و کار مالی مشخص برای حذف دلار از مبادلات اقتصادی و جایگزینی پول ملی هستند. دولت اردوغان نیز درباره پایبندی ترکیه به تحریم های نفت و گاز علیه ایران نیز اعلام کرده است که این تحریم ها را اعمال نخواهد کرد هر چند «توپراش» بزرگ ترین شرکت نفت و گاز ترکیه همزمان با خروج آمریکا از برجام در ماه مه واردات نفتی خود را از ایران کاهش داده بود.

با این تفاسیر می توان این گونه استدلال کرد که روابط ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در سایه تحریم های آمریکا در بعد اقتصادی بیش از پیش تقویت خواهد شد. توجه به این نکته ضروری است از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران تقریباً در طول ۴۰ سال گذشته را هدف تحریم ها بوده، به طیف وسیعی از مکانیسم ها برای خنثی کردن تحریم دست یافته است. اما به لطف عملکرد ضعیف ارز ترکیه و ایران، بعید است که این مکانیسم ها تجارت با ارزهای محلی را شامل شوند. به همین دلیل، تهران و آنکارا از دلار و یورو استفاده خواهند کرد. چنان که صرافی های استانبول همزمان با اعمال تحریم های آمریکا کار خود را آغاز کرده اند. طی تحریم های قبلی، بیش از ۲۰۰ شرکت و تاجر ایرانی شرکت ها و دفاتری را در ترکیه راه اندازی کردند. در آن زمان محصولات تولیدی شرکت های ایرانی در ترکیه به ایران منتقل می شدند. اکنون، تکرار همان روند به علاوه تجارت مرزی که انتظار می رود تحریم ها به آن رونق بخشد، به معنای افزایش قابل توجه معاملات نقدی و تبادلات طلا خواهند بود (دوان، ۲۱ آبان ۱۳۹۷).

البته در این بین باید به این نکته توجه داشت که در شرایط فعلی بسیاری از ترک¬ها بر این باورند که بحران های اقتصادی ترکیه ناشی از مواضع ضدآمریکایی و تقابل گرایانه اتاق فکر اردوغان به ویژه در مورد رژیم صهیونیستی است. طیفی از مقامات تاثیرگذار در داخل حزب عدالت و توسعه و همچنین اپوزیسیون مجلس این کشور به دلیل تهدیدهای اقتصادی آمریکا علیه ترکیه خواستار همراهی اردوغان با آمریکا و تقویت روابط با لابی صهیونیسم در نهادهای مالی و اعتباری بین المللی هستند. هرچند اردوغان موضع مقاومت را انتخاب کرده است، اما تأثیر این گروه ها در آینده موضع گیری های ترکیه نسبت به تحریم ایران را نیز باید مورد توجه قرار داد. اساساً اتاق فکر رئیس جمهور اردوغان ایران را متحدی در برابر سیاست های خصمانه غرب و ابزاری برای افزایش چانه زنی در برابر ایالات متحده قلمداد می کنند (گل محمدی، ۱۳۹۷: ۱۰).

۴- نتیجه گیری

در شرایط کنونی، جنگ اقتصادی میان ایران و آمریکا به بالاترین حد خود رسیده و اتاق جنگ اقتصادی در هر دو طرف فعال‌تر شده‌اند و دیدارهای خارجی و مذاکرات دیپلماتیک باهدف شکست برنامه های طرف مقابل تشدید شده است. ترکیه یکی از کشورهای هدف بوده که دولت ترامپ تلاش گسترده ای برای همراه ساختن آن با سیاست های تحریمی خود علیه ایران داشته است که این تلاش ها همچنان که از ظواهر امر پیداست تاکنون نتیجه عکس داشته است. چرا که ترکیه نه تنها با تحریم های آمریکا علیه ایران همراهی نکرده بلکه جزو هشت کشوری بود که از تحریم نفتی ایران معاف شد. مواضع ضد تحریمی دولت ترکیه و اعلام رسمی و علنی آنکارا مبنی بر مخالفت با تحریم و عدم همراهی با تحریم های آمریکا را می توان از منظر راهبردی و بلندمدت مورد تبیین قرار داد که در مقاله حاضر تا حدود زیادی به این موضوع پرداخته شد. از منظر راهبردی می‌توان گفت دولت آنکارا به یک متغیر بسیار مهم توجه دارد و آن هم موقعیت همجواری با ایران و روابط استراتژیک اقتصادی با تهران است. شاید آنکارا در عرصه سیاسی و امنیتی همسویی‌های معینی با ایران نداشته باشد ولی دولت ترکیه همواره تلاش کرده است در عرصه ژئواکونومی به‌ویژه حوزه انرژی، تعاملات بلندمدتی را در دو دهه گذشته با ایران ایجاد کند. بنابراین منطق مواضع ترکیه نسبت به درخواست های آمریکا در

همراهی با تحریم‌های ایران در اصل به این موضوع بازمی‌گردد. ترکیه بـه دنبـال ایـن نیسـت و اساساً نیز نمی خواهد بر مبنای مواضع سیال و متغیر سیاست خارجی آمریکا، روابط خـود را بـا ایران دچار تنش کند و نیازهای راهبردی در حوزه انرژی را نادیده بگیرد. بنابراین و به ویژه بعـد از کودتای ۲۰۱۶ تصور می رود که ترکیه بیش از دیگر شرکای اقتصادی و سیاسی ایران هم بنـا به موقعیتی که برای خود تعریف کرده و هم به دلیل ورود به تنش‌های جدی با آمریکا در برابـر تحریم ها مقاومت کند. البته باید همواره این نکته را مدنظر قـرار داد کـه سیاسـت هـای دولـت ترکیه طی چند دهه گذشته رئالیستی بوده و بر همین مبنا هیچ‌گاه تخم‌مـرغ‌هـایش را در یـک سبد قرار نداده است. به‌عنوان مثال در بحث انرژی نیازمندی‌های بازار خود را متنوع کرده است. بنابراین در موضوع تحریم‌ها علیه ایران نیز دور از تصور نیست کـه آنکـارا آن را بـه یـک کـارت بازی تبدیل کند، اما با توجه به نیازهایی که به انرژی ایران دارند و هم تنش هایی که در روابـط آنکارا و واشنگتن وجود دارد احتمالاً ترکیه با آمریکا همراهی نخواهد کرد و همـین سیاسـت را فعلاً ادامه خواهد داد.

منابع و مآخذ

الف) مقالات

۱- صدیق بطحایی اصل، ابراهیم و صراف یزدی، غلامرضا و صبری، محسن (۱۳۹۱)، «**نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه**»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹، تابستان.

۲-ازغندی، علیرضا (۱۳۸۲)، «**بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه؛ چالش ها و فرصت ها**»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۵، زمستان.

۳-قاسمی، حاکم و حسن زاده، آرام (۱۳۹۳)، «**آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه؛ ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت سیاسی**»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان.

۴-غائبی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «**اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه**»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره ۲، تابستان.

۵-نجمی، محمدحسن (۱۸ فروردین ۱۳۹۴)، «**مروری بر روابط ایران و ترکیه؛ رقیبان همیشگی، دوستان موسمی**»، روزنامه شرق، شماره ۲۲۶۹.

ب) مقالات اینترنتی

۱-آقایی، حسین (۲ شهریور ۱۳۹۷)، «**دورنمای روابط ایران و ترکیه در سایه سیاست تحریم آمریکا**»، بی بی سی فارسی، قابل دسترس در:
http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-٤٥٢٩٧٢٣٩

۲-تابناک (۱ مرداد ۱۳۹۷)، «**آنچه ترکیه از آمریکا برای همراهی با تحریم‌های ضد ایرانی می‌خواهد!**»، قابل دسترس در:
https://www.tabnak.ir/fa/news/٨١٩٠٥٧/

۳-خجسته، رحیم (۲۶ اسفند ۱۳۹۶)، «**روابط تجاری ایران و ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه**»، خبرگزاری صدا و سیما، قابل دسترس در:
http://www.iribnews.ir/fa/news/٢٠٦٩٥١٤/

۴-دوان، ذوالفقار (۲۱ آبان ۱۳۹۷)، «**فرصتی طلایی تحریم های ایران برای ترکیه**»، ترجمه طلا تسلیمی، احوال نیوز، قابل دسترس در:
http://ahvalnews.ir/١٣٩٧/٠٨/١٩/

۵-دیپلماسی ایرانی (۱۹ آبان ۱۳۹۷)، «**مخالفت ترکیه با تحریم های ضد ایرانی آمریکا**»، قابل دسترس در:
http://irdiplomacy.ir/fa/news/١٩٧٩٩٩٨/

۶-شفقنا (۹ تیر ۱۳۹۷)، «**ترکیه، جبهه مقاومت ایران در برابر تحریم‌های آمریکا**»، به نقل از رأی الیوم، قابل دسترس در:
https://eco.shafaqna.com/fn/٦٥٦٦٦/

۷-گل محمدی، ولی (۱۳ مرداد ۱۳۹۷)، «**ترکیه و تحریم ٦-های آمریکا علیه ایران**»، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترس در:
http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/١٩٧٨٢٢٦/

ج) منابع لاتین

1-Statement by Secretary Steven T. Mnuchin on Iran Decision (May 8, 2018), **U.S. Department of the Treasury**: https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0382

2-Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott, Barbara Oegg (2013), **"Economic Sanctions: New Directions for the 21st Century"**, Peterson Institute for International Economics.

3-Eyler, Robert (2007), **"Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work"**, Palgrave Macmillan.

ABŞ-ın İrana qarşı sanksiyalarına Türkiyənin əməli reaksiyası

Məhəmmədrza Fərhadi[1]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2018-11-11
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-02-26

Abstrakt

Türkiyə regionun mühüm bir ölkəsi olaraq qonşu ölkələrə qarşı sanksiyalara qoşulmağa meyli olmadığını göstərdi. Bəzi sanksiyalara qoşulması isə məcburiyyət üzündən və buna xatir cəzalandırılacağından qorxusuna görə olmuşdur. ABŞ-ın İrana qarşı yeni sanksiyaları dövründə Türkiyə dövləti bu sanksiyalara bərk etiraz etdi, Ankara rəsmiləri öz açıqlamalarında İranın yanında olduqlarını bildirdilər. Hazırkı məqalə analtik-təsvir təhqiq metodundan istifadə etməklə, ABŞ-ın sanksiyalarına qarşı İranın mübarizə siyasətində Türkiyənin yeri və əhəmiyyətini araşdırır. Məqalə "Amerikanın İran əleyhinə sanksiyaları ilə qarşılaşmada Türkiyənin əməli siyasət və yanaşması hansıdır?" sualına cavab verməyə çalışır.Araşdırmanın nəticəsi göstərir ki, Türkiyə dövləti qonşuluq mövqei, iki ölkə arasında müsbət əməkdaşlığın perespektivi və strateji iqtisadi əlaqələr səbəbindən Amerikanın İrana qarşı birtərəfli sanksiya siyasətlərinə qoşulmamaqla yanaşı, İranla ikitərəfli təsirli əməkdaşlığını davam etdirəcək.

Açar sözlər: sanksiya, İran, Türkiyə, strateji qonşuluq, iqtisadi-ticarət əlaqələri

[1] Türkiyə məsələləri üzrə ekspert

ABŞ-ın İrana qarşı sanksiyaları dövründə iqtisadi imkanlar (Cənubi Qafqazla diqqət etməklə)

Məhəmməd Cəlalifərd[1]
Seyyid Ruhəddin Miri[2]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2018-11-11
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-02-19

Abstrakt

İranın qonşu ölkələrin iqtisadi potensiallarından istifadə etməsi sanksiyaların mənfi təsirlərindən qurtulmaq üçün mühüm yollardan biri ola bilər. Hazırkı şəraitdə İran ABŞ-ın qeyri-qanuni və təkbaşına sanksiyaları ilə üzləşmişdir. Belə bir durumda düzgün siyasət, uyğun strategiya və proqram seçməklə İranla mədəni, tarixi və sivilizasiya yaxınlığı olan ölkələrlə iki, yaxud çoxtərəfli iqtisadi münasibətləri genişləndirmək, mövcud iqtisadi fürsətlərdən faydalanmaq olar. Bu istiqamətdə Qafqaz ən mühüm regionlardandır. Qafqaz iqtisadi baxımdan qərbə bağlı olmasına və qərbin də Qafqazı quruluşda öz qonşuları qərar verməsinə və onunla anlaşmasına baxmayaraq, böyük və mühüm bir bazar kimi İranın üzünə açılmışdır. Hazırkı məqalədə sanksiyalar dövründə İranın Cənubi Qafqazda (Azərbaycan, Gürcüstan və Ermənistan) iqtisadi imkanları araşdırılır. Məqlənin hazırlanmasında analtik-təsvir metodundan istifadə olunmuşdur. Məqalə "Sanksiyalar dövründə Cənubi Qafqaz regionunda İran üçün hansı iqtisadi fürsətlər vardır?" əsas sualına cavab tapmağa çalışır. Araşdırmanın nəticəsi göstərir ki, İran sanksiyalar dövründə mövcud fürsətlərdən faydalanmaqla öz maddi mənbələrini təmin edə bilər.

Açar sözlər: Cənubi Qafqaz, Azərbaycan, Gürcüstan, Ermənistan, sanksiya

[1] Qafqaz məsələləri üzrə tədqiqatçı
[2] Əllamə Təbatəbai Universiteti beynəlxalq münasibətlər üzrə magistr

Şimal-Cənub Beynəlxalq Nəqliyyat Dəhlizi

Doktor Bəhram Əmirəhmədyan[1]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2018-12-19
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-02-23

Abstrakt

Şimal-Cənub Beynəlxalq Nəqliyyat Dəhlizi layihəsi 2000-ci ildə Süveyş dəniz kanalı nəqliyyat yolundan daha qısa bir dəhliz yaratmaq, beləliklə ticarət məhsullarının çatdırılmasında həm vaxt, həm də xərc baxımından irəli düşmək üçün Rusiya, Hindistan və İran tərəfindən yaradıldı. Hal-hazırda bu koridor 10 yeni üzv qəbul etməklə daha da genişlənmişdir. Yeni üzv ölkələr Azərbaycan, Ermənistan, Qazaxıstan, Qırğızıstan, Tacikistan, Türkiyə, Ukrayna, Belarusiya, Oman və Suriyadır. Bolqarıstan da müşahidəçi üzv kimi bu layihədə iştirak edir. İran əmin ölkə kimi seçilərək müqaviləni imzalayan ölkələri digər ölkələrin bu müqaviləyə qoşulması, yaxud ondan çıxarılması barədə məlumatlandırmalıdır. Şimal-Cənub dəhlizinin məqsədlərindən biri də məhsul və sərnişinlərin daşınmasının tənzimlənməsi istiqamətində nəqliyyat əlaqələrini genişləndirmək, müqaviləyə üzv ölkələrin dəmir yolu, quru yol, dəniz yolu və hava yolu vasitəsilə beynəlxalq bazarlara çıxışını artırmaqdır. Məqalənin əsas sualı budur ki, "İranın ekoloji potensiallarına və nəqliyyat sahəsində infrastrukturlarına, habelə müqavilənin digər əsas tərəfləri olan Rusiya və Hindistanla yaxşı münasibətlərinə diqqət etməklə, Şimal-Cənub dəhlizi ABŞ-ın sanksiyaları altında İranın məqsəd bazarlara çıxışında onun hədəflərini təmin edə biləcəkmi? Hindistan və Rusiyanın rolu və regionun iki qüdrətli ölkəsinin bir-birilə və onların İranla iqtisadi-ticarət əlaqələri bu dəhlizin əsaslı rol ifa etməsi səviyyəsindədirmi?"

Açar sözlər: Şimal-Cənub Dəhlizi, nəqliyyat, Hindistan, İran, Rusiya

[1] Avrasiya geopolitik məsələləri üzrə tədqiqatçı və universitet müəllimi

Xəzər dənizinin son hüquqi statusu konvensiyasının dəyərləndirilməsi

Həmid Xoşayənd[1]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2018-11-01
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-02-17

Abstrakt

Xəzər dənizi dünyanın ən böyük gölü olaraq tarixi mətnlərdə və ədəbiyyatda okean sularına çıxışı olmadığı üçün dəniz adlanmışdır. Xəzər dənizi mövzusunda SSRİ-nin parçalanmasından sonra yaranmış ən önəmli məsələlərindən biri də onun hüquqi statusunun təyin edilməsinin vacibliyidir. Bu məqsədlə Xəzər hövzəsinin 5 ölkəsi həmin məsələ ilə bağlı 20 ildən çox müzakirərlər aparıb. Belə ki, 21 il müzakirədən sonra Xəzəryanı ölkələr: Rusiya, İran, Qazaxıstan, Azərbaycan və Türkmənistan arasında 12 avqust 2018-ci ildə Qazaxıstanın Aktau şəhərində baş tutan 5-ci zirvə görüşündə Xəzərin statusu ilə bağlı razılıq əldə edilib və Xəzəryanı ölkələr arasında bu dənizin bölünməsi ilə bağlı çəkişmələrə son qoyulub. Hazırkı məqalə Xəzər dənizinin hüquqi statusunun keçmişinə diqqət etməklə "Xəzər dənizinin son hüquqi statusunun konvensiyası necə dəyərləndirilir?" əsas sualına cavab tapmağa çalışır. Bu araşdırmada analtik-təsvir təhqiq metodundan faydalanmaqla, sənəd və kitabxana mənbələri toplanış, habelə internet mənbələrindən istifadə olunmuşdur.

Açar sözlər: Xəzər dənizi, sahil ölkələri, hüquqi status, konvensiya-2018

[1]. Beynəlxalq münasibətlər və Qafqaz araşdırmaları üzrə eskpert tədqiqatçı

Avrasiyada İran və Rusiyanın geopolitik məsələlərdə futurologiyası

Yusif Zeynülabidin Əmuqin[1]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2018-10-07
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-02-24

Abstrakt

Rusiya və İran regionun geopilitiyasında, xüsusilə də Avrasiyada iki əsas təsirli ölkədir. Regionda Rusiya böyük bir supergüc və İran əvəzedilməz bir güc hesab olunur. Belə nəzərə gəlir ki, coğrafi mövqe, enerji, terrorizm və transregional güclərin regionda hüzuru kimi bir sıra məsələlər İran və Rusiyanın geopolitik məsələlərdə futurologiyası olacaqdır. Bu arada iki ölkənin Avrasiyanın geopolitik məsələlərdə ortaq və təzadlı maraqlarının xüsusi əhəmiyyəti vardır.Hazırkı məqalə analtik-təsvir metodundan istifadə etməklə, iki ölkənin müxtəlif məsələlərdə ortaq geopolitik futurologiyasını araşdırır. Məqalə "futurologiyaya diqqət etməklə İran və Rusiyanın Avrasiyada geopolitik məsələlərdə hansı potensialları vardır?" sualına cavab tapmağa səy edir. Araşdırmanın nəticəsi göstərir ki, müxtəlif geopolitik səbəblərdən İran və Rusiya münasibətləri gələcəkdə daha da dərinləşəcək və genişlənəcək. Çünki İran və Rusiyanın ortaq maraqları tələb edir ki, bu iki ölkə beynəlxalq və regional strategiya istiqamətində bir-birlərinin bacarıq və potensiallarından faydalansınlar, geopolitik əlaqələr yaratsınlar.

Açar sözlər: İran, Rusiya, futurologiya, Yeni avrasiyaçılıq, Cənub-qərbi Asiya

[1] Rəşt Azad İslam Universitetinin siyasi coğrafiya üzrə dosenti

Cənubi Qafqazda siyasi-təhlükəsizlik prosesləri; geopolitik oyunçuların çəkişməsi

Rəhmətullah Fəllah[1]

Məqalənin götürülmə tarixi: 2019-01-25
Məqalənin qəbuledilmə tarixi: 2019-03-01

Abstrakt

Cənubi Qafqazda siyasi-təhlükəsizlik proseslərinin təhlili ona görə önəm daşıyır ki, bu geopolitiyada fəal olan regional və transregional oyunçular İran İslam Respublikasının təhlükəsizlik və regional maraqlarına dərhal və vasitəsiz təsir qoymaq imkanı əldə etmək üçün bir-birinə zidd və çəkişməli mahiyyət daşıyan təhlükəsizlik quruluşu yaradıblar. Qeyd olunan təriflə hazırkı məqalə açıqlayıcı-izahlı yanaşma ilə mövcud proseslərə, təsəvvür olunan və gözlənilən perespektivlərə diqqət etmişdir və bu nəticəyə gəlmişdir ki, Cənubi Qafqaz regionunda geopolitik çəkişmə müxtəlif səviyyələrdə davam edəcəkdir. Belə bir şəraitdə tövsiyə olunur ki, İranın təhlükəsizlik diplomatiyası strateji hərəkətlər modelini bu regionda möhkəmləndirməyə, onu yerli və regional qayda və normativlərə çevirməyə təlaş etməlidir.

Açar sözlər: Cənubi Qafqaz, geopolitik, siyasi-təhlükəsizlik prosesləri, Azərbaycan, Ermənistan, Gürcüstan

[1]. Cahanpejo Strateji Araşdırmalar Mərkəzinin Avrasiya Araşdırmaları bölməsinin rəhbəri.

Azarbaycan (latin)

Dilinda maqalalarinin xülasasi

The behavioral and applied approach of Turkish government opposed to US anti-Iran sanctions

Mohammad Reza Farhadi[1]

Receiving date: 11/11/2018
Acceptance date: 26/02/2019

Abstract

Turkey as one of the important countries of this region, didn't demonstrate much interest in going along with sanctions specifically ones that concern neighboring countries. And in such occasion which they went along with .the sanction was only due to constraint and duress of the penal consequences.

In the new round of US anti-Iran sanctions, Turkish government as it was expected of Ankara authority's official stance, in addition to strong objections towards the sanction, stood by Iran. This article using the analytical-descriptive method, intends to review and explain Turkey's position in Iran's confronting policies towards US sanctions. Hence the main question of this article is, how Turkey's approaches and policies opposed to US anti-Iran sanctions are explained? The findings of this research shows that due to neighboring position, positive cooperation perspective and strategic economical relations among the two countries, Turkish Government not only wouldn't go along with unilateral sanction policies of the US, they would continue the mutual cooperation with the Islamic Republic of Iran.

Key words: Sanction, Iran, Turkey, Strategic neighboring, economical-commercial relations.

[1]. Expert in issues of Turkey

Iran's Economic Opportunities during Unilateral America Sanctions; Case Study: South of Caspian Sea

Mohammad Galali Fard [1]
Seyyed Rouh-al-din miri [2]

Receipt date of article: 11-11-2018
Acceptance date of article: 19-02-2019

Abstract

Use of present economic capacities in neighbor countries could be one of most important ways to escape the negative consequences of sanctions for Islamic Republic of Iran. In current conditions that Islamic Republic of Iran is exposed to illegaland unilateral sanctions of United States, we can using present economic capacities by adoption of correct policy, selection of appropriate strategies and programs through expansion, spread and development of bilateral economic or multilateral economic relations with countries that has cultural, historical, and civil-cultural propinquity with Islamic Republic of Iran. Caucasus is one of the most important areas in this context. Although this region economically is dependent on the West and Western countries actually put Caucasus in their neighborhood structure and has interaction with Caucasus, but this is a major market that opened to Iran. In this article, Iran's economic opportunities in the countries of Southern Caucasus (Azerbaijan, Georgia and Armenia) are investigated during post-sanction period. Descriptive - analytic method has been used in this article. Question that arises from this study is that what economic opportunities exist for Islamic Republic of Iran in the South Caucasus region during post-sanction period. Results of this study indicate that during sanctions period, Islamic Republic of Iran can use its available resources to finance its activities.

Keywords: South Caucasus, Azerbaijan, Georgia, Armenia, sanctions

[1]. Researcher of Caucasus region
[2]. Master of International Relations from Allameh Tabataba'i University

NORTH-SOUTH TRANSPORT CORRIDOR

Dr. Bahram Amirahmadian[1]

Receipt date of article: 12/19/2018
Acceptance date of article: 02/23/2019

Abstract

"North-South transport corridor" international project, with the aim of creating a pathway shorter than the current shipping route of the Suez canal and in order to reducing the time and transportation cost of merchandise trade founded by Russia, India and Iran in 2000. This corridor with acceptance of 10 new members has been developed and now includes Azerbaijan, Armenia, Kazakhstan, Kyrgyzstan, Tajikistan, Turkey, Ukraine, Belarus, Oman and Syria. Bulgaria is as observer member in it. Islamic Republic of Iran selected as trustworthy country which is responsible for informing contracting parties to joining other countries to this agreement or quitting it. The goals of this corridor are; developing transport links in order to organize the transportation of goods and passengers in international transport corridor North-South, increasing access of parties of this agreement to the global markets by rail, road, sea, river and air transportation facilities. The main question of this article is this, with regard to environmental capabilities and infrastructure of Iran in transport section and good relations between the two signatories of this agreement (India and Russia), is this corridor capable to achieving Iran's goals and accessing to target markets under us imposed sanctions? And the role of India and Russia and the economic-commercial relationship between these two powers of the region and with Iran, is it worth that this corridor can play an important role? (Can this corridor play an important role?)

Key words: North-South corridor, Transportation, India, Iran, Russia

[1]. Researcher and professor of geopolitical problems of Eurasia- Email: Bahram1392@gmail.com

Evaluation of convention on the legal status of the Caspian sea

Hamid Khoshayand[1]

Article receiving date: 01-11-2018
Article acceptance date: 17-02-2019

Abstract

Caspian Sea is the largest lake in the world, which in historical text and common literature due to lack of access to open seas it is ascribed as "Sea". One of the most issues of the Caspian Sea which emerged gradually after the dissolution of the Soviet Union, was the necessity of appointment of a new legal status of Caspian Sea Committee, hence the 5 coastal countries spent over 2 decades negotiating its terms. In a way that after 21 years of constant negotiation and in the course of the 5th session of the authorities of the coastal countries which are Russia, Iran, Kazakhstan, Azerbaijan Republic and Turkmenistan, in Aktau, Kazakhstan on 12th August of 2018 finally the convention of the legal status of Caspian sea was agreed upon and signed. This convention, which in some beliefs resulted in the partition plan of the Caspian Sea, ended years of conflict among the coastal countries. This article, reviewing the background of the legal discipline, governing the Caspian Sea, struggling to answer this question: How can the current legal convention be evaluated? In this research the analytical-descriptive method was used and the data was gathered through documented resources, libraries and online resources.

Key words: Caspian Sea, Coastal countries, legal committee, 2018 convention100

[1]. International and Caucasia studies scholar

GEOPOLITICS FUTUROLOGY OF IRAN AND RUSSIAIN EURASIA

Yousef Zeinolabedin Amougein[1]

Receipt date of article: 09/29/2018
Acceptance date of article: 02/24/2019

Abstract

Russia and Iran are the main two influential countries in geopolitics of the region and especially Eurasia. Russia as a great power and Iran as an unmatched power in the area are considered. It seems issues such as geographical location, energy, terrorism, the presence of trans-regional powers in the area and etc., provides geopolitics futurology fields. Commons and conflicts in the profits of the two countries and in Eurasia's geopolitical issues, are particularly important. This article using descriptive-analytical method to proceed to geopolitics futurology in different fields that are common in both countries. Our main question is based on futurology which ones are the geopolitical issues between Iran and Russia in Eurasia? Findings of this research show that relations between Iran and Russia due to different geopolitics, will be deeper and wider in the future. Because common benefits of Iran and Russia in order to using abilities and possibilities of each other's, require them to have geopolitical relations in the direction of global and regional realizing their strategy.

Key words: Iran, Russia, Futurology, New Eurasianism, Southwest Asia

[1]. Associate professor of political geography of Islamic Azad University, Rasht Branch E-Mail address: y.zeinolabedin@gmail.com

The political-security procedures in southern Caucasus: Geopolitics player's challenge

Rahmatullah Fallah[1]

Article receiving date: 25-01-2019
Article acceptance date: 01-03-2019

Abstract

The political-security procedures in southern Caucasus is important due to antagonistic and litigating security schemes of regional and trans-regional players in this geopolitics state which leads to quick and direct impact on Islamic Republic of Iran's security and regional interests. So this article using descriptive approach, focused on the current proceedings and conceivable and expected perspective, reached the conclusion that geopolitical dispute will persist to exist on different levels. In such circumstances it is advised that the Iranian security diplomacy makes an effort to institutionalize a strategic demeanor pattern in southern Caucasus which leads to formation of domestic and regional security customs.

Key Words: Southern Caucasus, Geopolitics, political-security procedures, Azerbaijan Republic, Armenia, Georgia

[1]. Administrator of Eurasian studies of Jahan Pajooh Strategic institute. Email: Rfallah90@gmail.com

English Abstract's

فرم اشتراک سالیانه

فصلنامه علمی - تخصصی قفقاز

قفقاز

متقضیان محترم اشـــتراک می توانند برگ درخواست اشتراک را تکمیل و همراه فیش واریزی از طریق پستی و یا نمابر به آدرس اعلام شده ارسال نمایند.

یادآوری :

۱- هزینه اشتراک یک ساله (چهارشماره در دو جلد) به همراه هزینه پستی:

ایران:

اشخاص حقیقی: ۲۴۰۰۰۰ ریال سازمان و مؤسسات: ۲۶۰۰۰۰ ریال

کشورهای خارج :

منطقه قفقاز و آسیای مرکزی: ۱۵۰ دلار خاورمیانه: ۲۰۰ دلار سایر کشورها: ۲۱۰ دلار

۲- هزینه ی اشـــتراک فصلنامه، به حســـاب شماره ی ۱۰۲۴۰۱۱۸۲۲۸ به نام مرکز فرهنگی قفقاز نزد بانک انصار شعبه مرکزی اردبیل واریز گردد.

۳- اساتید محترم دانشگاه ها، معلمان، دانشجویان و طلاب حوزه های علمیه، می توانند با ارسال روگرفت کارت شناسایی معتبر(پشت و رو)، از امتیاز ویژه استفاده نمایند.

۴- در صـــورت تغییر آدرس و یا تأخیر در دریافت فصلنامـــه مراتب را به دفتر فصلنامـه اطلاع دهید .

۵- نشانی دفتر نشریه به شرح ذیل است: اردبیل- میدان شریعتی- انتهای خیابان آیت‌الله خامنه‌ای- پلاک ۴۳ ، تلفن: ۳۳۲۴۰۹۳۷-۰۴۵، دورنما: ۳۳۲۴۰۹۳۶-۰۴۵

نشانی پایگاه اینترنتی: www.Qafqaz.ir ، پست الکترونیکی: qafqazhagayegi@yahoo.com

برگ درخواست اشتراک فصلنامه قفقاز

نام و نام خانوادگی / موسسه:.....

شغل و میزان تحصیلات:.....

آدرس پستی:.....

صندوق پستی:.....تلفن(و کد شهر):.....

پست الکترونیکی:.....

شماره اشتراک:.....تاریخ اشتراک:.....

In the name of God

QAFQAZ

Caucasus Specialized and Reesearch quarterly

summer & autumn 2018 , vol.9 , no. 29-30

ISSN: 2645-7733

Journal volume prices: 7000 Toman

Concessionaire: Qafqaz cultural center

Director responsible for quarterly journal: Dr. Seyyed Naser Eshaqi

Chief edited by: Dr. Behnam sahranavard

Managed by: Majid Dehforush

Edited by: the research unit of Qafqaz cultural center

Designed and spotlighted by: somayyeh sahafi

■ ■ ■

Editorial board staff

(In alphabetical order)

Dr. Morteza Ebrahimi (assistant professor in Political Science of Mohaghegh Ardabili University)

Dr. Seyyed Naser Eshaghi (assistant professor in History of Farhangian University, Ardabil)

Dr. Seyyed Asad-ullah Athari (assistant professor in Political Science of Azad University, Takestan)

Dr. Bahram Amir Ahmadian (assistant professor at Faculty of World Stiduies Tehran University)

Dr. Armin Amini (associate professor in Political Science of Azad University)

Dr. Vali Jabbari (Professor)

Dr. Seyyed Mehdi Javadi (associate professor in History of Azad University, Ardabil)

Dr. Sedigheh Sadat Hoseini (assistant professor in International Relations of Mofid University)

Dr. Omid Ali Ra'naee (Professor)

Dr. Yousef Zeinolabedin Amougein (associate professor Geography of Azad University, Rasht)

Dr. Anahita Seify (assistant professor in Inrenational Law of AllamehTabatabaee University)

Dr. Hamid Salehi (associate professor Science of AllamehTabatabaee University)

Dr. Behnam Sahranavard (assistant professor in International Relations of Farhangian University, Ardabil)

Dr. Mohammad Reza KaffashJamshid (Professor)

Dr. Seyyed Mohammad Mosavi (associate professor in Political science of Payam E Noor University)

■ ■ ■

Address: 43- at the end of the street Ayatollah Khamenei- shariati square- Ardabil.

Phone number: 045-33240937

Fax: 045-33240936

E-mail: qafqazhagayegi@yahoo.com

Website URL:www.Qafqaz.ir

■ ■ ■

Qafqaz Periodical Journal has release license from Ministry of Culture and Islamic Guidance with registration number 93/7/03 since 17 th of June 2014